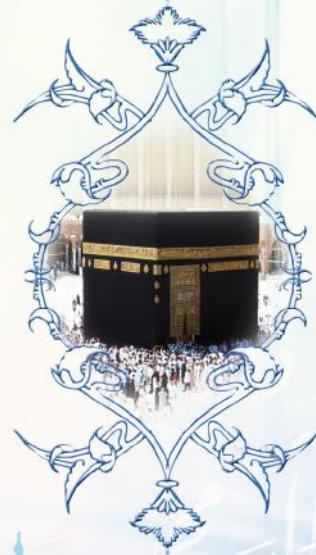


# امان

ویژه امام زمان علی‌الله‌علی‌الجیل

گامی نو در عرصه امامت و مهدویت  
شماره هشتم / آذر و دی ۱۳۸۶  
قیمت ۴۰۰ تومان



امام شش ماه است از قم و جمکران قهر کرده است؟

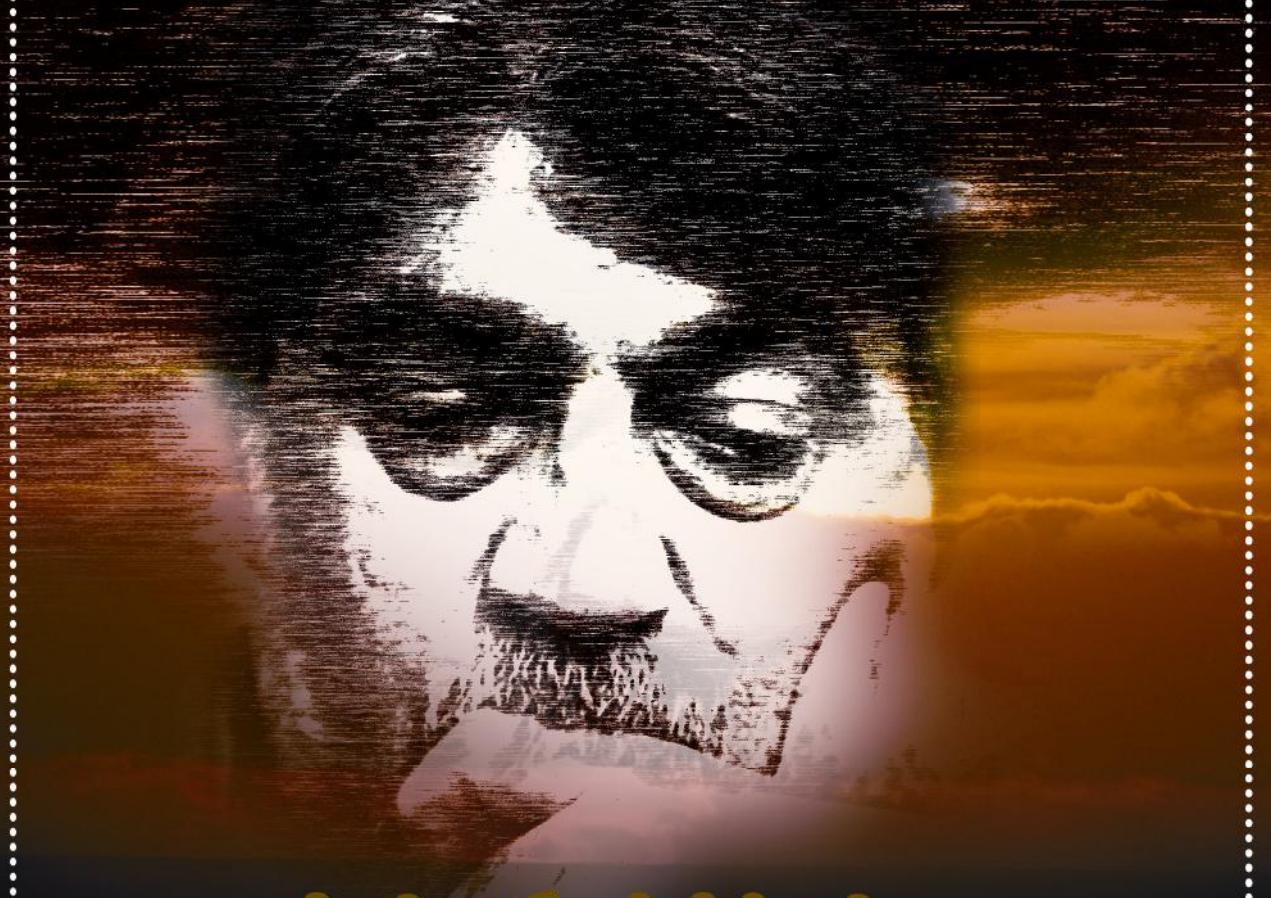
بوش به دنبال چیست؟

با کدام چشم به امام زمان نگاه کنیم؟

آشیز خانه صلواتی

ایا ما منتظریم؟





... ای روزهای خوب که در راهید!  
ای جاده های گمشده در مه!  
ای روزهای سخت ادامه!  
از پشت لحظه ها به در آیید!  
ای روز آفتایی!  
ای مثل چشم های خدا آبی!  
ای روز آمدن!  
ای مثل روز، آمدنت روشن!  
این روزها که می گذرد، هر روز  
در انتظار آمدنت هستم!  
اما  
با من بگو که آیا، من نیز  
در روزگار آمدنت هستم؟!

شاعر گرانقدر مرحوم قمرالین پور



# نشریه امان

از سراسر کشور  
نایندگی فعال می‌پذیرد.

جهت کسب اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرید

بسم الله الرحمن الرحيم

## فراخوان

نشریه امان برای شمارگان بعدی خود در موضوعات ذیل از

تمام نویسندها و هنرمندان و همه علاقهمندان به ساحت

مقدس امام مهربانمان علیه السلام یاور افتخاری می‌پذیرد:

برخی محورهای پیشنهادی

✓ وظایف منتظران

✓ امام مهدی علیه السلام در قرآن

✓ امام مهدی علیه السلام در میان شیعه و اهل سنت

✓ غرب و مهدویت

✓ تربیت نسل منتظر

✓ معرفت امام عصر علیه السلام

✓ زندگی امام عصر علیه السلام

✓ مهدویت و آسیب‌ها

✓ آثار هنری در عرصه آخرالزمان و مهدویت

✓ و ...

شما می‌توانید نوشته‌ها و اشعار، طراحی‌ها، اندیشه‌ها و هر

آنچه مناسب نشریه خودتان می‌دانید به ما پیشنهاد داده، برای

ما ارسال کنید.

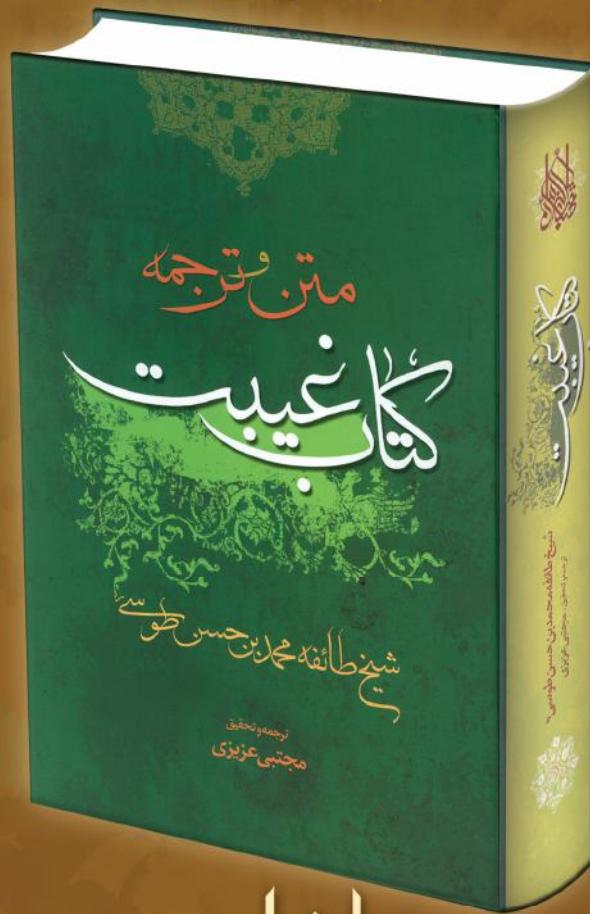
آدرس: قم - خیابان شهداء(صفائیه) - کوچه آمار - مرکز تخصصی مهدویت

تلفن: ۰۲۵۱-۷۸۳۲۵۰۰

# متن و ترجمه کتاب غیبت

## شیخ طوسی

مترجم: مجتبی عزیزی



انتشارات مسجد مقدس جمکران

قیمت: ۵۸۰۰ تومان

۲	طليعه
۳	دیدگاه
۴	حج مهدوی
۶	می داند
۷	غایب حاضر
۱۰	حریم یار
۱۲	وظایف جوان منتظر
۱۴	بررسی یکی دیگر از آثار سینمایی با مضمون انتظار



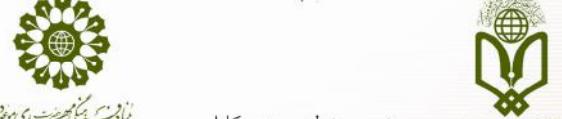
۱۶	آیا منتظریم؟
۱۸	خواب
۲۰	اصول حاکم بر نظام خانواده مهدوی
۲۲	شرابط و علایم ظهور
۲۴	امام مهدی در غدیر
۲۶	خرافه زدایی
۲۷	تناقض
۲۸	بوستان



۳۰	با کدام چشم به امام زمان نگاه کسی؟
۳۱	ترک عادت
۳۲	مبانی مشروعيت حکومت جهانی حضرت مهدی
۳۴	ریشه یابی انتظار
۳۵	برای آقا
۳۶	اصطلاحات مهدوی
۳۷	انتشارات مسجد مقدس جمکران
۳۸	ادیبات انتظار



۴۰	دل نوشته
۴۱	ترتیم
۴۲	خودمانی
۴۴	اخبار مهدویت
۴۶	جدول
۴۷	مسابقه
۴۸	مشترکین



نایب رئیس تحریر

مدیر مسئول: مجتبی کلباسی

سردیبیر: محمد صابر جعفری

مدیر اجرایی: سید محمد موسوی

طرح: محمد مهدی علی محمدی

واژه نگار: سید مصطفی موسوی پور

با کوشش شورای نویسندها و تشکر از مهدی یاوران ذیل: جواد اسحاقیان در چه، حامد اسلام‌جو، نصرت‌الله آیتی، غلام‌رضا بهروزیک، ف. جعفری، حجت حیدری چراتی، علی حیدری، حسین دهقان، علی محمد رایگان، علی اصغر رضایی، محمود رفیعی، ر. سپهری، سید علیرضا سجادپور، خدام‌زاد سلیمانیان، محمد صرفی، روح‌الله علی‌یاری، محمد جواد کمار، حسن عباسی، رحیم کارگر، محمد صادق کفیل، محمد جواد کمار، م. منصوری، علی مصلحی، محمد رضا نصوروی، محمد مهدی یاوری، مهدی یوسفیان و هادی بابایی، محسن رحیمی، روح‌الله تاری وردی، نورالله نوری، غلامعلی حیدری، عباس ضیایی، عباس نیکزاد، علی زیایی، حسن رفیعی، سید محمد کاظم خرسان، علی آقایی، عظیم آشتیا، عبدالـ شریفی و تمام آنانی که به نوعی یاری گر ما بودند.

نشانی:

قم، خ شهداد، کوچه آمار، بن بست شهید علیان، پلاک ۲۴ - مرکز تخصصی مهدویت  
صندوق پستی: ۳۷۱۸۵-۳۹۷۵ - نشریه امان - تلفکس: ۷۸۳۲۵۰۰

مراکز پخش:

قم: مرکز تخصصی مهدویت، تلفن: ۰۷۳۷۸۰۱

انتشارات مسجد مقدس جمکران، تلفن: ۷۲۵۳۳۴۰

● تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۸۱۳۸۹، فروشگاه جمکران،

تلفن: ۰۶۹۰۳۸۱۲-۳

● تبریز: ۰۴۱۱۵۵۵۵۰۵ - ارومیه: ۰۴۱۱۲۲۳۰۰۷ - اصفهان: ۰۴۴۱۲۲۵۰۱۱۵

● مشهد: ۰۵۱۱۲۲۵۹۶۲۶ - شیراز: ۰۷۱۱۲۳۴۹۳۰۰ - کرمان: ۰۳۴۱۲۲۲۲۳۳۷

● خرم آباد: ۰۶۶۱۳۲۳۹۸۹۳ - آبادان: ۰۶۳۱۲۲۳۰۱۱۱ - رشت: ۰۱۳۱۶۶۹۵۵۰

● «امان» در ویرایش و تلخیص مقالات آزاد است.

● مقاله های درج شده، لزوماً بیانگر دیدگاه نشریه نیست.

می خواهیم نشریه‌ای ارائه دهیم نه برای عنوان و تبریز و...، فقط ویژه امام زمان نیست؛ آن که سست و بی‌پایه نباشد. زیبا و شایسته برای همه علاقه‌مندان به ساحت مقدس امام مهربانمان نیست. پس مشتاقانه نیازمند دست و فکر یاریگر تان هستیم. با آرآ، پیشنهادها و مطالبات و ... ما را در ادای این امر یاری کنید.

# طیعت

همه رهسپار دیار حج اند، همه عالم به آنجا راهی‌اند؛ هیچکس نمی‌داند امسال با چه کسی در صف جماعت کنار هم ایستاده. با چه کسی در طواف شانه به شانه طوف حرم می‌کند. در هروله با که هروله می‌کند. ترس و شوق با هم زائر را فرا گرفته است. در مسجدالحرام، از رکن حجرالاسود طواف را آغاز می‌کند. همانجا پایان می‌دهد و دور حرم می‌چرخد. توجهات باید به رکن باشد نه جلوتر از او شروع کنی نه عقب ترا از او. خود را با او هماهنگ کن. اینجا رکن است. طواف که تمام شد، باید پشت مقام ابراهیم نماز بگذاری. حاجی خوب تأمل کن. اینجا خانه خدا است. و خدا تو را توجه می‌دهد؛ ولی خدا در اینجا بین رکن و مقام ندا می‌دهد: «انا بقیه...»<sup>۱</sup> و یاران از سراسر جهان بدون آنکه با هم هماهنگ کنند و بدانند شانه به شانه کدام انسان شریفی در آن سوی جهان می‌دهند، به امام می‌شتابند.<sup>۲</sup> کنار خانه خدا با او بیعت می‌کنند، خدا را در نظر می‌گیرند و دست ولی خدا را به بیعت می‌شارند. مصمم می‌شوند با او آغاز کنند - نه بر او مقدم می‌شوند و نه از او جا می‌مانند؛ فقط پیروند - تمام توجه شان به امامشان است، توجه به امام مهریان، به ولی خدا پرونوار گرد اویند.<sup>۳</sup>

باید با ولی خدا، خانه را طواف کرد که بی معرفت به ولی خدا، طواف هم بت پرسنی و بتکده چرخی است. آن روز آنان که از طول تاریخ درس آموخته‌اند (دیده‌اند که برخی در غدیر خم با همه توصیه پیامبر ﷺ، که رفتگان برگردند و نیامده گان به سرعت آیند و دست بیعت ناگستینی به دست مبارک و هدایتگر ولی خدا، علی علیه السلام دهن، نیامندن و یا بازماندن و یا پیشی گرفتند و دست بیعت را گستیند و پیمان بسته را گشودند)، ۳۱۳ حاجی، فراگرفته‌اند که باید تمام توجه شان به رکن باشد. به رکن عالم هستی تا رکن توحید همه عالم را فرا گیرد. تمام توجه به ولی خدا باشد تا عالم متوجه خدا گردد. جان را مهدوی کنند تا بتوانند به عالم شیرینی توحید را بچشانند. و عدالت و زندگانی همه از این نقطه به جهان گسترانیده می‌شوند. همانطوری که روزی پس از طوفان نوح نبی که همه عالم را آب فرا گرفته بود خشکی و حیات در میان آبها از همین نقطه، عالم را فرا گرفت<sup>۴</sup> و امروز عالم به این نقطه توجه می‌کند و منتظر به این نقطه توجه می‌کند نه آنکه روزی از آنجا راه آغاز شود بلکه امروز نیز راه انتظار و راه ظهور توجه به توحید است و موحد شدن و تلاش خستگی ناپذیر برای توحید و راه الهی.

«الدُّعَاءُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرِّاً وَجَهْرًا»<sup>۵</sup>

آنکه خود را با امام منطبق کنی «فليعمل كل امرئ منكم بما يقرب به من محبتنا و يتتجنب ما يدنيه من كراهتنا...»<sup>۶</sup> هریک بکوشید قدمی به رضایت ما نزدیک شود و یک قدم از غم و اندوه ما دور گردد و بکاهد». امروز باید قلب حرم خدابی گردد و در آن جز خدا را ره ندهی. وقتی جانت حکومت اسلام شد و حرم خدا آنگاه می‌توانی خود و جهان را آماده حکومت اسلامی و الهی ولی خدا گردانی.

- به امید آن روز -

سردبیر

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۰.

۲. بخار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۹.

۳. همان، ص ۳۰۷.

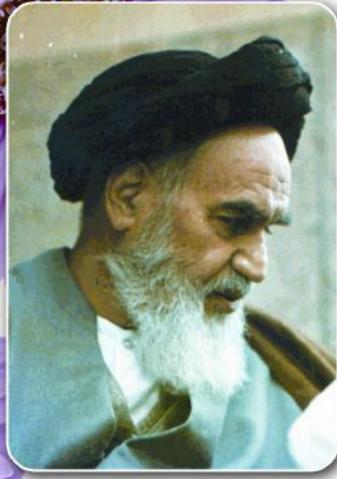
۴. روز دھوالاًرض؛ همان، ج ۶۲، ص ۴۵۴.

۵. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۱۹.

۶. احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۵.

# دیدگاه

امام خمینی رهنما



وقتی که امام زمان ظهر کند، این اختلافات از بین می‌رود و همه برادر وار با هم هستند، دیگر زورمند و زورکشی در کار نمی‌ماند.<sup>۱</sup> در زمان حضرت صاحب حکومت، واحد می‌شود... یک عدالت اجتماعی در همه عالم می‌آید... آن‌ها بی که بد هستند، دیگر نمی‌توانند کارهای خلاف بکنند.<sup>۲</sup>

۱- صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۳۱.

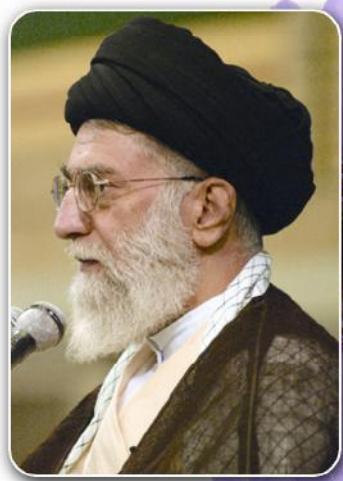
۲- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۷۹.

## مقام معظم رهبری:

دنیای سرشار از عدالت، پاکی، راستی، معرفت و محبت، دنیای دوران امام زمان است، که زندگی بشر هم از آن‌جا به بعد است. زندگی حقیقی انسان در این عالم، مربوط به دوران بعد از ظهر امام زمان است که خدا می‌داند، بشر در آن‌جا به چه عظمت‌هایی نایل خواهد شد.<sup>۳</sup>

من، بارها این را گفته‌ام. بعضی خیال می‌کنند، حضرت که آمدند، آخر دنیا است! نه، تازه شروع دنیا و شروع تاریخ بشریت، آن وقت است! این مدتی که از عمر بشریت گذشته، چند هزار سالی است که بشر در این سنگلاخ‌ها و در این بیابان‌ها و کویرهای وحشت‌ناک، همین طور سینه خیز و با زحمت رفته تا خودش را به جاده اتویان وسیع عریض آسفالته برساند و از آن‌جا زندگی تاریخی خود را تازه شروع کند. آن جاده را حضرت افتتاح می‌کنند. حرکت تاریخی انسان، آن وقت است. آن وقت است که استعدادهای انسان ظهر خواهد کرد. هنوز این دانشی که بشر تا امروز پیدا کرده، در مقابل استعدادهایی که خدا در وجود بشر گذشته، صفر است.<sup>۴</sup>

اگر حضرت آمدند و دنیا پر از عدل و داد شد، ولی آن هنگام، آخر عمر بشر باشد و منتظر سورا سرافیل باشیم، این که کار نشاد! بشر، چند هزار سال با این زحمت زندگی کند، بعد حضرت بیایند و دنیا را پر از عدل و داد کنند و بعد هم دنیا تمام شود! وقت ظهر حضرت، دنیا، تازه شروع می‌شود! با آمدن حضرت، اول زندگی بشر، اول تاریخ انسان و اول رشد و تعالی جوامع بشری به صورت کلان- نه به صورت تک تک که حالا داریم- تازه شروع خواهد شد<sup>۵</sup>



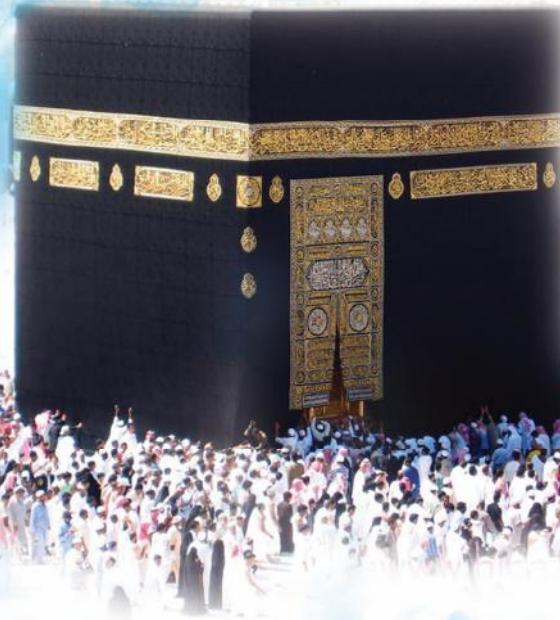
۳- خطبه نماز جمعه، ۷۹/۱/۲۶

۴- دیدار با اعضاء بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود رهنما و دانش پژوهان مرکز تخصصی مهدویت ۸۰/۱۰/۶

۵- همان

# حج مهدوی

سید مسعود پور سید آقایی



«تمام الحج لقاء الامام»<sup>۱</sup>

سپردنند، در حجر، با او تجدید عهد کردند، در سعی بر انجام میثاق و تعهدات خود، از مسیر صفا و مروت خارج نشدند و در عرفات، عرفانی عمیق و ریشه‌دار به ولايت یافتند. در مشعر، به وظایف خود نسبت به او به آگاهی رسیدند و برای مبارزه با دشمنان او - که دشمنان انسانیتند - توشه برگرفتند. در منی، با آرزوی وصال او، وسوسه‌ها را رمی و آرزوها را - با حدّت - ذبح کردند و با حلق، سر به او سپردنند و نزد عشق با او باختند و ولايت او را پذیرفتند و این گونه به کوی او راه یافتند.

امروز امیر در میخانه، تویی، تو

فریاد رس ناله مستانه، تویی تو

مرغ دل ما را که به کس رام نگردد

آرام تویی، دام تویی، دانه تویی تو<sup>۲</sup>

حج مهدوی، حرکتی است از خود به سوی خدا، همراه با امام و همگام با خلق.

حج مهدوی، میثاقی است با امام و اعلامی بر آمادگی و یاری او. حج مهدوی، تمرینی است بر تحمل فرج؛ که تحمل حجت خدا بدون کمال روحی و بی آمادگی و صلاحیت، میسور نخواهد بود. حج مهدوی، حجی است که اهداف و قله‌هایی سترگ به بلندای نگاه امام مهدوی دارد.

کعبه یک سنگ نشانی است که ره گم نشود حاجی احرام دگر بند، بین یار کجاست

مهدي روح حج و رمز تمامیت آن است.<sup>۳</sup> حج با ياد او «طواف»، دل و بي ياد او «طواف گل» است.<sup>۴</sup> مكه بي حضور مهدوی بازار عکاظی<sup>۵</sup> بیش نیست و کعبه بي عطر حضور او بتکدهای را می‌ماند که تولیت آن را می‌توان در یک شب‌نشینی مستانه در ازای مشکی شراب معاوضه کرد.<sup>۶</sup>

کاروان سالار قبیله قبله، با حضور هر ساله خود در مراسم پرشکوه حج، آن را روحی تازه می‌دمد<sup>۷</sup> و با شمیم حضور خود در منی و عرفات، منتظران را در معرض نسیم رحمت خاصه الهی قرار می‌دهد و ياد و خاطره آن را بر آنان جاودانه می‌سازد. مگر می‌شود امتنی در یکجا اجتماع کنند ولی امامشان در آنجا حضور نیابد؟!

او بر اعمال شیعیان خود، گواه است<sup>۸</sup> و همراه با آنان بر فرج خود که موجب رهایی همه اهل آسمان و زمین است<sup>۹</sup> دعا می‌کند. خوش آنان که شهیدی از این شمیم حضور را چشیدند و در نسیم آن روح خود را به طراوت و عروج رسانندند. خوش آنان که در نیت، قصد وصال او نمودند و در احرام، ياد غیر او را بر خود حرام داشتند و فریاد دعوت و استنصار او را در این عصر وانفسا، عارفانه و عاشقانه لبیک گفتند. در طواف، دل به او

در حج مهدوی، سهم بیشتر از آن کسانی است که با درک اضطرار به امام، با او پیوند خوردن و او را گواه اعمال خود و روح حج می‌دانند. سهم هر کس از دریای حج به قدر ظرفیت «ولایت» اوست.

حج مهدی‌پسند، همچنان که از نام آن پیداست حقیقتی است بینان نهاده بر دو رکن؛ یکی معرفت به امام و حق ولایت او و دیگری عرفان به حقیقت و اسرار حج.

اضطرار به امام و حق ولایت و سرپرستی او. و ضرورت آن با توجه به اهداف حکومت دینی - که رشد و تعالی استعدادهای آدمی است و نه فقط رفاه و آزادی - و قلمرو حکومت دینی - که همه هستی است و نه فقط محدوده دنیا، ثابت است<sup>۱۱</sup>.

قرآن نیز ارزش مکه و کعبه را به پیامبر می‌داند به طوری که به شهری که رسول، در آن امن نیست و خونش مباح شمرده شده، قسم نمی‌خورد: «لَا أَقِسِّمُ بِهَذَا الْبَلْدَةَ وَأَنَّ حِلًّا بِهَذَا الْبَلْدَةَ»<sup>۱۲</sup>؛ که مکه بی‌پیامبر، شهر بت پرستان است و کعبه بدون رهبر، بت خانه.

به شهادت آیه تبلیغ<sup>۱۳</sup> نیز بدون حضور امام معصوم، نه تنها حج که تمامی رسالت رسول، ابتر است. از آیه «أَذْنُ فِي النَّاسِ بِالْحَجَّ يَأْتُوكَ رَجَالًا»<sup>۱۴</sup> هم، با توجه به تفاوت «یاًتُوك» به جای «یاًتُونا» استفاده می‌شود که مردم هر زمان در پاسخ به ندای ابراهیم علیهم السلام باید به سوی امام و ولی زمان خود بروند. با توجه به این‌ها و جز این‌ها است که می‌توان گفت: در عرفاتی که امام نباشد معرفتی نیست، در مشعری که امام نباشد شعوری نیست، در منابعی که امام نباشد، شیطانی رمی نمی‌شود و اگر در کنار زمزم، امام نباشد، آبی نیست؛ که سراب است.

باری! با درک اضطرار به حجت و امام و پذیرش ولایت او به عنوان تنها راه خروج از خیل اکثر الضجيج و ورود به قله‌های اقل الحجیج<sup>۱۵</sup>، مناسب است به اسرار و حقایق حج و نمی‌از یسم آن توجه داشته باشیم؛ شاید حج ما، عطر مهدوی به خود بگیرد و امام<sup>۱۶</sup> ما را هم پذیرا باشد. آمين!

﴿...استاد حوزه و دانشگاه﴾

۱. کافی، ج ۴، ص ۵۴۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۵۴؛ بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۷۴.

۲. امام باقر علیهم السلام فرماید: «تمام الحج لقاء الامام؛ تمامیت حج در گرو دیدار با امام است.» امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «هنگامی که یکی از شما حج به جا

می‌آورد، آن را به دیدار ما ختم کنند؛ زیرا آن از تمامیت حج است.» بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۷۴.

۳. امام باقر علیهم السلام با دیدن طواف کنندگان کعبه می‌فرماید: «در جاهلیت هم این چنین طواف می‌کردند مردم مکلفند بر گرد این سنگ‌ها طواف کنند و سپس نزد ما آمدند، مودت و یاری خود را بر ما عرضه بدارند» کافی، ج ۱، ص ۳۹۲.  
۴. بازار معروف در دوران جاهلیت.

۵. اشاره به داستان «ابوغیشان» کلیدار کعبه، که سرقفلی تولیت کعبه را در شب نشینی مستانه طائف به دو مشک شراب فروخت. ر.ک: تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۳۶۲.

۶. محمد بن عثمان عمری، نایب دوم می‌گوید: «به خدا سوگند! صاحب این امر هر ساله در موسم حج حضور می‌یابد و مردم را می‌بیند و می‌شناسد، و مردم اورا می‌بینند ولی نمی‌شناسند.» من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۲۰؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۰.

۷. امام صادق علیهم السلام فرماید: «یفقد الناس امامهم یشهد الموسم فیراهم ولا یروننه؛ مردم امام خود را نیابند. او در موسم حج شاهد ایشان است و آنان را می‌بینند، اما آنان او را نمی‌بینند» کافی، ج ۱، ص ۳۳۷؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۲۲.

۸. «یرضی (یفرج) فی خلافته اهل الارض و اهل السماء و الطیر فی الجو» کشف الغمہ، ج ۳، ص ۲۵۹، به نقل از «روزگار رهایی»، ج ۱، ص ۴۹۰ و ۵۲۶.  
۹. از نایب دوم امام زمان علیهم السلام سؤال شد که آیا حضرت را دیده‌ای؟ گفت: «آری آخرین بار حضرت را در بیت الله الحرام دیدم؛ در حالی که از خداوند چنین درخواست داشتم: «اللهم انجز لی ما وعدتني؛ پروردگار! آنچه به من وعده کردی، تحقق بیخش.»

۱۰. «غزل مهدوی» از حاج میرزا حبیب خراسانی.

۱۱. ر.ک: فصلنامه انتظار، شماره ۱، مبانی اعتقادی مهدویت، نگارنده.

۱۲. سوره بلد، آیه ۱ و ۲.

۱۳. سوره مائدہ، آیه ۶۳.

۱۴. سوره حج، آیه ۲۷.

۱۵. اشاره به بیان حضرت باقر و سجاد علیهم السلام: «ما اکثر الضجيج و اقل الحجيج؛ حاجیان اندکند ولی ناله و فریاد بسیار است.» بحار الانوار، ج ۴، ص ۲۶۱ و ح ۲۵۸، ص ۹۶.

۱۶. بر گرفته از فصلنامه انتظار موعود، ش ۱۰، نگارنده.

گاهی می‌آیند به آدم می‌گویند:  
«چیزی نیست. یک نوشته‌ای را  
اجازه بده ما امضاء بکنیم. لازم  
نیست شما زحمت بکشید و  
امضا بکنید. همین که شما اذن  
بدهید تا ما از جانب شما امضاء  
بکنیم، کافی است و کار تمام  
است. این هم فروش، آن هم  
بهایش، آن هم...!»

حالا چه کار بکنیم؟ خودمان از  
خودمان بررسیم تا چه رسد از  
دیگران!

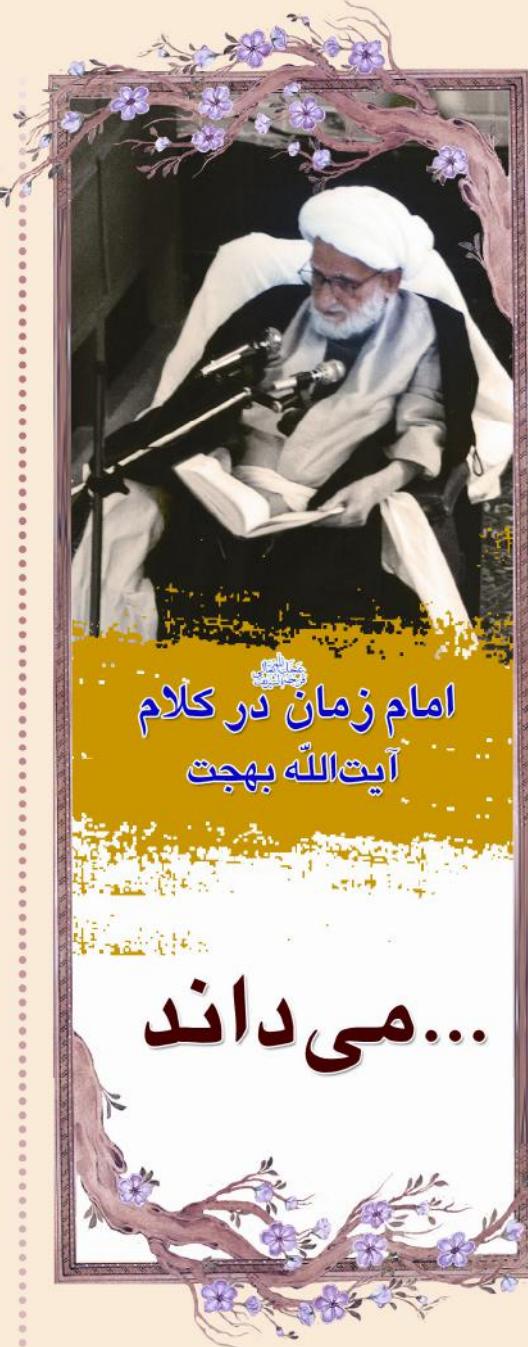
از خدا می‌خواهیم توسط انبیاء و  
اوصیائش و وصی حاضرش که  
در پیش عارفان حاضر است، که  
ما را از خدائی بودن و از خدایان  
و از وسائل امداد خدا، منحرف  
نکند، بصیر و بینا بکند و  
خودشناس باشیم، خودی‌ها را  
بشناسیم، خدائی‌ها را بشناسیم،  
آن وقت خلاف اینها هم شناخته  
می‌شوند.<sup>۲</sup>



۱. بخشی از زیارت مطلقه  
حضرت علی علیه السلام مفاتیح الجنان و  
بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۰۵.

۲. چشم بینای خدا و گوش شنوای  
خدا هستند».

۲. فیضی از ورای سکوت، ص ۶۸.



نتواند داخل این اتاق بشود. یکی از آنان فهمید در این اتاق، بتی هست. جامه‌ای برداشت و روی آن انداخت که مثلاً بست قضایای آنان را نبیند. خدای دروغی نبیند که دارند چه کار می‌کنند. آیا ما می‌توانیم از خدای حقیقی، کارهایمان را مخفی کنیم؛ به طوری که کارهایمان را نبیند و نداند که چه انجام دادیم؟

اصلاح فعلی ما، در چیست؟ به بازگشت و توبه از کارهایی که خودمان می‌دانیم، در داخل یا در خارج انجام می‌دهیم. در خلوت‌مان با خدا، در تضرعات‌مان و توبه‌مان، در نمازهایمان و عبادات‌مان، دعاها خصوصاً دعای شریف «عظم البلاء و برح الخفاء» را بخوانیم و از خدا بخواهیم صاحب کار را برساند و با او باشیم. حالا اگر خداوند حضرت را رساند که رساند و الا از کثار حضرت و از رضای او، دور نرویم. حضرت حرفاهای را که مابه هم می‌زنیم، می‌شنوند و می‌دانند.

ایشان «عَيْنُ اللَّهِ الظَّارِفَةُ وَأَذْنَهُ السَّامِعَةُ»<sup>۱</sup> می‌باشند. جلوتر از ما، حرف‌های ما را می‌شنوند، بلکه خودمان که حرف می‌زنیم، این صدا از لب تابه گوش برسد، فاصله‌ای دارد، حضرت جلوتر از این فاصله، حرف خودمان را می‌شنود. آن وقت آیا ما می‌توانیم کاری کنیم که حضرت متوجه نشود و نداند؟

نقل کرده‌اند، دو نفر بودایی بودند و با این که در دین‌شان عقد ازدواجی وجود دارد، با هم وعده فحشا کردند و گفتند، باید یک مکان خلوتی پیدا کنیم و یک خانه‌ای هم پیدا کردند. در این خانه هم یک اتاقی پیدا کردند که اگر فرضًا کسی داخل خانه شود،

# امام محمد

## غایب حاضر

امام رضا<sup>علیه السلام</sup> از پدران خود و ایشان از نبی اکرم<sup>علیه السلام</sup> نقل کرده‌اند که آن حضرت با استفاده از واژگان سوگند، فرمود: «وَ الَّذِي بَعْثَنِي بِالْحُقْقِ بَشِيرًا لِيَعْبَرَنَّ الْقَائِمُ مِنْ وَلْدِي»؛<sup>۱</sup> و سوگند به آن کسی که مرا به حق، بشارت دهنده، برانگیخت؛ هر آینه، قائم از فرزندان من، غائب خواهد شد.

مفضل می‌گوید: از امام صادق<sup>علیه السلام</sup> شنیدم که فرمود: «إِنَّا كُمْ وَ التَّنْوِيَةُ أَمَا وَ اللَّهِ لَيَعْبَرَنَّ إِمَامُكُمْ سَيِّنَا مِنْ ذَهْرِكُمْ وَ لَمْحَصْنُنَّ...»؛<sup>۲</sup> فریاد نکنید. به خدا سوگند؛ امام شما سالیانی از روزگارتان غیبت می‌کند و ناگزیر، مورد آزمایش واقع شوید...».

امام عسکری<sup>علیه السلام</sup> نیز در این باره فرمود: «وَ اللَّهِ لَيَعْبَرَنَّ غَيْبَةً»؛<sup>۳</sup> قسم به خدا صاحب این امر، غایب می‌شود. در روایات زیادی، قطعی بودن غیبت برای حضرت مهدی<sup>علیه السلام</sup> تأکید شده است.

تأکید فراوان پیشوایان معصوم<sup>علیهم السلام</sup> باعث شد این باور در عمق اذهان مسلمانان ریشه دوانده، و از باورهای خدشنه ناپذیر آنها شود. به همین دلیل برخی از افرادی که مدعی مهدویت شده‌اند، در پاره‌ای موارد، سخن از غیبت نیز به میان آورده‌اند.<sup>۴</sup>

### چگونگی غیبت حضرت مهدی<sup>علیه السلام</sup>

با بهره‌گیری از بیانات معصومین<sup>علیهم السلام</sup>، سه دیدگاه کلی و قابل توجه درباره چگونگی غیبت حضرتش، قابل ارائه است:

۱. پنهان بودن جسم (ناپیدایی)؛
۲. پنهان بودن عنوان (ناشناسی)؛
۳. پنهان بودن جسم و پنهان بودن عنوان به تناسب شرایط.

#### ۱ پنهان بودن جسم؛

پاره‌ای روایات، چگونگی غیبت آن حضرت را به پنهان بودن جسم دانسته است. این دیده نشدن جسم در دوران غیبت، به دو گونه قابل تفسیر است:

خدامزاد سلیمانیان\*

شاید برای برخی همواره، این پرسش مطرح باشد که چگونه ممکن است کسی که غایب است، حاضر باشد؟ و یا در عین حضور، غایب باشد؟

نگارنده برای پاسخ به این پرسش، به احمال، مطالعی را تقديم می‌کند؛ باشد با بهره‌مندی از آموزه‌های آفتاب‌گون پیشوایان معصوم، هرچند اندک، از این باور اساسی، رفع ابهام شود.

سال‌ها پیش از زاده شدن حضرت مهدی<sup>علیه السلام</sup>، آنگاه که معصومین<sup>علیهم السلام</sup> از آن حضرت سخن می‌گفتند، بی‌درنگ به پنهان زیستی ایشان نیز اشاره می‌کردند. این پافشاری، بیش از آن که در جهت آگاه کردن شیعیان باشد، به منظور زمینه‌سازی غیبت و آماده کردن شیعیان برای پذیرش آن بود.

آنچه بر رمز و راز این مسأله می‌افزود، پافشاری معصومین<sup>علیهم السلام</sup> بر حفظ جنبه سری این حادثه بود. به طوری که آنچه در رهیافت بررسی سخنان ایشان می‌توان به دست داد، نسبت به آنچه بر ما پوشیده است، بسیار اندک و ناچیز می‌نماید. اگرچه گاهی نیز به تناسب، گفته‌های ارزندهای درباره آن، به پیروان خود می‌فرمودند.

نیم نگاهی به واژه غیبت

«غیبت» به معنای «پنهان شدن از دیدگان» است و غائب به کسی گفته می‌شود که حاضر و ظاهر نیست.<sup>۵</sup> و در اصل به معنای پنهان شدن خورشید، ماه و ستارگان به کار می‌رود.<sup>۶</sup> همچنین درباره کسی به کار می‌رود که مدتی در جایی حضور دارد و پس از آن، از دیدگان رفته و دیگر دیده نمی‌شود.<sup>۷</sup> و در اصطلاح مهدویت، به پنهان زیستی حضرت مهدی<sup>علیه السلام</sup> گفته می‌شود.

تأکید بر حتمی بودن غیبت

پیشوایان معصوم<sup>علیهم السلام</sup> در پاره‌ای از سخنان خود، غیبت حضرت مهدی<sup>علیه السلام</sup> را امری حتمی و غیر قابل تردید دانسته‌اند.

«الْخَلْفُ مِنْ بَعْدِ الْخَيْرِ فَكَيْفَ لَكُمْ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِ الْخَلْفِ  
فَقُتِّلُتُ وَلَمْ جُعْلَنِي اللَّهُ فَدَاكَ فَقَالَ إِنَّكُمْ لَا تَرَوْنَ شَخْصَه...»<sup>۱۳</sup>  
جانشین پس از من حسن است. پس چگونه خواهد بود با  
جانشین پس از جانشین؟ عرض کرد: «خدما قربانت گرداند؛  
برای چه؟» فرمود: «همانا شما شخص او را نمی‌بینید». و سرانجام در فرازی از دعای ندبه چنین می‌خوانیم:  
«...عَزِيزٌ عَلَى أَنْ أَرِيَ الْخَلْقَ وَ لَا تُرَى...»<sup>۱۴</sup> سخت است بر من  
که مردمان را ببین اما تو دیده نشوی...».  
روشن است که همه روایات پیشین و احادیثی مانند آن، دلالت بر  
دیده نشدن آن حضرت دارند و قابل تأویل بر شناخته نشدن،  
نخواهند بود؛ چرا که صراحت در معنای دیده نشدن دارند.  
یکی از نویسندهای معاصر، پس از اشاره به برخی روایات یاد  
شده، این نظریه را ساده‌ترین طرح و فرضیه عملی و قابل قبول  
درباره پنهان شدن حضرت مهدی ع و رهایی ایشان از ظلم  
ستمگران دانسته و بر این باور است با این گونه اختفا، آن حضرت  
در پناهگاهی امن به سر برده و هیچ گونه آسیبی نخواهد دید. سپس  
می‌افزاید: «این گونه اختفا و پنهانی از راه اعجاز خدایی امکان  
دارد، به همان گونه که دیرزیستی حضرت در طول این همه سال  
نیز با اعجاز الهی درست می‌شود».<sup>۱۵</sup>

این برداشت، افزون برآن که با معنای لغوی غایبت مطابقت  
می‌کند، با روایاتی که حضرت مهدی ع در دوران غایبت را به  
خورشید پشت ابر تشبیه نموده نیز، همخوانی پیشتری دارد.  
**(۱) پنهان بودن عنوان:**

این دیدگاه، بر آن است که آن حضرت، در جوامع انسانی، عمر  
شریف خود را سپری می‌نماید و مردم را می‌بیند و مردم نیز ایشان  
را می‌بینند؛ اما ایشان را نمی‌شناسند و به تعبیر دیگر: فقط از نگاه  
معرفتی و شناختی مردم پنهان است نه از دید ظاهری.  
افرادی که بر این دیدگاه پافشاری می‌کنند به روایاتی استدلال  
نموده اند که از جمله آن به موارد زیر اشاره می‌شود:

سدیر نقل کرده که امام صادق ع فرمود: «در قائم، ستّی از  
یوسف است... چرا این مردم منکرند که خدای تعالی با حاجت خود  
همان کند که با یوسف کرد؟ در بین ایشان گردش کند و در  
بازارهای آنها راه رود و بر بساط آنها پا نهاد و آنها او را نشناسند  
تا آن گاه که خدای تعالی به او اذن دهد که خود را به آنها معرفی  
سازد. همان گونه که به یوسف اذن داد...».<sup>۱۶</sup>

و نیز سخن نائب خاص آن حضرت «محمد بن عثمان» که در

۱- آن حضرت بسان فرشتگان، ارواح و اجنّه، جسمی نامرئی  
دارد که با وجود این که در میان جوامع بشری حضور دارند اما قابل  
دیدن نیستند.

۲- ۱. ایشان جسمی مرئی دارد؛ اما به قدرت الهی در دیدگان  
مردم، تأثیر و تصرفی نماید تا کسی نتواند ایشان را ببیند و این  
کار از اولیای الهی - که از سوی خدا دارای قدرت تصرف در جهان  
آفرینش هستند - بعید نیست.

از قرآن کریم نیز می‌توان امکان استثار و اختفای انسان از  
دیدگان را - چه به صورت کوتاه مدت یا دراز مدت - دریافت  
کرد.<sup>۱۷</sup>

به نظر می‌رسد، تفسیر نخست، غیر قابل پذیرش است: چرا که  
هیچ دلیلی وجود ندارد که آن حضرت دارای جسمی با ویژگی این  
تفسیر باشد. بلکه بر عکس، آن حضرت مانند تمامی انسان‌ها دارای  
جسمی مادی می‌باشد. همان‌گونه که پدران بزرگوارشان و نیز  
رسول گرامی اسلام ع چنین بودند.

با این بیان، تفسیر دوم مورد پذیرش است. چنانچه با بررسی جامع  
سخنان معصومین ع، می‌توان به فرازهایی دست یافت که مؤید  
این مطلب باشند:

امام علی ع در این باره در روایتی طولانی فرموده‌اند:  
«...تَأَنَّ گَاهَ كَه يَكَيِّي از فَرِزَنْدَانِ مَنْ از دیدگانِ مَرْدَمَانِ پَنْهَانَ شَوَّدَ...»  
پس به پروردگار علی سوگند، حجت حق بر زمین استوار است.  
در جاده‌ها حرکت می‌کند. در خانه‌ها و قصرها وارد می‌شود. و در  
شرق و غرب زمین به گردش می‌پردازد. سخن مردم را می‌شنود و  
بر گروه مردم سلام می‌کند. می‌بیند و دیده نمی‌شود؛ تا زمان ظهور  
 وعده الهی و ندای آسمانی. ها! آن روز، روز شادی فرزندان علی  
و پیروان اوست».<sup>۱۸</sup>

امام صادق ع نیز فرموده‌اند: «يَقْدُثُ النَّاسُ اِمَاهُمْ يَشْهَدُ المَوْسِمَ  
فَيَرْاهُمْ وَلَا يَرَوْهُ»<sup>۱۹</sup> «مردم امام خویش را گم می‌کنند، پس آن امام  
در موسم حج حضور می‌یابد و مردم را می‌بینند، ولی مردم او را  
نمی‌بینند».

آنگاه که از امام صادق ع درباره کیستی حضرت مهدی ع  
پرسش شد؛ فرمود: «پنجمین از فرزندان هفتمن». آن گاه ادامه داد:  
«يَغِيْبُ عَنْكُمْ شَخْصٌ...»<sup>۲۰</sup> «شخص او از شما غائب می‌شود...».  
امام رضا ع نیز درباره امام مهدی ع فرمود: «لَا يُرَى  
جِسْمُهُ...»<sup>۲۱</sup> «جسمش دیده نمی‌شود».  
داود بن قاسم می‌گوید از امام هادی ع سنیدم که فرمود:

این باره می‌گوید: «وَاللَّهِ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ لِيَخْضُرُ الْمُؤْسَمَ كُلَّهُ سَنَةً يَرَى النَّاسَ وَ يَعْرِفُهُمْ وَ يَرَوْنَهُ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ»<sup>۱۷</sup>: «به خدا سوگند، همانا صاحب این امر، هر سال در موسم حج حاضر می‌شود؛ مردم را می‌بینند و آنها را می‌شناسند و مردم او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند».

برخی از دانشمندان معاصر براساس این دیدگاه بر این باورند که مقصود از غیبت، آن نیست که حضرت شش در یکی از قله‌های کوهها و یا در دزی محکم و یا در غاری از غارهای زمین، نهان باشد؛ بلکه مقصود از غیبت ناشناخته بودن آن حضرت است. ایشان معتقدند که حضرت در حالی که در میان مردم است و همگان او را می‌بینند <sup>۱۸</sup> ولی او را نمی‌شناسند.

### ۲ پنهان بودن جسم و پنهان بودن عنوان، به تناسب شرایط.

اگر چه به راستی آگاهی به چگونگی غیبت حضرت فقط نزد پرودگار متعال است؛ اما از مجموع روایات می‌توان دیدگاه سومی نیز ارائه نمود. و آن عبارت است از این که:

حضرت در مواردی که صلاح بداند از دیدگان مردم پنهان است - البته با تصریفی که به قدرت الهی در دیدگان افراد می‌نماید؛ نه نامرثی کردن جسم خویش - و در مواردی که مصلحت بداند به صورت آشکار در جامعه حرکت می‌کند و مردم ایشان را می‌بینند ولی نمی‌شناسند.

برخی از اندیشوران معاصر نیز به این دیدگاه اشاره کرده، و اینگونه نوشته‌اند:

«در باره امام زمان ع، غیبت به هر دو نحو - غیبت جسم و غیبت عنوان - تحقق دارد و فلسفه و فائده غیبت به هر دو نحو، حاصل می‌شود. از جمع بین روایات و حکایات تشریف افراد به خدمت آن حضرت و بهره برداری از تفسیر بعضی از آنها از برخی دیگر دانسته می‌شود که غیبت آن حضرت به هر دو نحو، وقوع پیدا کرده است».<sup>۱۹</sup>

چه این که به هر یک از گونه‌های پیشین باور پیدا کنیم، باید توجه داشت که در برخی پیامبران پیشین نیز چنین پنهان زیستی - البته با ویژگی‌های خاص خود - سابقه داشته است. به گونه‌ای که شیخ صدوq اساس تألیف کتاب ارزشمند کمال الدین و تمام النعمة را بر این باور بنا نهاده است.

- ❖ عضو پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ۱. ر.ک: فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ماده غیبت؛ لسان العرب، ج ۴، ص ۴۵۴؛ زبیدی، تاج العروس، ج ۳، ص ۱۴۶؛ فیروزآبادی، القاموس المحيط، ج ۲، ص ۱۰؛ جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۶۳۳.
- ۲. جوهری، الصحاح، ج ۱، ص ۱۹۶.
- ۳. ابوهلال عسکری، الفروق اللغوية، ص ۶۲.
- ۴. پیشین، ج ۱، ص ۵۱.
- ۵. شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۶، ح ۳.
- ۶. شیخ صدوq، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۸۴.
- ۷. از جمله این گروهها می‌توان به کیسانیه، زبیدیه، جارویه و اسماعیلیه اشاره کرد.
- ۸. ر.ک: سوره یس، آیه ۹ و اسراء، آیه ۴۵.
- ۹. نعمانی، الغيبة، ص ۱۴۴.
- ۱۰. شیخ طوسی، کتاب الغيبة، ص ۱۶۱، ح ۱۱۹؛ شیخ کلینی، کافی، ج ۱ ص ۳۲۷، ح ۷؛ نعمانی، الغيبة، ص ۱۷۵ ح ۱۴؛ شیخ صدوq، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۳۲، ص ۳۴۶، ح ۳۲.
- ۱۱. پیشین، ج ۲، ص ۳۳، ح ۱.
- ۱۲. شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۳؛ شیخ صدوq، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۰.
- ۱۳. شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۲۸؛ شیخ طوسی، کتاب الغيبة، ص ۲۰۲؛ شیخ صدوq، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۸۱.
- ۱۴. سیند بن طاووس، الاقبال، ص ۲۹۸.
- ۱۵. صدر، سید محمد، تاریخ غیبت کبری، ص ۴۸.
- ۱۶. شیخ صدوq، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۱۴۴، باب ۳، ح ۵.
- ۱۷. شیخ طوسی، کتاب الغيبة، ص ۳۶۲؛ شیخ صدوq، من لا یحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۲۰.
- ۱۸. صدر، سید رضا، راه مهدی ع، ص ۷۸.
- ۱۹. صافی گلپایگانی، لطف الله، پاسخ ده پرسش، ص ۶۷.

**نائب خاص امام زمان ع، محمدبن عثمان  
می‌گوید:**  
به خدا سوگند، همانا صاحب این امر، هر سال در موسم حج حاضر می‌شود، مردم را می‌بینند و آنها را می‌شناسند و مردم او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند.



## علی اصغر رضابی

# حجرالاسود

معروف می‌باشد.

حجرالاسود، سنگ سیاهی است که در رکن اسود (رکن عراقی) نصب شده است.

در بسیاری از روایات آمده است که حجرالاسود از سنگ‌های بهشتی است که همراه آدم به زمین فرود آمد.<sup>۱</sup>

همچنین در روایات آمده است که این سنگ در آغاز سفید بود، اما گناهانی که از فرزندان آدم سرzed، سبب سیاه شدن آن گردید.<sup>۲</sup>

استلام و بوسیدن حجرالاسود سفارش شده چراکه رسول خدا<sup>علیه السلام</sup>، مقید به استلام و بوسیدن آن بوده است. حجرالاسود همچنین آغاز و پایان طوف می‌باشد. مراد از رکن هرگاه مطلق و بدون قید مطرح گردد، رکنی است که در آن حجرالاسود قرار دارد.

### ملتزم

قسمتی از پایین دیوار کعبه را که در یک سوی آن حجرالاسود و در سوی دیگر، باب کعبه قرار دارد، «ملتزم» می‌نامند. ملتزم، محلی است که دعا در آن پذیرفته می‌شود و بندهای نیست که در آنجا خدا را بخواند و خداوند دعایش را اجابت نکند.<sup>۳</sup>

امام صادق<sup>علیه السلام</sup> در این باره می‌فرماید: «هیچ بندهای در اینجا اعتراف به گناهانش نمی‌کند و طلب استغفار نمی‌نماید، جز آنکه خداوند او را می‌بخشد.<sup>۴</sup>

مقابل ملتزم، در آن سوی دیگر کعبه، کنار رکن یمانی را «مستجار» می‌گویند که از مکان‌های

از امام صادق<sup>علیه السلام</sup> نقل شده است که «خداؤند عزوچل، زمین را از زیر کعبه تا منی گسترش داد و سپس آن را از منی به سوی عرفات گسترانید، پس زمین از عرفات است و عرفات از منی است و منی از کعبه است.<sup>۵</sup>

### فضائل مکه و مسجدالحرام

محدوده‌ای از فضای اطراف کعبه را مسجدالحرام می‌خوانند. این مسجد یکی از قدیمی‌ترین و معروف‌ترین مساجد در تاریخ اسلام به شمار می‌رود. از ویژگی‌های خاص مسجدالحرام این است که هر کس بدان در آید در امان خواهد بود همچنین از فضایل دیگر آن این است که روایات متعددی آنجا را محل ظهور حضرت مهدی<sup>علیه السلام</sup> دانسته‌اند.

از ویژگی‌های دیگر آن، اینکه پیامبر<sup>صلوات الله علیْهِ و آله و سلم</sup> فرمودند: «ثواب یک رکعت نماز در مسجد من از هزار رکعت نماز در مساجد دیگر جز مسجدالحرام بیشتر است و نماز در مسجدالحرام از نماز در مسجد من به اندازه صد نماز افضل است.»

در روایت دیگری نیز آمده است: «ثواب یک رکعت نماز در مسجدالحرام به اندازه یکصد هزار رکعت در مساجد دیگر است.<sup>۶</sup>

### آثار مقدس مسجدالحرام و کعبه:

#### ۱ حجرالاسود

کعبه دارای ارکان چهارگانه‌ای است که به رکن اسود، رکن شامي، رکن غربي، و رکن یمانی

### مکه و مسجدالحرام

از آنجا که محل ظهر امام زمان<sup>علیه السلام</sup> و آغاز قیام جهانی آن حضرت، شهر مکه - در مسجدالحرام و از کنار کعبه، میان رکن و مقام - می‌باشد، در این نوشتار به طور اختصار در مورد اهمیت این مکان مقدس سخن خواهیم گفت.

مکه که «ام القری» نام گرفته و به واسطه قرار گرفتن مسجدالحرام و کعبه در آن مقدس‌ترین شهر در روی زمین است، در بخش غربی جزیره العرب و نجد قرار دارد. تاریخ بنا و آبادی آن به زمان حضرت ابراهیم<sup>علیه السلام</sup> و فرزندش اسماعیل<sup>علیه السلام</sup> باز می‌گردد. بر حسب آنچه در تورات آمده حضرت ابراهیم<sup>علیه السلام</sup> در سال ۱۸۹۲ پیش از میلاد مسیح<sup>علیه السلام</sup> به این سرزمین وارد شده است.

مکه اسامی فراوانی<sup>۱</sup> دارد که قرآن بعضی از آن‌ها را ذکر کرده است.

کعبه اولین خانه‌ای است که خداوند برای انسان‌ها قرار داده است چنانچه قرآن می‌فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وَّخِصًّا لِّلنَّاسِ لِّذُلِّي بِنَكَّةَ مَبَارِكًا وَّهَدِي لِّلْعَالَمِينَ»<sup>۲</sup>

براساس برخی از روایات، حضرت آدم<sup>علیه السلام</sup> کعبه را بنا کرد. و آن برقرار بود تا اینکه در طوفان نوح از نظرها پنهان شد. قرن‌ها بعد خداوند، مکان آن را به حضرت ابراهیم<sup>علیه السلام</sup> نشان داد و او را مأمور تجدید بنای کعبه گردانید.

استجابت دعا است و مکانی است که برای فاطمه بنت اسد شکافته شد تا وارد کعبه شود و علی علی‌الله را در درون کعبه به دنیا آورد.

### ۶ حطیم

از مکان‌های محترم در مسجدالحرام، «حطیم» است که فاصله میان رکن و مقام ابراهیم علی‌الله از کنار می‌گویند. مردم برای دعا در این قسمت جمع می‌شوند و خواندن نماز در آن فضیلت بسیار دارد. همچنین مکانی است که خداوند توبه آدم علی‌الله را پذیرفت.

### ۷ حجر اسماعیل

در فاصله میان رکن عراقی و شامي، دیوار قوسی شکلی با ارتفاع ۱/۳۰ متر وجود دارد که «حجر اسماعیل» نامیده می‌شود و بر بالای آن، میزاب یا ناوادان طلا قرار دارد.

حجر اسماعیل، یادگار زمان ابراهیم علی‌الله و اسماعیل علی‌الله می‌باشد و قدمت و پیشینه آن به زمان بنای کعبه به دست حضرت ابراهیم علی‌الله بر می‌گردد این مکان، خانه اسماعیل و محل دفن او، هاجر و عده‌ای از پیامبران خدا است.<sup>۹</sup>

### ۸ چاه زمزم

از دیگر آثار مسجدالحرام، چاه زمزم است که به نام‌های مختلفی شناخته می‌شود.<sup>۱۰</sup>

این چاه در قسمت شرقی مسجدالحرام قرار دارد. نوشیدن آب زمزم در روایات اهل بیت علی‌الله بسیار سفارش شده است. امام علی علی‌الله می‌فرماید: «خیر ماء على وَجْهِ الْأَرْضِ ماء زَمْزَمٌ»؛ آب زمزم بهترین آب بر روی زمین است.<sup>۱۱</sup>

### ۹ مقام ابراهیم

مقام ابراهیم یکی از قدیمی‌ترین آثار موجود در مسجدالحرام است. از پیامبر علی‌الله نقل شده است که «حجرالاسود و مقام ابراهیم علی‌الله از سنگ‌های بهشتی و از گوهرهای بهشتند و اگر مشرکان به آن دو دست نکشیده بودند، هیچ دردمندی به آن‌ها دست نمی‌کشید مگر آن که نااوند او را شفا می‌داد» مقام ابراهیم در قرآن کریم به عنوان

علیکم»؛ «من باقیمانده و خلیفه و حجت خدا بر شما هستم». چراکه او باقیمانده از گروه اولیاء خدا است که برترین طبقات بشرند و امامت به او آبان مسی‌ذیرد. چنانچه در احادیث، بر آن حضرت این طور سلام داده می‌شود: «السلام عليك يا بقية الله في ارضه»؛ «سلام بر تو اي باقیمانده خدا در زمینش».

مطابق روایات، حضرت مهدی علی‌الله بعد از ظهور، بین رکن و مقام خطبه‌ای می‌خواند؛ آنگاه مردم را به بیعت با خود دعوت می‌نماید و اولین کسی که با قائم بیعت می‌کند، جبرئیل امین خواهد بود.

### کعبه هنگام ظهور

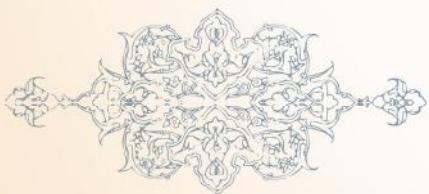
کعبه، مکانی است که حضرت مهدی علی‌الله از کنار آن و در بین رکن (رکنی که در بردارنده حجرالاسود است) و مقام ظهور می‌کند. بین رکن و مقام، یکی از مقدس‌ترین و متبرک‌ترین قسمت‌های مسجدالحرام می‌باشد.

همچنین تعداد زیادی از انبیاء در آن قسمت مدفونند. شیعه، آن مکان را حطیم و باغی از باغهای بهشت می‌داند. در روایات آمده است که مکان بین رکن و مقام، افضل بقاع<sup>۱۲</sup> و پاکترین و بهترین مکان‌های روی زمین است؛<sup>۱۳</sup> این مکان، همان جایی است که نفس زکیه در آن کشته خواهد شد،<sup>۱۴</sup> و در آن یاران امام زمان علی‌الله با او بیعت خواهند کرد.<sup>۱۵</sup> و نیز حضرت علی‌الله از عموم مردم برای حکومت آسمانی خود بیعت خواهند گرفت.<sup>۱۶</sup>

چنانچه امام صادق علی‌الله فرمود: «صاحب الامر در میان رکن و مقام می‌ایستد؛ آنگاه بانگ می‌آورد ای فرماندهان من، ای نزدیکان من... به سوی من بشتابید و به فرمان من گردن نهیل».<sup>۱۷</sup>

شیخ طوسی از امام باقر علی‌الله نقل کرده که حضرت فرمود: «گویا قائم را در روز عاشورا، روز شنبه ایستاده بین رکن و مقام مشاهده می‌کنم...» و در روایات دیگر می‌فرماید «گویا بر او (قائم) نظر می‌کنم در حالی که بین رکن و مقام مردم با او بیعت می‌کنند».<sup>۱۸</sup> در برخی روایات آمده که حضرت پس از آنکه بین رکن و مقام تکیه به کعبه می‌دهد نخستین مطلبی که به زبان می‌گشاید این سخن خداوند تبارک و تعالی است که می‌فرماید «يَقِيَّ اللَّهُ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (ذخیره خدا برای شما نیکوتر است اگر ایمان داشته باشید»، سپس می‌فرماید: «اَنَا بِقِيَّةُ اللَّهِ وَ خَلِيفَهُ وَ حَجَّتِهِ

۱. نام‌هایی چون: ام القری، البلاامین، البلاحرام، السلام، بکه، مکه، بیت العتیق، مسجد الحرام و... .
۲. فروع کافی، ج<sup>۴</sup>، ص ۱۸۹؛ من لا يحضر الفقيه، ج<sup>۲</sup>، ص ۱۵۶.
۳. فروع کافی، ج<sup>۴</sup>، ص ۱۸۹.
۴. فروع کافی، ج<sup>۴</sup>، ص ۵۲۶.
۵. کافی، ج<sup>۴</sup>، ص ۱۸۴.
۶. کافی، ج<sup>۴</sup>، ص ۱۹۰.
۷. کافی، ج<sup>۴</sup>، ص ۱۰۹.
۸. همان، ص ۴۱۰.
۹. همان، ص ۲۱۰.
۱۰. نام‌های دیگر چاه زمزم عبارتند از: چاه اسماعیل، حفیره، عبداللطیب، سُقُم، عافیه، میمونه، برکه و... .
۱۱. کافی، ج<sup>۶</sup>، ص ۳۸۶.
۱۲. آل عمران.
۱۳. بخار، ج<sup>۱۷</sup>، ص ۲۶۹.
۱۴. بخار، ج<sup>۲۷</sup>، ص ۱۷۲.
۱۵. الغیة، شیخ طوسی، ص ۲۷۴.
۱۶. الزام الناصب، ص ۵۲.
۱۷. بخار، ج<sup>۵۲</sup>، ص ۹۵.
۱۸. الغیة، شیخ طوسی، ص ۲۸۴.
۱۹. نعمانی، ص ۱۲۹.



# وظایف جوان متنظر

محمد رضا نصویری

گر معرفت دهنده بفروش کیمیا را  
گر کیمیا دهنده، بی معرفت، گدایی

امام علی علیه السلام در فرمایشی به کمیل درباره اصل معرفت می‌فرماید: «ای کمیل! هیچ حرکت و فعالیتی نیست، مگر این که در آن نیازمند شناخت و آگاهی هستی.»<sup>۱</sup>

موضوع مهدویت هم نیازمند معرفت و شناخت است، لذا جوانان باید با امام زمان خود و مسائل پیرامون او به نحو احسن آشنا شوند. ابونصر (از خدمت گذاران امام حسن عسکری علیه السلام) از کسانی که پیش از غیبت امام مهدی علیه السلام به حضور آن حضرت، مشرف شده است). در دیداری که با امام داشت، امام از او پرسید: «آیا مرآ می‌شناسی؟» پاسخ داد: «آری؛ شما سرور من و فرزند سرور من هستید.» امام فرمود: «مقصد من، چنین شناختی نیست.» ابو نصر عرضه داشت: «مقصود شما چیست؟ خودتان بفرماید.» امام فرمود: «من آخرین جانشین پیامبر ﷺ هستم و خداوند به برکت من، بلا را از خاندان و شیعیانم دور می‌کنم.»<sup>۲</sup>

شناخت درست امام، همچنین طریق معرفت واقعی به خدا می‌باشد. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «... ما بر شما سه حق داریم؛ اینکه به فضل ما معرفت پیدا کنید، پیرو ما باشید و انتظار فرج را بکشید...»<sup>۳</sup>

بنابراین در دوران غیبت، شناخت امام زمان علیه السلام، رمز حیات و هویت ماست. لازم است به امام خود معرفت داشته باشیم؛ چرا که اگر او را

۳. «انا خاتم الاوصياء و بي يدفع الله البلاء من أهل و شيعتي» کمال الدین،

شيخ صدوق ج ۳، ص ۱۷۱.

۴. اصول کافی، کلینی، ج ۲، ص ۱۷۳.

بی‌شک جوانان از مهم‌ترین سرمایه‌های یک جامعه به شمار می‌آیند؛ چون فطرت و طبیعت پاک جوانان همواره با هیجان و پویایی همراه است. پیشرفت و تعالی هر جامعه در گرو پیشرفت جوانان آن است. جوانان، بازوی قدرتمند دفاع و سازندگی در هر جامعه می‌باشند. در تمام جوامع بشری، جوانان، سمبول نشاط و بالندگی هستند و با تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه خود رابطه مستقیم دارند. از این رو، جوانان، پیوسته مورد عنایت ویژه فرستادگان الهی و مصلحان بوده‌اند.

با توجه به خصلت، مرام و شخصیت جوانان در عصر ظهور، اکثر باران امام زمان علیه السلام از این گروه سنی هستند؛ چراکه دارای ویژگی‌هایی هم‌چون صفاتی باطن، زیبایی، شجاعت و شهامت، نوگرایی، وفاداری، آزادگی، فدایکاری و... هستند که تمام این‌ها در حکومت امام زمان علیه السلام نمود می‌یابد.<sup>۴</sup>

حال باید دید جوانانی که عاشق حضرت هستند، در دوران غیبت چه باید بکنند؟

وظایف اصلی و مهم جوانان متنظر در چهار بخش، مورد بررسی قرار می‌گیرد: ۱. معرفت. ۲. محبت. ۳. اطاعت. ۴. فعالیت.

۱) **معرفت:** یکی از مسائل حیاتی و اساسی شناخت امام عصر علیه السلام

معرفت است که مایه رشد و تعالی است:

﴿کارشناس تاریخ و مهدویت﴾

۱. ر.ک: قرآن، مهدی و جوانان، نگارنده.

۲. تحف العقول، ص ۱۷۱.

بنابراین جوانِ متظر باید ضمن اظهار علاقه‌مندی و محبت به خدا و اهل بیت علیهم السلام ایشان، مطیع فرمان نیز باشد. با این حال اگر مرتکب معصیت شد، آستان الهی درگاه نومیدی نیست؛ بلکه راه توبه و اتابه باز است. همانگونه که خود امام زمان علیهم السلام از خداوند متعال می‌خواهد که توفيق بازگشت و توبه را به جوانان ارزانی بدارد: «خدایا! به جوانان توفيق توبه و اتابه عنایت فرما»<sup>۴</sup>

چنان‌که با ترک شهوت، راه اطاعت را در پیش می‌گیرد، پرواز ملکوتی را آغاز کرده و بسان ملائک می‌شود؛ همانگونه که پیامبر علیهم السلام فرمود: «خداوند می‌فرماید: «ای جوانی که شهوت‌های مبتذل خود را ترک کرده‌ای! تو در نزد من همانند بعضی از فرشتگان هستی».

**۳. فعالیت:** نقش اصلی جوانان این است که باید در عرصه مهدویت، فعال و پویا و به روز باشند؛ چرا که دشمنان مهدویت بسیار فعال هستند در این بین، موقع از جوانان ایران زمین بیشتر است؛ چرا که در طول تاریخ جایگاه ویژه‌ای داشته و در آینده هم دارند.

پیامبر درباره یاران ایرانی امام زمان علیهم السلام دست مبارک خود را به شانه سلمان فارسی نهادند و فرمودند: «منظور از یاران امام مهدی علیهم السلام این شخص است». سپس فرمودند: «اگر دین به ستاره ثریا بسته باشد و در آسمان‌ها قرار گیرد، مردانی از فارس آن را در اختیار خواهند گرفت»<sup>۵</sup>

پس یاران و شیفقتگان حضرت مهدی علیهم السلام در دوران غیبت، باید بیش‌های خود را نسبت به خداوند، امام و جهان هستی بالا ببرند چون برنامه امام زمان علیهم السلام، جهانی است، یاران آن حضرت نیز باید نگاههای وسیع و جهانی داشته باشند و استراتژی درستی را جهت زمینه‌سازی برای ظهور و انقلاب جهانی حضرت علیهم السلام طراحی کنند. از طرفی باید روحیه شجاعت، ایثار، برداشی، یکدلی و استواری را نیز در خود تقویت کنند.

خداوند به همه ما توفیق کسب صفات و خصال یاران امام زمان علیهم السلام را عنایت فرماید تا در مرحله اول یک مهدی‌باور و در مرحله بعد، یک مهدی‌باور و در مرحله پایانی، یک مهدی‌زیست واقعی باشیم. ان شاء الله.

۴. «فضل... على الشباب بالاتابة والتبوية» مصباح كفعمي، ص ۲۸۰.

۵. کنزالعمال، ج ۱۵، ص ۷۸۵، ح ۴۳۱۶.

۶. «لوكان الدين معلقاً بالثريا لتناوله رجال من ابناء الفارس» معجم احاديث الامام المهدى علیهم السلام ج ۱، ص ۳۷۴.

نشناسیم، گمراه خواهیم بود و زندگی جاهلی خواهیم داشت: «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت می‌میرد».<sup>۱</sup> همچنین امام صادق علیهم السلام می‌فرماید: «خداوند از بندگان عملی را نمی‌پذیرد مگر به معرفت و شناخت ما».<sup>۲</sup>

**۷. محبت:** محبت تابع معرفت و شناخت است و هرچه شناخت بیشتر شود، محبت نیز بیشتر خواهد شد.

هرگز دل من، چون تو بار دگری نگزید برخاست که بگزیند بار دگرم بودی اگر انسان دارای همتی بلند باشد، دنبال محبوب حقیقی می‌رود. اگر عاشق امام زمان علیهم السلام بشویم و او را دوست بداریم، رنگ محبوب به خود می‌گیریم و بوی او را با خود داریم؛ چراکه امام زمان علیهم السلام آنقدر ما را دوست دارد که بلایا را از ما دفع می‌کند و در حق ما دعا می‌کند. چقدر خوب است این محبت، طرفینی باشد؛ یعنی ما عاشقان هم برای ظهور و سلامتی او دعا کنیم. این طور نباشد که فقط هنگام مشکل و گرفتاری به سراغ او برویم.

باید نوعی زندگی کنیم که دل آن حضرت، خوشنود شود؛ کسی که ادعای محبت و دوستی اولیای الهی را دارد باید عمل به خواسته آنها را سرلوحة اعمالش قرار دهد.

**۸. اطاعت:** یکی از زیبایی‌ها و لذت‌های جوانی، گذراندن عمر در راه اطاعت الهی است که باعث توجه و عنایت ربیوبی می‌شود. پیامبر علیهم السلام می‌فرماید: «خداوند جوانی را دوست دارد که جوانی خود را در راه اطاعت خدا سپری کند».<sup>۳</sup>

باید دانست اطاعت از ولی خدا همانند اطاعت از پروردگار است و انسانی که ادعای دوستی با خدا و امام زمان علیهم السلام را دارد باید سعی در اطاعت داشته باشد. در زیارت جامعه کبیره آمده است «من اطاعکُمْ فَقدْ أطاع اللَّهُ»؛ هر کس شما را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است.

«جابر بن عبد الله انصاری» می‌گویید: «امام باقر علیهم السلام به من فرمود: «آیا کسی که ادعای تشیع می‌کند، همین که بگوید ما را دوست دارد، کافی است؟ سوگند به خدا، شیعیان ما نیستند، مگر آنان که از خدا تقوا می‌کنند و به امانتداری و زیادی در ذکر خدا و روزه و نماز و نیکی به والدین و... شناخته می‌شوند».

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۹.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۴۲، باب النوادر.

۳. میزان الحکمة، ری شهری، ج ۵، ص ۹.

# پرالسی یکی دیگر از آثار سینمایی با مضمون انتظار

سید علیرضا سجادپور

«انتظار» نوریزاد، فیلمی صریح، مستقیم و شفاف

این بار در روند بررسی و تحلیل - و بهتر است بگوییم معرفی - یکی دیگر از محدود آثار سینمایی که با مضمون و موضوع «انتظار» و «وظایف منتظر واقعی» ساخته شده، به فیلم سینمایی «انتظار»، ساخته کارگردان پرکار و فعال و نسبتاً جوان، «محمد نوریزاد» نگاهی می‌اندازیم.

این فیلم، تولید سال ۱۳۸۲ است که با سرمایه‌گذاری مؤسسه فرهنگی «شهید آوینی»، وابسته به نیروی مقاومت بسیج تهران تهیه شد. از این کارگردان، همانکنون، سریال «چهل سرباز» از شبکه دوم سیماهای جمهوری اسلامی در حال نمایش است. (البته این سریال نیز با سرمایه‌گذاری مشترک صدا و سیما و اجرای مؤسسه مزبور تهیه شده است). علاقه و جهت‌گیری او در فیلم «انتظار»، قصه را در زمان معاصر و فضای زندگی امروز جامعه، تعریف کرده است.

فیلم «انتظار» به زندگی دختر جوانی از یکی از شهرهای شمال کشور می‌پردازد که منشی یک شرکت بزرگ اقتصادی و عمرانی در تهران است. در ابتدای داستان، او که با واسطه‌گری یکی از آشنایان، توانسته کاری در این شرکت بیابد، به اتفاق مدیر دعوت می‌شود. مدیر با مقدمه‌چینی می‌کوشد او را به عمل غیر اخلاقی وادر کند و از هرگونه وعده‌ای در این راه دریغ نمی‌کند و با این که دختر مخالفت می‌کند، قصد گناه و معصیت با او را دارد. اما دختر که شرایط را بسیار خطیرناک دیده، آینه‌ای راشکسته و با شیشه شکسته آن، دست خود را به خون می‌آورد.

مرد هوسران، با مشاهده این وضع، از او منزجر شده درب قفل شده اتاق را گشوده و دختر را بیرون می‌کند.

(روشن است که این صحنه، برگرفته از اتفاقی است که برای یکی از عرفانی در سینم جوانی رخ داد و او با آلومن خود به کثافت، توانست از دام زنی هوسران بگریزد و بر اثر این تلاش برای ممانعت از گناه، چشم‌های حکمت در دلش جوشید).

دختر که با این کار، هم شغل خود را از دست داده و هم مورد شماتت اطرافیان و آشنایان قرار گرفته، به خاطر این تقوا و پرهیز از گناه، صاحب حکمت و معرفت خاصی می‌شود؛ به گونه‌ای که بیماری‌های روحی و قلبی مردم را می‌فهمد و آنان را با نسخه‌های شفابخش خود - که شامل توبه، استغفار، بازپس‌دادن حقوق مردم و ... است - معالجه و درمان می‌کند. او فقط یک مدعی و دعانویس نیست بلکه کاملاً در هیئت یک مصلح اجتماعی ظاهر شده و حتی سعی در نجات کسانی دارد که مستقیماً به او ظلم روا داشته‌اند.

می شد و پایانی به مراتب روشن تر داشت. گرچه پایان فیلم در همان شرایط نیز خالی از امیدواری نیست. مجموعاً این اثر، کاملاً هماهنگ با شخصیت سازنده‌ی آن، از صراحت و رکـ- گوبی و مستقیم‌گوبی برخوردار است و بدون پیچیدگی های معمول، حرف و پیام خود را در جای جای داستان از زبان شخصیت اول فیلم بازگو می‌کند. فیلم از بار عاطفی و احساسی خوبی برخوردار است و سعی شده قصه و داستان جذاب و پرکششی داشته باشد؛ پیام‌های اخلاقی متعددی نیز در طول داستان گنجانده شده که اتفاقاً چندان هم شعاعی جلوه نمی‌کند. شاید چون شخصیت اول داستان، یک دختر جوان انتخاب شده، در فرآیند ارتباطات مختلف او با دیگران، طرح این پیام‌ها تا حدود زیادی معقول و مقبول مخاطب قرار گرفته است.

مباحث اجتماعی داستان، مثل بحث عدالت‌طلبی، مبارزه با ظلم، گذشت، ایثار و امثال این موارد با شرایط جامعه هماهنگ به - نظر می‌رسد و در کار جا می‌افتد. اصولاً طرح این‌گونه مباحث در سینما بی‌رقم، ضعیف و - متأسفانه - فاقد آثار ارزشی، به تنهایی واجد امتیاز و شایسته تحسین و تمجید است؛ گرچه در فضای سینمایی آن زمان، اصلاً مورد توجه قرار نگرفت و به اصطلاح تحويل گرفته نشد!

شاید نمایش دوباره این اثر از تلویزیون، بتواند فضای بهتری در نقد و بررسی و تحلیل این اثر، و از آن مهم‌تر بررسی این موضوع که چرا چنین داستان‌هایی در آثار سینمایی و تلویزیونی ما به چشم نمی‌خورد، فراهم آورد.

با توجه به خیل نمایش آثار تکراری، نمایش این فیلم‌ها عرصه را بر کسی تنگ نخواهد کرد و اتفاقاً زمینه مقایسه و تطبیق تولیدات امروزی تلویزیون را با این دست تولیدات ایجاد می- کند.

کاش این فرصت برای مردم فراهم شود... .

نویسنده و تهییه کننده آثار سینمایی و تلویزیونی؛ سینمایی طوفان شن (واقعه طبس)، سریال سیمرغ (شهیدان شیرودی و کشوری)، سریال عبور از خط سرخ (شهید عباس دوران)، سریال آفتاب و زمین (داستان تولد روح الله)، سینمایی آخرین ملکه زمین (حمله آمریکا به افغانستان)، سریال چشمان آبی زهراء (انتفاضه فلسطین)، و ...

ضمانتاً با رهبری و هدایت مردم آن منطقه، مانع از دست‌اندازی زمین‌خواران و ثروتمندان مرکزنشین بر کوه، جنگل و طبیعت منطقه می‌شود و از قصد آنان برای تبدیل آن منطقه به یک شهرک تفریحی ویژه صاحبان پول و ثروت، پرده بر می‌دارد. در تمام این مراحل، پیام و سخن محوری و مرکزی او در صحبت با مردم، بحث انتظار، شرایط یک منتظر واقعی، و توقعات امام عصر از مردم و شیعیان خود است. در این مسیر برخی برداشت‌های انحرافی و غلط و نادرست را نیز نقد و رد می‌کند. اندکی بعد، دختر جوان در کوره راهی نزدیک ده، توسط گروهی ناشناس ربوده می‌شود و دیگر اثری از او به دست نمی‌آید. غیبت ناگهانی او، مردم و خانواده‌اش را گیج و حیران می‌کند. آیا او به میل خود از آنان به ناگاه جدا شده یا بلایی بر سرش آمد؟ کسی نمی‌داند. اما ما - به عنوان بینندگان داستان - می‌دانیم که عوامل همان زمین‌خواران او را ربوده و زندانی کرده‌اند. گاه او را در زندان می‌بینیم که جملاتی را در مسیر بحث انتظار فرج و انتیاق ظهور، بر در و دیوار زندان می‌نویسد و در برابر فشار رایندگان مبنی بر همکاری با آنان برای دست‌اندازی به زمین‌های منطقه و جلب رضایت ساکنان، فقط زمزمه انتظار فرج دارد.

یک بازپرس پلیس از تهران برای تحقیق پیرامون غیبت ناگهانی دختر، به تلاش می‌پردازد و درواقع ماتمام مشخصات و ویژگی‌های این دختر را در مسیر تحقیق این بازپرس، متوجه می‌شویم و ساختار قصه و فیلم‌نامه در واقع براساس فلاش بک های (یا تکنیک **FLASH BACK** «بازگشت به گذشته») متعدد و گره‌گشا و معرفی‌کننده زوایای مختلف داستان و شخصیت‌ها شکل گرفته است. نهایتاً بازپرس به سرنخ متهمین اصلی می‌رسد و موفق به یافتن محل حبس دختر می‌شود. اما کمی دیر شده و دختر در اثر فشار و سختی شکنجه‌های رایندگان جان داده است. بازپرس با افسوس و غم به دست نوشته‌های فراوان دختر بر در و دیوار می‌نگرد. اما در اوج نالمیدی و یأس، می‌بینیم که گویا انگشتان دختر تکان مختصری خورد... آری! امید هنوز باقی است و راه بی‌رهرو نیست... . البته در ساخت این داستان، باید فضای تیره سیاسی و فرهنگی آن سال‌ها را نیز در نظر گرفت. طبعاً ساخت فیلم در شرایط حاضر، احتمالاً با تغییراتی انجام

و دیگران را هم به انتظار دعوت کنند. آن زمان که لوط، برابر فاسدان قوم خود قرار گرفت و گفت: «کاش برای مقابله با شما قادر تی داشتم یا به تکیه گاهی استوار پناه می جستم»<sup>۱</sup> اندیشه انتظار قائم، در روح و جانش جاری بود. امام صادق علیه السلام فرمود:

حضرت لوط علیه السلام این سخن را نگفت، مگر برای تمنای دسترسی به قدرت قائم ما. و آن تکیه گاه استوار، چجزی نبود، جز استواری و توانایی یاران او ...<sup>۲</sup>

انتظار، در زمان غیبت و عدم حضور ظاهری امام در جامعه، به نوعی، اعلام پذیرش ولایت و امامت آخرین وصی پیامبر خاتم علیهم السلام است و همین انتظار موجب می شود ارتباط شیعیان با امامشان - اگرچه به صورت ارتباط قلبی و معنوی - حفظ شود.

اما براستی منتظر واقعی کیست؟...

منتظر واقعی، کسی است که به امامش معرفت داشته باشد؛ یعنی اعتقاد به ولایت و معرفت به شخصیت او، اعتقاد به ولایت، تعهد و پیمانی است که جز با اطاعت کامل نمی شود. کسی منتظر واقعی است که علاوه بر خودسازی به دیگرسازی نیز پردازد، تا از این طریق، زمینه های ظهور آن حضرت را فراهم سازد.

پیامبر اکرم علیهم السلام پیش از این که ستاره پر فروغ امامت امامان علیهم السلام طلوع کند، برترین جهاد امتش را انتظار فرج دانسته است؛ زیرا انتظار فرج، انتظار جهاد و انقلابی عظیم بر ضد تمام ظلمها و جنایتها و اجرای عدالت به تمام معنا در سراسر جهان است. حضرت علی علیه السلام در حدیثی فرموده است:

کسی که در انتظار اقامه نماز به سر برد، در طی زمان انتظارش، در حال نماز به شمار می رود.<sup>۳</sup>

پس کسی که در انتظار اقامه دین حق و بربایی دستورهای الهی در سراسر جهان است، چه پایگاه

انتظار، سرفصل امید به آیندهای روشن و مایه عشق و شور و امید و تلاش برای آماده سازی خود و جامعه برای آمدن و ظهور امام متظر است. انتظار، هرگز یک روحیه بازدارنده، فلنج کننده و یأس آور نیست، بلکه موجب دور کردن عنصر بدینی به آینده، از نهاد انسان در جامعه بشری است. انتظار، معیار ارزش انسانها است. آرزوها و آمال انسانها معیار خوبی برای سنجش میزان رشد و تعالی آنها است. آرزوهای متعالی، حکایت از کمال روح و رشد شخصیت انسانها می کند؛ بر عکس آرزوهای حقیر و بی ارزش، نشان از بی اهمیتی و رشد نیافتنگی افراد دارد. آرزوها، انسان را به حرکت و امداد می دارد. انتظار، اعتراض دائمی بر ضد بی عدالتی ها است؛ نجات از سکون و رکود است، در صحنه بودن است. انتظار، نقش مهمی در سازندگی، پویایی و اصلاح فرد و جامعه در زمان غیبت دارد. اگر انسان منتظر، به وظایفی که برای او شمرده شده است عمل کند، به الگوی مطلوب انسان دیندار دست می یابد.

انتظار مهدی علیه السلام اقتدای به او، بیعت با او و سرسپاری به فرمان او است؛ سنگربانی عقیده، مرزبانی اندیشه و مبارزه در راه پاسداری از حریم دین و ولایت است. انتظار فرج، کار است، حرکت است، تلاشی هدفمند است و با بی هدفی، سکون و تن آسایی سازگاری ندارد. مگر می شود در انتظار سرسیزی روزگاران بود و در فصل برگ ریزان، از پا نشست؟

منتظر، تلاشگری نستوه است که برابر هر انحرافی می ایستد و با الهام از شیوه و آیین امام و مقتدای مورد انتظار خویش، در راه اصلاح خود و جامعه اش به جهاد و مقاومت می پردازد. از آن زمان که فرشتگان الهی به امر خدا، برابر حضرت آدم علیه السلام سر به سجده فرود آوردهند، بحث از انتظار موعودی از سلاله آخرین پیامبر الهی به میان آمد. دیگر این، وظیفه تمام فرستادگان آسمانی شد که منتظر باشند

هم اکنون هزار و اندی سال از غیبت آن امام معصوم می‌گذرد و هنوز اذن ظهور از تاحیه ذات اقدس الله صادر نشده است. چرا تأخیر؟... یقیناً تأخیر از ما است؛ زیرا طبق فرمایش مولایمان، این ما هستیم که یکدل نشده‌ایم و در راه او به‌طور شایسته، قدم بر نداشته‌ایم:

اگر شیعیان ما که خداوند آنان را در بندگی‌اش باری کند، در عهد و وفای به ولایت ما یکدل و یک‌صدا بودند، می‌منت دیدار و ظهور ما این‌قدر به تأخیر نمی‌افتد.<sup>۰</sup>

عدم وفای به عهد پیروانش، موجب محرومیت جهان بشریت از این فیض بزرگ خدایی شد. آیا جز این است که زندان غیبت، دستان یداللهی او را بسته است و از تزلزل و تحیر بشریت در غم و اندوه به سر می‌برد و با دلی غمگین، همگان را به دعا برای تعجیل در فرج خویش فرا می‌خواند  
همیشه دردهایمان را برای حضرت سوغات نبریم؛ بلکه به وظایفمان مقابل حضرت که یکی از آن‌ها دعای بسیار برای تعجیل در ظهور او است اهمیت دهیم. به راستی آیا برای ما عذری در کوتاهی از این دعای مهم باقی می‌ماند؟ چرا که بهترین و مؤثرترین عملی که بتوان با آن پدر مهریان ارتباط برقرار کرد و بسیار در تعجیل ظهورش مؤثر می‌باشد، دعا است.

مولای ما! شب سیاه غیبت تو بس طولانی شده است. بسیاری در این سیاهی شب به سوی دنیا می‌گریزنند؛ اما سپیده دم که آن‌ها دورش می‌پندارند، به زودی آشکار خواهد شد.

## همیشه دردهایمان را برای حضرت سوغات نبریم

و منزلتی دارد؟ در زندگی ظاهری دنیا، هر امام، در عصر خود به حمایت و یاری پیروان و شیعیان خود نیاز دارد. امام، اگر علی‌علیله هم باشد، اگر حمایتگری نیابد و شاهد خیانت دوستان باشد، مجبور به خانه نشینی است، تا چه رسد به امامی که در غیبت به سر می‌برد و انقلاب بسیار عظیمی در پیش دارد که فقط با حمایت پیروان و شیعیانش تحقق خواهد پذیرفت.

اگر منتظر بازگشت یوسف زهرایم، آیا آماده استقبالیم؟ ... عاشق و دلباخته گل نرگس، منتظر نشانه و علامت نیست؛ بلکه منتظر خود حضرت است و می‌داند این آمادگی، جز با اطاعت از فرامین آن امام بزرگوار، به‌دست نمی‌آید.

حضرت ولی عصر علی‌علیله فرمود:

پس هر یک از شما باید به آنچه به وسیله آن به دوستی ما نزدیک می‌شود عمل کند و آنچه از جانب او، ما را به خشم و ناراحتی نزدیک نماید دوری کند؛ زیرا فرج ما آنی و ناگهانی فرا می‌رسد.

این حدیث، وظیفه ما را به خوبی مشخص می‌کند و ما را متوجه این امر می‌کند که در هر حال باید آماده ظهور حضرت باشیم. امام صادق علی‌علیله فرموده است:

برای ظهور و قیام حضرت قائم علی‌علیله خود را مهیا سازید؛ گرچه این آمادگی در حد فراهم کردن یک تیر باشد.<sup>۱</sup>

حضرت، برای برپایی عدالت، قیام مسلحانه می‌کند. در حقیقت، این حدیث می‌خواهد بگوید کسی که طالب ظهور آن حضرت است، باید در جهت زمینه‌سازی نهایت جهاد و کوشش را بنماید.

امام هادی علی‌علیله فرمود:

قائم آل محمد، مهدی علی‌علیله است که واجب است در زمان غیبیش منتظر او باشند و زمان ظهورش، مطیع باشند.  
بنابراین امام معصوم در این حدیث، انتظار امام زمان علی‌علیله را واجب دانسته است.

با توجه به جایگاه بلندی که انتظار در مکتب شیعه دارد و تأکیدها و سفارش‌های فراوان پیامبر علی‌علیله و امامان معصوم علی‌علیله بر موضوع انتظار فرج، شیعیان باید به این موضوع اهتمام بیشتر و توجهی درخور داشته باشند. باید مراقب بود اعتماد به غیبت امام، گریبانگیر ما نشود.

# خواب

مجتبی کلباسی

## جایگاه رؤیاهای که از معصومین به ویژه امام زمان مشاهده می‌شود، چیست؟

و دهها سؤال دیگر.  
برای هر یک از این موارد، دانشمندان بر طبق اصول و  
مبانی خود، پاسخ‌هایی داده‌اند که در موارد بسیاری با  
یکدیگر تفاوت و در برخی موارد متفاصل هستند.  
«فروید» تمامی رؤیاه را براساس جنسیت و سرکوب شدن

**دویا، تجربه‌ای عمومی برای آحاد بشر است.**  
**به گونه‌ای که شاید نتوان فردی را یافت که**  
**در طول زندگی خود با این پدیده شگفت‌انگیز**  
**و پیچیده رو برو نشده باشد.**

غیرزده جنسی تحلیل می‌کند روان‌شناسان دیگر هم با توجه  
به مبانی خود آراء گوناگونی را ارائه کرده‌اند. حتی برخی از  
پژوهشگران خواب‌ها را با کمبود مواد مختلف در بدن  
مرتبط داشته و بر این اساس، درمان‌های خاصی را به افراد  
توصیه می‌کنند.

خواب دیدن از جمله شگفتی‌های زندگی انسان است.  
رؤیا، تجربه‌ای عمومی برای آحاد بشر است. به گونه‌ای که  
شاید نتوان فردی را یافت که در طول زندگی خود با این  
پدیده شگفت‌انگیز و پیچیده رو برو نشده باشد.

از همین رو همواره در ذهن آدمیان، ابهامات فراوانی  
پیرامون این رخداد مبهم پدید آمده و در پی آن پرسش‌های  
فراوانی مطرح شده و ذهن دانشمندان و اهل نظر را به خود  
معطوف کرده است.

- پرسش‌هایی همانند این که:
- \* چرا خواب می‌بینیم؟
  - \* رابطه رؤیاهای با زندگی روزمره چیست؟
  - \* در برابر رؤیایها چه کنیم؟
  - \* تفسیر و تعبیر رؤیایها چیست؟
  - \* چه کسانی می‌توانند رؤیایها را تعبیر کنند؟
  - \* آیا همه رؤیاهای یکسانند یا بین آن‌ها تفاوت‌هایی وجود دارد؟

ارتباط است و خواب، قطع ناقص این ارتباط از برخی بخش‌ها است.<sup>۳</sup>

حاصل آن که براساس آیه قرآن و دیدگاه مفسران بزرگ، روح انسان به هنگام خواب از او فاصله می‌گیرد و طبعاً شرایط دیگری پیدا می‌کند و در محیط دیگری عرض وجود و سیر می‌کند.

همچنین روح از «امر رب» است: «يَسْأَلُونَكُمْ عَنِ الرُّوحِ قُلْ إِنَّ الرُّوحَ مِنْ أَمْرِ رَبِّيٍّ»؛ «از تو درباره روح می‌پرسند، بگو روح از امر پروردگار من است» از این آیه چنین بر می‌آید که حساب روح و مسائل آن را از دیگر پدیده‌ها باید جدا کرد. چون اتصال روح به عالم «امر» است و با آن عالم، تناسب و سنتیت دارد؛ این کارکرد آن نیز با عالم ماده و آنچه برای ما قابل درک است، متفاوت می‌باشد. از روح، کارها و برنامه‌هایی ساخته است که در محدوده جسم، امکان ناپذیر است که از جمله این موارد، رؤیا است.

البته رؤیا انواع و اقسامی دارد که باید از یکدیگر بازشناخته شوند تا با یکدیگر اشتباہ نشده و منزلت هر یک در جای خود محفوظ باشد.

به یاری خداوند در شماره‌های آینده این بحث را ادامه خواهیم داد تا جایگاه رؤیاها یابی که از معصومین ﷺ و بویژه حضرت بقیه الله ﷺ مشاهده می‌شود معلوم گردد.



﴿...إِنَّ رُوحَكُمْ مَمْلُوكَةٌ لِّنَّا...﴾

۱. سوره زمر، آیه ۴۲.

۲. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۴۰۷.

۳. مقایع الغیب، ج ۲۶، ص ۴۵۶.

روشن است که بررسی و نقد این نظریه‌ها، مجال خود را می‌طلبد. آنچه در این نوشتار دنبال می‌شود ارائه دیدگاه قرآن مجید در این باره است، چرا که قرآن، گفخار پایان بخش سرگردانی‌ها است. قرآن مجید، جام جهان‌نمای آفرینش است؛ از این رو بدون تردید و با قاطعیت به ابهامات این موضوع پاسخ داده و راه را بر هر گونه اندیشه سست، مسدود کرده است.

### حقیقت رؤیا از دیدگاه قرآن

«رؤیا» در زمان خوابیدن اتفاق می‌افتد؛ بنابراین حقیقت «رؤیا» زمانی آشکار می‌شود که حقیقت «خوابیدن» روش شود.

قرآن مجید، پدیدۀ «خوابیدن» را مفارقت روح از بدن می‌داند و این روش ترین توضیح برای این موضوع است. قرآن مجید می‌فرماید: ﴿اللَّهُ يَتَوَفَّ الْأَنفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ اللَّهُ قَضَى عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرِسِّلُ الْأُخْرَى إِلَى أَجَلٍ مُسَمَّى إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَنْفَكِرُونَ﴾؛ «خداد است که جان‌ها را به هنگام مرگ می‌ستاند و جان آنان که نمرده‌اند را به هنگام خواب می‌گیرد. پس هر یک که مرگش فرا رسیده نگه می‌دارد و آن دیگری (که هنوز اجلش فرا نرسیده) را تا زمان معین باز می‌گرداند، همانا در این جریان برای کسانی که اندیشه می‌کنند نشانه‌هاست».

علامه طباطبائی رهنما درباره این آیه می‌نویسد: از جمله «فَيُمْسِكُ اللَّهُ قَضَى عَلَيْهَا الْمَوْتَ» دو نکته استفاده می‌شود.

❶ نفس آدمی غیر از بدن اوست، برای اینکه در هنگام خواب از بدن جدا می‌شود و مستقل از بدن و جدای از آن زندگی می‌کند.

❷ مردن و خوابیدن، هر دو توفی و قبض روح است. بله، این فرق بین آن دو هست که مرگ، قبض روح است که دیگر برگشته برایش نیست، و خواب قبض روحی است که ممکن است دوباره بازگردد.<sup>۲</sup>

فخر رازی نیز در تفسیر این آیه می‌نویسد: «مرگ و خواب از یک جنس هستند، البته مرگ، قطع کامل





## اصول حاکم بر نظام خانواده مهدوی

(قسمت اول)

### همایون صدوقی

خانواده کوچک‌ترین نهاد اجتماعی است که نقش بالنده و اساسی در تکوین جامعه دارد. خانواده زمینه ساختارهای هویتی و عاطفی جامعه فردا را مهیا می‌نماید. و با التزام عملی به اصول اعتقادی خویش زمینه‌ساز جامعه کلان فردا است که باید روابط اجتماعی، عاطفی، سیاسی - فرهنگی آن در جهت ارزش‌های بایسته نظام گیرد.

هر خانواده در صورتیکه بخواهد از اهداف کوچک عبور کند و خود را با اهداف بلند و آرمان‌های زیبا و ارزشمند شکل داده و همراه سازد باید از اصول و چارچوبی تبعیت نماید، که بتواند در تک تک اعضاء خود ثبات و ایستادگی در مقابل مشکلات را ایجاد نماید. جامعه امروز جهانی، جامعه‌ای باز است. جامعه باز جامعه‌ای است که عوامل تأثیرگذار به نظام اجتماعی مخصوصاً خانواده به شدت گسترشده و متفاوت است. رسانه‌ها، مدارس، افراد جامعه و باورهای اجتماعی مردم هر یک حامل پیامی برای خانواده هستند که برخی قصد دارند نظام و ساختار این نهاد ارزشی را یا مخدوش نمایند و یا در حرکت رو به رشد آن کاستی و کندی ایجاد نمایند.

شرایط امروز مثل جوامع بسته و محدود دیروز جهان نیست. در چنین شرایطی باید اولاً خانواده اهداف بلند خویش را پس‌گیری نماید و ثانیاً مقاومتی را در اعضاء بوجود آورد تا آن‌ها در مقابل عوامل تأثیرگذار منفی از خود نشان دهند و نه تنها مقاومت که قصد دگرگونی و تأثیرگذاری مثبت در جامعه را در نهاد اعضای خود به وجود آورد.

اگر دو خصوصیت فوق از وظایف اصلی خانواده فرض شود باید در این نوشتار به چند مسأله توجه نماییم که عبارتند از:

۱. اصول حاکم به نظام خانواده
۲. اهداف بلند و کوتاه مدت خانواده
۳. رویکرد حاکم که نقش اساسی و بالنده در رشد خانواده دارد.

۱. در قسمت اول باید دید که یک خانواده مسلمان اگر بخواهد در جریان رشد و تربیت خویش یک اقدام اساسی انجام دهد چه اصولی را باید مدنظر قرار دهد؟ آیا فقط باید ملتزم به تامین نیازهای مادی اعضای خود باشد. و یا می‌تواند و حتی باید نیازهای افراد را توسعه دهد تا آن‌ها مطالبات جدیدی داشته باشند و نیازهای جدیدی را اعلام نمایند. بدیهی است هر اقدامی در ارتباط با موضوع فوق به ناچار با محدودیت‌ها همراه است – چراکه خانواده امروز اگر قلمرو زندگی خویش را از تولد تا مرگ بداند نمی‌تواند به نیازهای عالی و جاودانه بیندیشد که به ناچار باید نیازهای خود را تا درجه مرگ نظام دهد زیرا اعتقادی به جهان پس از مرگ و در یک کلمه اعتقادی به ادامه زندگی خویش تا بی‌نهایت ندارد.

اما اگر خانواده دیدگاه خویش را نظام داده و ارتقاء دهد و نگاه خویش را به قلمرو زندگی توسعه دهد، نه تنها دنیا بخشی از یک زندگی گسترده است، که زمینه‌ساز زندگی جاودان آینده است. در این شرایط وضعیت دگرگون شده و اصول حاکم بر این زندگی نیز تغییر می‌کند، اصول مربوطه باید از یک غنای ویژه و زیربنای اساسی برخوردار باشد که پویایی و بالندگی آن جدی باشد؛ اصول باید قدرت الزام بخشی را در اعضا خانواده ایجاد نماید و این ممکن نیست مگر اینکه این اصول از یک آرمان بلند تعیت نماید. حال باید دید آن آرمان بلند که می‌تواند نه تنها به اصول که به اهداف و رویکرد حاکم بر رفتار خانواده شکل دهد چیست و این مسئله به یک مقدمه کوتاه نیاز دارد.

الف. انسان موجودی است قانونمند - هدفدار - مرتبط و هماهنگ با نظام هستی. خداوند انسان را طوری آفریده که نه تنها بارهای سنگین امروز که مسائل و مستولیت‌های سنگین فردا و فرداها را می‌تواند حمل نماید چراکه او ادامه دارد و مرگ - با تعریفی که ما از آن داریم به معنای نیستی - در او راه ندارد.

۲. نظام آفرینش نیز از این هویت برخوردار است. نظامی است هدفدار - قانونمند - مرتبط و نظاممند که حرکتی فعال رو به سوی بی‌نهایت را طی می‌نماید.

آن انسان با آن ویژگی خاص و این هستی با این صفات با یکدیگر هماهنگ هستند و وقتی انسان روی آرامش را می‌بیند که این هماهنگی بیشتر عینی شود.

امام زمان علیهم السلام مأموریت دارد از این هماهنگی پاسداری نماید تا انسان در مسیر عبودیت خویش بتواند قرب الهی را بهتر و دقیق‌تر و در کوتاه‌ترین مدت احساس نماید.

امام وظیفه دارد انسان را در هر موقعیت و در هر زمان راهبری باشد تا او را به آرامش که گمشده تاریخی اوست، برساند.

اصلاح خانواده و ارتقاء آن وظیفه اصلی تک‌تک اعضا به ویژه سرپرست خانواده است که باید با اطاعت از امام معصوم علیهم السلام هویت یابد. پدری که از قوانین حاکم بر انسان و هستی آگاهی داشته باشد عوامل تأثیرگذار در شخصیت خویش را کنترل نماید و به آزادی رسیده باشد؛ می‌تواند خانواده عالی و ارزشمندی را راهبری کند. اولین اصلی که باید در خانواده مطرح و اعضا از آن تعیت نمایند تعریف خانواده است.

در شماره بعد ادامه این بحث را دنبال خواهیم کرد ، و اصول دیگر حاکم بر نظام خانواده مهدوی را بیان خواهیم نمود .

## تفاوت‌های شرایط و علایم ظهور

در قسمت نخست این نوشتار و در بحث مفهوم شناسی، توضیح داده شد که برخلاف «نشانه‌های ظهور» که هیچ نقشی در تحقق ظهور ندارند و تنها از نزدیک‌تر شدن ظهور گزارش می‌دهند، «شرایط ظهور» در امر ظهور نقشی اساسی دارند و میان آنها رابطه‌ای و معلولی و سببی و مسببی برقرار است. براساس تعریف یاد شده می‌توان برای این دو، تفاوت‌های متعددی را برشمرد که پاره‌ای از آنها بدین قرارند:

۱ از آنجا که مجموعه شرایط ظهور، علت تامه ظهورند، اجتماع آنها برای تحقق ظهور ضرورت دارد؛ برخلاف نشانه‌ها که می‌توانند در بستر زمان پراکنده باشند.

۲ تحقق ظهور بدون زمینه‌ها و شرایط آن غیرممکن است؛ اما تحقق ظهور بدون نشانه‌های آن، فاقد هر نوع محاذوریت عقلانی است.

۳ انسان‌ها در تحقق نشانه‌های ظهور، مسئولیتی بر عهده ندارند اما وظیفه فراهم کردن بخش قابل توجهی از شرایط ظهور بر عهده انسان‌ها است.

از آنچه در خصوص مفهوم و تفاوت زمینه‌ها و شرایط ظهور گفته شد به خوبی می‌توان به جایگاه و موقعیت برتر شرایط در مقایسه با نشانه‌های ظهور پی برد. چراکه این شرایط‌اند که در ظهور نقش اساسی دارند و جامعه انسانی

# شرایط و علایم

(بخش دوم)

نصرت... آیتی

معرفت شرایط ظهور و چیستی و چگونگی تحقق آن باشیم. بی‌گمان دغدغه آشنایی با زمینه‌های ظهور و تلاش در جهت تحقق آن‌ها، قدم گذاردن در مسیری است که با گام به گامش می‌توان عطر فرح‌بخش ظهور را بیشتر و بیشتر حس کرد و لحظه به لحظه خود را به آن نزدیک‌تر دید. گرچه نکته یاد شده نمی‌تواند نفی کننده اهمیت بحث نشانه‌های ظهور باشد؛ چرا که این نیز کارکردهای مفید و متعددی دارد که در حای خود خواهد آمد. بی‌تردید موضوعاتی که ارتباط وثيق و نزدیکی با رفتار متظران دارند و در تربیت نسل مهدی‌یاور و مهدی‌زیست، تأثیر بیشتری دارند و به فراهم شدن بستر ظهور می‌انجامند و از موانع این راه می‌زدایند، در قیاس با بحث‌های صرف‌آثریک - همچون مساله ازدواج امام مهدی و قصه خیالی جزیره خضراء - که گاه دانستنیان جز ارضاء حسن، کنجه‌کاوی ثمر دیگری ندارد، اهمیت بیشتری دارند و از این رو متظران هوشمند باید به این سخن از معارف مهدوی اهتمام بیشتری بورزند.

## شرایط ظهور:

پس از بیان مقدمات گذشته، اکنون زمان آن فرا رسیده است که اندکی در خصوص شرایط یاد شده گفتگو کنیم. به عنوان مقدمه؛ تذکر این پس از بیان مقدمات گذشته، اکنون درسی که از این جایگاه ویژه و ممتاز می‌توان آموخت، این است که می‌بایست بیش از آنکه دغدغه تحقق نشانه‌های ظهور را داشته باشیم، به دنبال کسب مسبب به تأخیر افتادن آن شود.

در اینجا و موقعت برتر شرایط در مقایسه با نشانه‌های ظهور پی برد. چراکه این شرایط‌اند که در ظهور نقش اساسی دارند و جامعه انسانی

که دندانش شکست و صورتش شکافت. هرگز چنین نیست که کارها خود به خود درست شود. به خدای سوگند، کارها درست نخواهد شد تا اینکه ما و شما عرق و خون بیریزیم». آن گاه به پیشانی خود دست کشیدند.<sup>۱</sup> در فراز نخست این حدیث، گرچه به اندیشه اعجاز آمیز بودن پیروزی‌های امام مهدی علیه السلام تصريح نشده است، اما این باور که امور برای آن حضرت، خود به خود و بدون جنگ و خونریزی حل و فصل می‌شود، تعبیر دیگری از اعتقاد به استفاده امام از نیروهای فوق طبیعی است. این دیدگاه به روشنی نقش اراده جمعی انسان‌ها را در جریان ظهور امام مهدی علیه السلام نفی می‌کند و برای اراده جمعی انسان‌ها و اقبال و توجه آنها هیچ نقشی قائل نیست. نقد و بررسی این باور را در آینده پس خواهیم گرفت.



۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۶

۲. باب ۹۸، حدیث ۹

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۸

می‌گیرد و عوامل طبیعی و عادی در تحقق آن نقش چندانی ندارند به عنوان نمونه می‌توان به این احادیث اشاره کرد:

امام باقر علیه السلام رخدادهای آغازین ظهور را این گونه ترسیم فرموده‌اند: «... جبرئیل عن یمنه و میکائیل عن یساره، پسیر الرعب أَمَّا مَهْمَةُ شَهْرٍ وَ لَحْقَهُ شَهْرًا، أَمْدَهُ اللَّهُ بِخَمْسَةِ آلَافِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ»<sup>۱</sup> جبرئیل در طرف راست او و میکائیل در طرف چپ او قرار دارد ترس به مسافت یک ماه از پیش رو و پشت سرش در حرکت است. خداوند او را به وسیله پنج هزار فرشته یاری می‌دهد.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: «يؤيد الله بثلاثة أجناد الملائكة والمؤمنين والرعب»<sup>۳</sup> (خداوند او را به سه شکل یاری می‌کند: فرشتگان، مؤمنین و ترس).

از پاره‌ای روایات چنین برداشت می‌شود که در عصر امامان معصوم علیهم السلام نیز دیدگاه نخست در میان مردم طرفدارانی داشته است.

یکی از اصحاب امام باقر علیه السلام می‌گوید: «به آن حضرت عرض کردم: «مردم می‌گویند چون مهدی علیه السلام قیام کند کارها خود به خود درست می‌شود و به اندازه یک حجامت خون نمی‌ریزد». آن حضرت فرمودند: «هرگز چنین نیست. به خدایی که جانم در دست قدرت اوست، سوگند؛ اگر قرار بود کار برای کسی خود به خود درست شود برای پیامبر علیه السلام درست می‌شد؛ هنگامی

نکته اساسی ضروری است که درباره این مسئله که آیا ظهور امام مهدی علیه السلام یا پیروزی‌های آن حضرت بر دشمنان و تشکیل حکومت عدل جهانی و... پدیده‌هایی خارق العاده، معجزه‌سان و خارج از چارچوب سنت‌های طبیعی حاکم بر هستی است یا با رخدادهای کاملاً طبیعی و محکوم نوامیس حاکم بر جهان هستی می‌باشد، در این باور دو دیدگاه وجود دارد.

برخی بر این باورند که امام مهدی علیه السلام دنیای سرشار از عدالت و فضیلت و آکنده از طراوت و نشاط آخرالزمان را نه از طریق مدیریت و برنامه‌ریزی و تلاش‌ها و بی‌گیری‌های مستمر، که به صورت معجزه‌آسا و با استفاده از نیروهای فوق طبیعی بنا خواهد کرد؛ اما دسته دیگری از دانشمندان، از جریان ظهور و رخدادهای پس از آن تفسیری کاملاً عادی ارائه می‌کنند و معتقدند جنبش امام مهدی علیه السلام هم‌چون حرکت عظیم پیامبر اکرم علیه السلام و بلکه سایر جنبش‌های عالم، محکوم سنت‌هایی طبیعی است که به مشیت الهی در عالم هستی و در طول تاریخ در جریان بوده است و قیام امام مهدی علیه السلام از این جهت، پدیده‌ای منحصر به فرد نیست. مستند دیدگاه نخست، احادیثی است که بر وجود پدیده‌های متفوق طبیعی دلالت دارند. فراوانی چنین پدیده‌های اعجاز‌آمیز نشان‌گر آن است که جریان ظهور امام مهدی علیه السلام و تشکیل حکومت جهانی پدیده‌ای منحصر به فرد است که با اراده ویژه الهی شکل

**الف:** بشارت به آمدن او: پیامبر اکرم ﷺ در این باره می فرماید: «او کسی است که همه پیشینیان به آمدن او بشارت داده‌اند.»<sup>۱</sup>

**ب:** خاتمیت او: یعنی امامت در امامان تعیین شده، اتصال دارد و منقطع نمی‌گردد تا زمانی که به دست خاتم و آخرين آنان که حضرت مهدی ؑ است، برسد.

**ج:** مقام و منزلت او: در این باره دو جهت ذکر شده است:

۱) فضائل و مناقب او:

- او «انتخاب شده خداوند» و «هدایت یافته» و «کمک شده» است.

- نور از جانب خداوند در او قرار داده شده و نوری نیست مگر با او، و حقی نیست جز با او.

۲) مقام و شأن اجتماعی او:

- او ولی خدا در زمین و حکم کننده خدا در میان خلق است.

- کارها به او سپرده شده و او امین خداوند بر سر و آشکار الهی است.

در خطبه غدیر(سخنرانی پیامبر ﷺ در معرفی امام علی علیهم السلام) به حضرت بقیة الله الأعظم، توجه خاصی شده است.

خبر دادن از مهدی موعود برای آن مردمی که قبول ولایت امیر المؤمنین علیهم السلام برایشان سنگین بود، بیانگر آینده نگری اسلام و برنامه بلندمدت دین الهی برای مسلمین است. اگرچه برخی با آنکه آن روز با علی بن ابی طالب علیهم السلام یقین کردند؛ پیمان شکستند. ولی حقایق در طول زمان برای نسل‌ها روشن گشت، و از آنجا که کارها به دست خداوند است، روزی امر اهل بیت علیهم السلام ظاهر خواهد شد. آن روز، جهان به دست جانشینان واقعی پیامبر علیهم السلام سپرده می‌شود و انتقام آنچه در طول قرنها بر ایشان رفته است، گرفته خواهد شد.

لازم به ذکر است که اعلام این مطالب در غدیر، یک پیشگویی و اخبار از غیب نیز به شمار می‌آید.

در خطبه غدیر، ۲۵ جمله درباره حضرت مهدی ؑ آمده است که آنها را تحت ۶ عنوان می‌توان خلاصه کرد:

# امام صاحب‌الامر در غدیر

۱. او انتقام هر خون به ناحق ریخته اولیاء خدا را خواهد گرفت.  
۲. او از تمام ظالمان عالم، انتقام خواهد گرفت.

در بخش ششم خطبه نیز سه موضوع ذکر شده است:  
۱. نورانیت و نسل نورانی حضرت: آنجا که می فرماید: «نور از طرف خداوند در من، و سپس در علی<sup>علیہ السلام</sup> و نسل او تا مهدی قائم<sup>علیہ السلام</sup> قرار داده شده است».

۲. گرفتن حقوق اهل بیت به دست حضرت، آنجا که می فرماید: «مهدی، حق خداوند و هر حقی را که برای ماست خواهد گرفت».

۳. اختیار مطلق زمین به دست حضرت، آنجا که می فرماید: «هیچ سرزمین آبادی نیست مگر آنکه خداوند تا روز قیامت اهل آن را به خاطر تکذیبیشان هلاک می کند، و آن را در اختیار حضرت مهدی<sup>علیہ السلام</sup> قرار می دهد».

در بخش هشتم خطبه سه موضوع دیگر ذکر شده است:  
۱. خاتمت آن حضرت، آنجا که می فرماید: «خاتم امامان مهدی قائم<sup>علیہ السلام</sup> از ما است».

۲. غلبة او بر همه ادیان، آنجا که می فرماید: «اوست غالب بر ادیان، متقم از ظالمین فاتح قلعه ها، غالب بر مشرکین، متقم خونهای به ناحق ریخته، کمک کننده دین خدا، سرچشمه گرفته از دریایی عمیق، نشانه دهنده به افراد در حد خودشان، وارث علوم محکم کننده آیات الهی».

۳. بشارت به او، آنجا که می فرماید: «اوست که کارها به دست او سپرده شده و گذشتگان به او بشارت داده اند، و او ست حجت باقی خداوند، و ولی او در زمین و امانتدار او بر سر و آشکار».

۱. خطبه غدیر؛ احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۶۶.

- او یاری کننده دین خدا است.

- او هر صاحب فضیلی را به قدر فضیلش و هر صاحب جهله را به قدر جهله نشانه می دهد.

۱. علم او: این مسأله را نیز از دو بعد می توان در خطبه غدیر به دست آورد:

۱. او وارث هر علمی است و علمش به همه چیز احاطه دارد.  
۲. علم او به دریایی عمیق علم الهی اتصال دارد.

۲. قیام او: در دو مورد از خطبه غدیر، کلمه «القائم المهدی» بکار رفته و بعد از آن به قدرت مطلقه و تمام عیار حضرت بقیة الله الأعظم - ارواحنا فداء - اشاره شده که از جانب الهی به او عطا گردیده است و هیچ قدرتی طاقت برابری با او را ندارد. این موضوع از سه جنبه مطرح شده است:

۱. کسی بر او غالب یا علیه او کمک نمی شود و او همه قلعه های محکم را فتح می کند.

۲. او بر همه ادیان و بر همه گروه های شرک غالب می شود و آنان را هدایت می کند و یا (معصیان را) نابود می کند.

۳. خداوند همه آبادی ها و شهرهای جهان را تحت تصرف حضرت مهدی<sup>علیہ السلام</sup> در می آورد.

۴. انتقام او: در قسمتی از خطبه غدیر به این مسأله تصریح شده است که اگر چه حق اهل بیت<sup>علیہ السلام</sup> و شیعیانشان در طول تاریخ توسط ظالمین پایمال شده است، ولی متقدمی خواهد آمد و گذشته از عذاب آخرین، در همین جهان دل دوستان را با گرفتن انتقام از دشمنان، مسرور خواهد کرد. این نکته در قالب سه جمله آمده است:

۱. او حق خداوند و هر حق را که به اهل بیت<sup>علیہ السلام</sup> مرتبط شود، خواهد گرفت.

# در محضر خوبان



سخنان مرحوم حضرت آیت الله العظمی فاضل لذکر افی لهم

(قسمت دوم)

## • خرافه‌زدایی

یکی از کارهای مهم، زدودن خرافات است؛ خصوصاً خرافاتی که بین عوام مشهور است؛ مثلاً اگر پنج شب «چهارشنبه» به مسجد جمکران بیایند، اگر در شب ششم، به سیدی برخورد کنند، می‌گویند: «قطعاً این امام زمان است».

گرفتاری ما در جامعه، از ناحیه دو گروه است: عده‌ای رسمآ خودشان و دیگران را به طرف بی‌دینی سوق داده، همه‌چیز را انکار می‌کنند یا زیر سؤال می‌برند. در مقابل، گروه دیگر، گرفتار یک سری از امور خرافی شده‌اند؛ مثلاً در تهران، کسی پیدا شد و ادعا کرد که با امام زمان ره ملاقات دارد. جمعیت زیادی هم به او گرایش پیدا کردند. همچنین ادعا کرده بود

قم و مسجد جمکران قهر کرده  
بزرگان هم به ایشان گفته بود آیا  
داری یا این که معتقد‌بودون  
هیچ شاهد و دلیلی برای ارائه  
امام ره برای من نقل کرد که  
ادعا می‌کرد با امام زمان ره  
طرح شود تا او خدمت امام  
قدس سره - برای اثبات کذب

**مسئله امام زمان (عج) مسئله  
مهمی است و در هر بعد از  
ابعاد آن، باید قوی ترین،  
استدلالی ترین و زیباترین...**

شش ماه است، امام زمان ره از  
و به آنان سر نمی‌زند. یکی از  
برای ادعایت شاهد و دلیلی هم  
دلیل ادعایت را پذیریم؟ البته او  
نشاشت. قضیه‌ای را نوه حضرت  
شخصی در زمان امام خمینی ره  
ارتباط دارد و اگر مشکلی هست،  
زمان برده و حل کند. امام راحل

او فرمودند: «من چند مسئله دارم. جواب آنان را برای من بیاور؛ آن‌گاه مشکلاتم را مطرح می‌کنم: مسئله اول این که  
کیفیت ارتباط حادث با قدیم را توضیح دهید؛ مطلب دوم آن که من چیزی را که مورد علاقه‌ام بوده، مدتی است گم  
کرده‌ام از آن حضرت پرسید، گم شده من کجا است». آن شخص مدعی تا این مطلب را شنید، رفت و بعد هم نامه  
تندی برای امام - قدس سره - نوشت.

به هر حال بعضی از خرافات، به شدت در حال رواج یافتن است و این‌ها به اسلام لطمہ می‌زنند.

## • استفاده از شیوه‌های متقن و نوین

در رابطه با امام زمان ره، سعی کنید در ابعاد مختلف، واقعیت‌ها را با زبان و قلم روز بگویید و بنویسید. نظرات شخصی  
خود را اعمال نکنید. بهترین کتاب‌ها و مطالب را - مربوط به هر کس و هر زمان که باشد - جمع آوری و بیان کنید.  
مسئله امام زمان ره مسئله مهمی است و در هر بعد از ابعاد آن، باید قوی ترین، استدلالی ترین و زیباترین مطالب را  
انتخاب و ارائه نمایید.

سعی کنید یک کتاب یا مجموعه بسیار متقنی، در این‌باره به قلم تحریر درآورید که پاسخگوی نیازهای همگان باشد.  
در جمع دانش پژوهان مرکز تخصصی مهدویت



# حاجت‌ناقص

(خطاطه آیت الله العظمی مکارم شیرازی)



آن نمی‌باشد»، می‌گویند: پیغمبر اکرم ﷺ آن را بوسیده<sup>۲</sup> ما هم پیروی می‌کنیم و می‌بوسیم!

می‌گوییم: مقصودتان این است که پیغمبر ﷺ اجازه شرک داده و این مورد مستثنی است و نوعی شرک جایز است، یا بوسیدن، دلیل بر شرک نیست؟! اینجا سکوت می‌کنند و پاسخی ندارند. اضافه بر این می‌گوییم همه شما جلد قرآن را می‌بوسید و این کار را جایز می‌شمرید. یک قطعه چرم و مقوا چه ارزشی دارد که می‌بوسید؟ می‌گویند هدف اظهار محبت و احترام به قرآن است! می‌گوییم این کار شرک نیست؟ می‌گویند: صحابه رسول خدا ﷺ نیز قرآن را می‌بوسیدند.<sup>۳</sup>

می‌گوییم آیا حضرت اجازه داده شما مشرک شوید؟ با این که دلیل شرک غیر قابل تخصیص است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرِكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا ذُوَنَّ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكُ بِاللَّهِ فَقَدْ أُفْسَرَ إِنْمَا عَظِيمًا»<sup>۴</sup> خداوند (هرگز) شرک را نمی‌بخشد و گناهان پایین تر از آن را برای هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می‌بخشد و آن کس که برای خدا، شریکی قرار دهد، گناه بزرگی مرتکب شده است.

به یقین بطلان شرک به حکم عقل قطعی ثابت شده و حکم عقل قابل تخصیص نیست. در اینجا پاسخی ندارند.

کوتاه سخن این که آنها در گردابی از تضادها و تناقض‌ها غوطه ورند و خودشان هم کم و بیش می‌دانند اما به رو نمی‌آورند.

در جریان هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مکه نیز حدیث مناسبی در درالمثور نقل شده است (الدر المثور، جلد ۱، صفحه ۳۰۰).<sup>۵</sup> صحیح بخاری، جلد ۲، صفحه ۱۵۹.

۳. در دائرة المعارف کویتی، ماده «تقبیل» می‌خوانیم: «مشهور در میان حتاکله و نیز حنفیه این است که بوسیدن قرآن جایز است و از عمر نقل شده که همه روز صبح، قرآن را می‌بوسید و از عثمان نیز نقل شده که قرآن را می‌بوسید و به صورت خود می‌کشید».

۴. سوره نساء، آیه ۴۸.

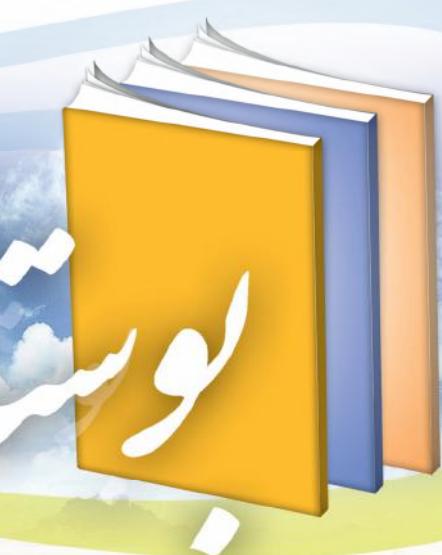
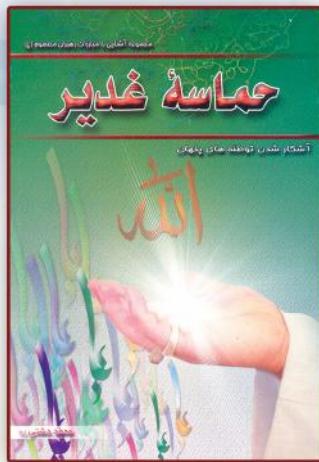
فراموش نمی‌کنم در سال‌های نخستین که به زیارت خانه خدا مشرف شده بودم، در مدینه، منظره عجیبی دیدم که مرا سخت به فکر فرو برد.

گروهی به نام «آمرین به معروف» (از متعصبان وهابی) با ریش‌های بسیار بلند، اطراف مرقد پیغمبر اکرم ﷺ را گرفته بودند و هر کدام شلاقی در دست داشتند و هر کس به قصد بوسیدن مرقد پیغمبر ﷺ نزدیک می‌شود، بر سرش می‌کوفتند و می‌گفتند «هذا حديد، هذا خشب و هذا شرك؛ این ضريح یک قطعه آهن و چوب بیش نیست، این کار شما شرك است!» غافل از این که هیچ عاقلی آهن و چوب را به خاطر آهن و چوب نمی‌بودند، بلکه این کار، حرکتی نمادین است برای اظهار علاقه و عشق و محبت به صاحب آن قبر، همان گونه که همه مسلمین - حتی خود وهابی‌ها - جلد قرآن را می‌بستند. آیا اظهار عشق و علاقه و محبت به قرآن و پیغمبر اکرم ﷺ شرك است؟ هیچ عقل و منطقی با چنین عقیده‌ای موافق نیست. مردم جهان، پرچم کشور خود را می‌بینند و به آن احترام می‌گذارند. آیا مقصودشان اظهار علاقه به یک قطعه پارچه‌بی ارزش است که شاید جزء طاقة پارچه‌ای بوده که بخشی از آن پرچم شده و بخش دیگری را پیراهن و شلوار کرده‌اند؟ به یقین، هدف آنها احترام به استقلال کشورشان است و مصدق حب الوطن است.<sup>۶</sup>

آیا هیچ کس احترام به وطن و آب و خاک را شرك می‌شمرد؟<sup>۷</sup> جالب این که همه وهابی‌ها به «حجر الاسود» احترام می‌گذارند و آن را می‌بینند. هنگامی که می‌گوییم: «هذا حجر» لا یضر ولا ینفع...؛ این نیز قطعه سنگی بیش نیست و سرنوشت ما در دست

۱. سفیة البحار، ماده وطن، در حدیثی نیز از امام علی (علیه السلام) نقل شده که فرمود:

عمرتُ الْبَلْدَانَ بِحُبِّ الْأُوْطَانِ (میزان الحکمة، جلد ۴، صفحه ۳۵۶).



محمد جواد کمار

### (نگاهی کوتاه به کتاب « Hammaseh Gudir » اثر مرحوم محمد دشتی)

در کنار کتاب معروف و ارزشمند (ترجمه نهج البلاغه)، کتاب حماسه غدیر نیز، از آثار با برکت مرحوم دشتی است. ایشان در پیشگفتار این کتاب راه رسیدن به وحدت میان فرق اسلامی را آشنایی و عمل به سنت و سیره پیامبر اکرم ﷺ معرفی می‌کند. آشنایی با سیرت رسول خدا ﷺ پایان دهنده همه تفرقه‌ها و اختلافات فکری و عقیدتی است.

این کتاب در ۶ فصل تنظیم شده است در فصل اول ویژگی‌های غدیر خم بیان شده است.

ویژگی اول این حماسه، اجتماعی بی‌همانند است چراکه اولاً از سراسر بلاد اسلامی در این اجتماع حضور داشتند ثانیاً جاذبه معنوی حاضران در غدیر که پس از انجام مراسم حج حاضر بودند و ثالثاً هدف از این اجتماع انگیزه‌های الهی بود نه مادی و سیاسی.

ویژگی دوم حماسه غدیر، فراوانی و انبیوه حاضران بود تعداد؛ جمعیت را مورخان بین ۹۰ هزار تا ۱۲۰ هزار نفر نقل کرده‌اند.

در ویژگی سوم بیعت عمومی و همگانی برای ولایت و رهبری حضرت علی علیه السلام تحقق یافت. کیفیت والای این حماسه چهارمین ویژگی این حادثه مهم بود. یعنی در حضور پیامبر و با نظرارت پیک وحی و در آخرین سفر حج پیامبر در روز روشن و با اعلام عمومی و رسمی و با آگاهاندن مسلمانان با ایراد خطبه، فرمان بیعت با حضرت علی علیه السلام صادر شد. ویژگی پنجم غدیر، صراحة در گفتار است. چراکه سخنان پیامبر از چند زاویه قابل توجه است.

۱. اعلان نزول پیک وحی برای معرفی امامت. ۲. علل صبر و انتظار پیامبر. ۳. اعلام ولایت عمومی و جهانی امیرالمؤمنین. ۴. یادآوری لیاقت‌ها و ویژگی‌های علی علیه السلام. ۵. تکمیل دین با ولایت علی علیه السلام. ۶. افسای چهره واقعی دشمنان علی علیه السلام. ۷. هشدار به قدرت طلبان متظر فرصت. ۸. مسئولیت همگانی تبلیغ. ۹. دعا و درخواست از خدا. ۱۰. فرمان بیعت عمومی.

ششمین ویژگی حماسه غدیر، گواهی حاضران در صحنه غدیر است که در کتب تاریخ ۱۴۶ نفر از اصحاب و یاران پیامبر به این حقیقت تاریخی اذعان کرده‌اند. آخرین ویژگی حماسه غدیر، راویان فراوان این حدیث است که از قرن اول تاکنون حدود ۵۱۴ نفر به ذکر حدیث غدیر پرداخته‌اند که اسامی آنان در کتاب بیان شده است.

## ● فصل ۲

در فصل دوم پس از ذکر انواع گرایش‌ها و خواسته‌ها برای مسلمان شدن مردم به ذکر توطئه‌های آشکار مخالفان می‌پردازد. از علل گرایش مردم به اسلام، رونق اسلام و خبر کاهنان و کلام ساحران و ستاره‌شناسان و علمای یهود و راهبان مسیحی به پیروزی مطلق پیامبر نام برده شده است.

گروهی با اخلاص و یقین ایمان آوردند گروهی حذب رونق بازار اسلام شدند و برخی بخاطر پیروزی پیامبر بر عرب به دنبال پیامبر و هجرت او بودند. برخی دیگر بخاطر ستم قریشیان به پیامبر پناه آوردند و بعضی هم همواره بر سر دوراهی قرار گرفته دستی برای بیعت و پایی برای فرار آماده داشتند. یاران پیامبر هم در یک ردیف نبودند حضرت علی علیه السلام در خطبه ۲۱۰ اصحاب پیامبر را به ۴ قسم منافق، خطاکاران، اهل شبیه، صادقون حافظون تقسیم کرده‌اند.

پس از حادثه غدیر چندین توطنه از سوی مخالفان جانشینی حضرت علی علیه السلام اتفاق افتاد که همگی به شکست انجامید. در همان لحظات پس از ایجاد خطبه پیامبر، مخالفت علی برخی آشکار شد حارث بن نعمان فهری که حاضر به پذیرش امامت مولی علی علیه السلام بود از خدا خواست تا سنگی از آسمان نازل شود و همانجا خداوند عذاب خود را نازل کرد.

ترور نافرجام، نقشه مهم مخالفان بود که قصد داشتند در مسیر راه در محلی بنام عقبه که راهی کوهستانی است شتر پیامبر را رم دهند. توطنه از سوی فرشته وحی به پیامبر خبر داده شد این عده به دستور پیامبر به وسیله حذیفه بن یمان و عمار یاسر شناخته شدند. اسامی ۱۳ نفره آنها در این کتاب ذکر شده است.

پیامبر اکرم علیه السلام برای گوشمالی دادن به بعضی از اصحاب وقتی که وارد مدینه شدند به خانه ام سلمه رفتند و تا یکماه به منزل عایشه و حفصه نرفتند رسول خدا علیه السلام در حضور همسران خود به حضرت علی علیه السلام فرمودند یا علی اختیار زنان پس از من با توست اگر مخالفت نمودند آنها را اخراج کن. حادثه دیگر طومار نفرین شده‌ای است که به خط سعید بن عاص نوشته شد و افرادی چون ابو سفیان و معاویه آن را امضا کردند.

### ● فصل ۳ واقع نگری پیامبر علیه السلام پس از حماسه غدیر

پیامبر اکرم علیه السلام پس از حماسه غدیر به راهکارهای اساسی دست زد اولاً تدارک لشکر اسامه بن زید را دید و فرمود: «که هر کس از جیش اسامه تخلف کند مورد لعن خدا است». اما عده‌ای از اصحاب به خاطر جوانی فرمانده و خبرهایی در مورد بیماری پیامبر از حضور در سپاه اسامه خودداری کردند. دومین احتیاطی که پیامبر انجام داد فرمان آوردن قلم و دوات بود که با توهین یکی از اصحاب به نتیجه نرسید. سومین احتیاط سخنرانی‌ها و هشدارهایی بود که حضرت در مناسبت‌های مختلف ایجاد کردند. چهارمین احتیاط، جلوگیری از نقشه‌های سیاسی بود. بعضی از اصحاب می‌خواستند تا به جای پیامبر امامت مسجد را بر عهده بگیرند که حضرت شخصاً وارد مسجد شد و ایشان را کنار زد.

از اتفاقات تلخ که پس از رحلت پیامبر رخ داد حادثه سقیفه بنی ساعده بود که با منع پخش خبر رحلت پیامبر و بیعت شتابزده به وقوع پیوست و با جلوگیری از ورود و خروج مردم از مدینه توانستند با زور و کشتار از مردم بیعت بگیرند. با تهاجم به خانه فاطمه زهرا و سوزاندن درب خانه حضرت، امام علی علیه السلام را به اجبار به بیعت با خلیفه کشاندند. آخرین حلقة این حوادث جمع‌آوری و سوزاندن احادیث پیامبر بود.

### ● فصل ۴ حضرت فاطمه علیه السلام و ارزش والای غدیر

فاطمه زهرا علیه السلام یادآوری حماسه غدیر را ضروری دانست و در جمع مهاجر و انصار و جمع بانوان عیادت کننده و... از حادثه غدیر خم سخن گفت.

### ● فصل ۵ روش استفاده از حدیث غدیر

در شرایط حساس مدینه و پس از ماجراهای سقیفه که همه لب فروپستند و همه دست از حمایت مولی علی علیه السلام شسته بودند این فاطمه زهرا علیه السلام بود که حدیث غدیر را در همه جا مطرح می‌فرمود و بارها به مردم ساكت و بی‌تفاوت و هراسناک مدینه می‌فرمود: «آیا قول پیامبر را در روز غدیر خم که فرمود هر کس من مولا و رهبر اویم پس علی مولی اوست را فراموش کرده‌اید؟» حضرت زهرا علیه السلام با یاد حماسه غدیر به افسای دشمنان می‌پرداخت و مردم مدینه را نسبت به سکوتی که کردند و از یاری حضرت علی علیه السلام سریاز زده‌اند، مورد سرزنش قرار می‌داد.

در کنار اقدامات حضرت فاطمه علیه السلام، حضرت علی علیه السلام نیز در موقعیت‌های مختلف، مانند روز شورا که مردم به دیگران روی آوردن و در روز جنگ جمل در بصره از مردم درباره حادثه غدیر سوال کردند تا کسی حادثه غدیر را فراموش نکند. حماسه غدیر آن قدر والاست که دشمنان امام نیز دربیث و مناظره خود از آن یاد می‌کردند مانند عمرو عاص برای غلبه بر معاویه، عمر بن عبدالعزیز برای پیروزی بر مخالفان و مأمون برای پاسخ دادن به علمای فرق اسلامی.

### ● فصل ۶ خطبه پیامبر علیه السلام در روز غدیر

بخاطر اهمیت حادثه غدیر در این فصل مؤلف خطبه مهم پیامبر در روز غدیر را به همراه ترجمه آن آورده است. نکته: جالب این است که در خطبه غدیر، پیامبر علیه السلام در چند فراز، امام مهدی علیه السلام را به عنوان آخرین اوصیاً خود و کسی که ظلم و ستم را از بین می‌برد معرفی نموده است.

# با کدام ح

## به امام زمان نگاه کنم؟

آقای معلم<sup>۱</sup> معتقد بودند خدمت حضرت ولی عصر علیه السلام رسیدن خیلی مشکل است.  
یکی از اراداتمندان نقل کرده است :

به آقای معلم دامغانی عرض کردم: آقا شما توسلی در طول زندگی خود نگرفتید که خدمت حضرت ولی عصر علیه السلام بررسید؟  
گفتند: نه.

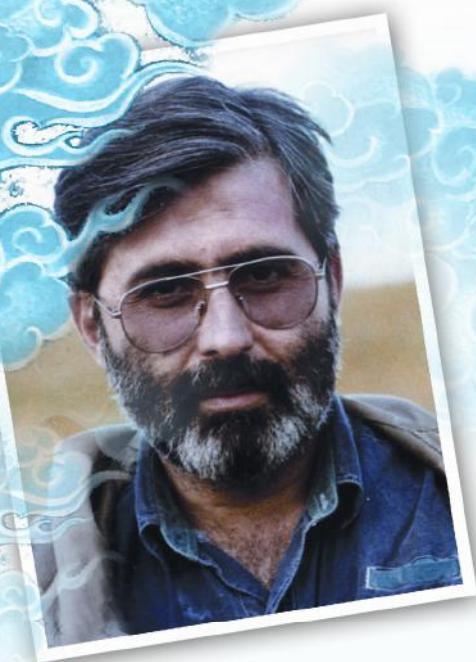
یک وقت دیگر به آقای معلم گفتم: آقای معلم شما ختمی نگرفتید که آقا امام زمان علیه السلام را ببینید.  
گفتند: نه.

گفتم: آقا پس یک ختم به ما بدهید. گفت: برای چه ختم می خواهی؟ گفتم: خوب شما خودتان چرا ختم نگرفته اید؟  
گفت: راستش من فکر کرده ام حالا ختم هم بگیرم! امام زمان را هم ببینم! اما با کدام چشم به امام زمان علیه السلام نگاه کنم!  
من که خجالت می کشم، با چشمی که به این سو و آن سو می رود، به حضرت نگاه کنم.

این چشم هرزه صاحبش باید خجالت بکشد به آن وجه الله نگاه کند. امام زمان علیه السلام وجه الله است.  
عجب! مردی که تمام شباهی جمعه بیدار بود. مردی که تمام شباهی دیگر یک ساعت و نیم به اذان صبح بیدار  
بود، ایشان چنین بگویند مادیگر باید چه بگوییم؟

۱. مرحوم علی اکبر معلم دامغانی، عارف معاصر، عمومی شاعر معروف علی معلم. امام خمینی علیه السلام از سال هایی که درس حاج شیخ عبدالکریم حائری شرکت می کردند، با مرحوم معلم رفیق و همدرس بودند. از کسانی که با ایشان مراوده داشتند می توان به مقام معظم رهبری، آیت الله جوادی آملی، مرحوم حاج آقای مروی، حاج آقای صدیقی و حاج آقای فاطمی نیا اشاره کرد.

# شکردا



## ● ترک عادت

کاش نرفته بودم. مدتی بعد دوباره او را عازم حجایز دیدم؛ با خنده گفتم: « حاجی تو که قرار بود دیگر به آنجا نروی؟ نگاهش را به زمین دوخت و پاسخ داد: «نمی‌دانم اما احساس می‌کنم این بار باید بروم. وقتی بازگشت. دوباره از اوضاع سفرپرسیدم. این بار هیجان عجیبی داشت.

با خوشحالی گفت: « این دفعه با گروه جانبازان رفته بودم، چنان درسی از آنها گرفتم که ای کاش قبلًا با اینها آشنا شده بودم بارها و بارها گریستم، به خاطر تحول و حماسه‌ای که در اینها می‌didم. به یکی از جانبازانی که نایبنا بود گفتم: « دوست نداشتنی یک بار دیگر دنیا را ببینی؟ حداقل انتظار داشتم بگویید: « چرا یکبار دیگر می‌خواستم دنیا را ببینم. اما او پاسخ داد: « نه » پرسیدم: « چطور؟ » گفت: « در مورد چیزی که به خدا دادم و معامله کردم نمی‌خواهم فکر بکنم. بدنم می‌لرزید، فهمیدم که عجب آدمهایی در این دنیا زندگی می‌کنند ما کجا، اینها کجا ». <sup>۳</sup>

مرتضی<sup>۱</sup> عادت داشت، هر روز سیگار بکشد، تقریباً تمام اعضای خانواده این مسأله را می‌دانستند. اما پس از پیروزی انقلاب به طور ناگهانی سیگار را ترک کرد. برای همه این مسأله جالب بود، وقتی از او علت این کار را پرسیدم، پاسخ داد: « آقا امام زمان <sup>ع</sup> در همه حال ناظر بر اعمال و رفتار ما هستند. من چطور می‌توانم در حضور ایشان سیگار بکشم. مرتضی همیشه چشم بر جاده داشت، منتظر رسیدن کاروان نورانی مهدی <sup>ع</sup> بود عشق یعنی انتظار منتظر، و مرتضی عاشق راستین این قافله، شب را به امید طلوع فجر صاحب‌الزمان <sup>ع</sup> سپری کرد، گونه‌هایش را نوازش نمود و بالاخره پیکی آسمانی او را در سپاه منتقد آل محمد <sup>ع</sup> پذیرفت <sup>۲</sup>.

## ● چه خانه خدای!

تازه جنگ به پایان رسیده بود با اصرار دوستان حاجی برای مراسم حج به مکه رفت. وقتی بازگشت از او پرسیدم: « آقا مرتضی آنجا چطور بود؟ » با ناراحتی گفت: « بسیار بد بود، چه خانه خدایی، غربی‌ها پدر ما را در آوردند. کاخ ساخته‌اند، آنجا دیگر خانه خدا نیست. تمام محله بنی‌هاشم را خراب کرده‌اند.

۱. شهید سید مرتضی آوینی.

۲. کتاب مرتضی آئینه زندگی ام بود.

۳. کتاب همسفر خورشید

هنگامی که ما از نظام سیاسی مهدوی سخن می‌گوییم، مسأله مشروعیت این نظام نیز مطرح می‌شود. مسأله مشروعیت نظام سیاسی مهدوی نیز به اعتبار آن بر می‌گردد؛ اما اعتبار و حقانیت قدرت سیاسی در این نظام از کجا نشأت می‌گیرد؟ در این نوشتار سعی خواهیم کرد به صورت اجمالی، با طرح مسأله و تعاریف و دیدگاه‌های مربوط به مشروعیت سیاسی، مبانی مشروعیت نظام سیاسی مهدوی را شناسایی و تعریف نماییم.

### تعریف مشروعیت سیاسی

مشروعیت از ریشه «شرع» گرفته شده است و این امر غالباً موجب سوء تفاهم می‌شود. چنین وضعیتی در زبان لاتین نیز مطرح است؛ چراکه معادل مشروعیت سیاسی واژه *legitimacy* می‌باشد که ریشه آن به معنای قانون است و از آن ریشه گرفته شده است و سبب می‌گردد ناخواسته بین قانون و اعتبار یک نظام سیاسی پیوند ذهنی برقرار شود. برخلاف ریشه‌های لغوی، این اصطلاح در مطالعات سیاسی لزوماً ارتباطی با شرع یا قانون ندارد. بلکه شرع و قانون یکی از معیارهای مختلف و چندگانه مشروعیت سیاسی هستند.

در یک نگاه اجمالی، می‌توان مشروعیت سیاسی را چنین تعریف کرد: «مشروعیت سیاسی عبارتست از مبنای و معیاری که یک نظام سیاسی برای استفاده قهرآمیز از قدرت و زور داشته و حاکمان آن می‌تواند ادعای انحصار اطاعت مردم را از آنها داشته باشد. وجود چنین معیار توجیه‌کننده، سبب می‌شود مردم از فرامین حکومت اطاعت نمایند».¹

### گونه‌شناسی مشروعیت سیاسی

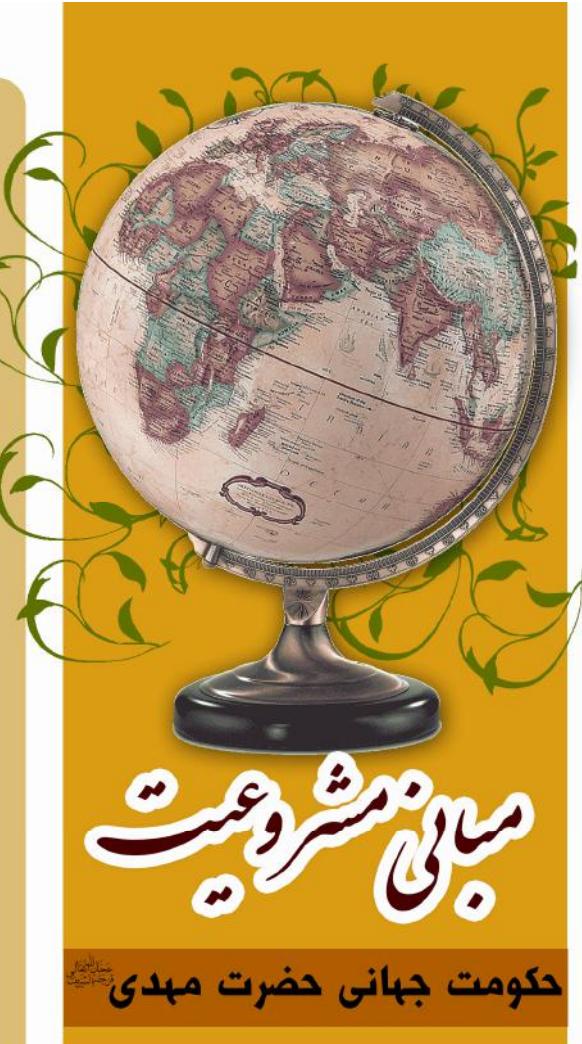
در طول تاریخ، نظریه‌های مختلفی برای مشروعیت سیاسی مطرح شده است. علت این اختلافات، پاسخ‌های مختلفی است که برای پرسش از حق حکمرانی بر دیگران داده شده است. در یک نگاه اجمالی این نظریه‌ها عبارتند از:

❶ **مشروعیت الهی.** مشروعیت الهی بر حق الهی حاکمان برای حکومت بر مردم دلالت می‌کند. طبق این اصل، خداوند به عنوان خالق جهان هستی و پروردگار جهانیان، فرد یا افراد خاصی را برای حکومت بر مردم برگزیده است. هر چند در باره تفصیل این نظریه، دیدگاه‌های مختلفی شکل گرفته است، اما حق الهی انبیای الهی و بویژه پیامبر گرامی اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام، مصدق باز این گونه از مشروعیت سیاسی در تفکر اسلامی است.

❷ **برتری ذاتی حاکمان.** در برخی از نظریه‌های اشراف سالاری (آریستوکراسی) در یونان باستان، بر برتری ذاتی اشراف و حق آنها بر حکومت بر دیگران تأکید شده است.

❸ **مشروعیت مبتنی بر تغلب و زور.** در این نوع مشروعیت، حاکم حق حکمرانی خویش را صرفاً با قهر و غلبه بر دیگران و به زور شمشیر به دست می‌آورد و دیگران را مطیع خویش می‌گردانند.

❹ **مشروعیت مبتنی بر سنت.** در اینجا حاکمان صرفاً بر اساس ستنهای رایج جامعه، حق حکمرانی را به دست می‌آورند. به عنوان نمونه حق فرزند ارشد ذکور در جانشینی شاه قبلی یکی از ستنهای رایج در نظامهای سلطنتی بوده است.



# مبانی مشروعیت

## حکومت جهانی حضرت مهدی

دکتر غلامرضا بهروز لک\*

### اشاره:

در ادامه سلسله نوشتارهای مربوط به سیاست و مهدویت، در صدد هستیم به تبیین مبانی مشروعیت حکومت جهانی حضرت مهدی پردازیم. هر چند در این مجال، فرصت کافی برای بحث مبسوط درباره مشروعیت سیاسی حکومت آن حضرت، وجود ندارد، اما سعی خواهیم کرد به صورت اجمالی و با بیانی ساده، کلیات نگرش اسلامی به مشروعیت سیاسی آرمان شهر مهدوی را به تصویر بکشیم.

### طرح مسأله

مشروعیت سیاسی از جمله مفاهیم کلیدی در مباحث سیاسی است. این مسأله به مبانی یک نظام سیاسی بر می‌گردد و به آن، اعتبار می‌دهد. یک نظام سیاسی فاقد مشروعیت، اعتبار خود را از دست داده و فرامین و احکام وی برای مردمان خویش، الزامی نخواهد بود. در این صورت، یک نظام سیاسی نیز نخواهد توanst ادعای استفاده انحصاری از قدرت را در یک جامعه، داشته باشد.

**⑤ مشروعیت قراردادی**. در نظام‌های مردم سالار غربی، مبنای مشروعیت حکومت‌ها صرف پذیرش عمومی و قرارداد اجتماعی است. در این نظام‌ها، خواست و اراده مردم، محور بوده و حاکمان از طریق انتخابات و با کسب رأی اکثریت در چارچوب قوانینی که مورد تأیید اکثریت جامعه باشند، حق حکومت می‌یابند.

### مبنای مشروعیت نظام سیاسی مهدوی

بر اساس ادله متقن عقلی و دینی، مبنای مشروعیت نظام سیاسی مهدوی، «مشروعیت الهی» است. نظام سیاسی مهدوی، براساس اراده الهی شکل گرفته و نظام موعود الهی برای سعادت بشر می‌باشد. برخی از مهمترین ادله مطرح برای این مشروعیت عبارتند از:

**(الف) دلیل عقلانی مشروعیت الهی نظام مهدوی:** براساس مبانی فکری توحیدی، خداوند خالق جهان هستی بوده و با علم مطلق و حکمت خویش به تدبیر جهان هستی می‌پردازد. توحید، عرصه بسیار گسترده‌ای داشته و در نتیجه انسان موحد در تمامی امور خویش، دل به خداوند متعال می‌سپارد. یک موحد، علاوه بر توحید ذاتی، توحید را در عرصه‌های مختلفی چون توحید افعالی، توحید در تشریع و توحید در حاکمیت می‌پذیرد.<sup>۱</sup> بر این اساس، حکومت جهانی موعود - به عنوان حکومتی که مظہر تام پیروزی حق بر باطل می‌باشد - از منظر تفکر توحیدی، مبنی بر اراده و حاکمیت الهی خواهد بود و چنین مبنایی جز با مشروعیت الهی سازگار نیست. این مسئله در نظریه امامت شیعی کاملاً پذیرفته شده است.

**(ب) دلایل نقلی مشروعیت الهی نظام مهدوی:** درباره دلایل نقلی مشروعیت الهی نظام سیاسی مهدوی، ادله بسیار زیادی در متون اسلامی می‌توان یافت. تمام ادله‌ای که از سنت نبوی ﷺ برای امامت اقامه شده‌اند، بر چنین مشروعیتی دلالت دارند. اما مهمترین ادله را در این اختصار اینگونه می‌توان ذکر کرد:

وراثت صالحان را بر روی زمین، یک اراده تخلف الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلُهُمْ أَنْتَهَى وَ زمین مَنْتَ نهیم و آنان را پیشوایان و وارشان روی قرآن، این امر، یک وعده الهی معروفی شده است: لَيَسْتَخْلُفُنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ». طبق این آیه، خداوند حاکم بر زمین قرار دهد.

خداآوند متعال در قرآن کریم، امامت و ناپذیر الهی خوانده است: «وَنُرِيدُ أَنْ تَمُّنَ عَلَى نَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ «ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین قرار دهیم»<sup>۲</sup> همچنین در جای دیگری از «وَعْدَ اللَّهِ الَّذِينَ آتَيْنَا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَعَدَهُمْ دَادَهُمْ سَازِد...»

در احادیث اسلامی نیز بر این امر تصریح شده است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ در حدیث مشهور خویش، برانگیخته شدن حضرت مهدی ﷺ را به خداوند نسبت داده است: «اگر از دنیا فقط یک روز باقی ماند خداوند مردی از اهل بیتم را برانگیخته، زمین را از عدل و داد آکنده سازد...»<sup>۳</sup>.

به لحاظ عملکردی نیز، عملکرد حضرت مهدی ﷺ براساس احیای کتاب الهی و سنت نبوی ﷺ و متحد کردن ملت‌ها و امت‌ها تحت دین اسلام خواهد بود. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «بِهِ خَدَا سُوْكَنَدَ اَيْ مُفْضَلَ كَه او (حضرت مهدی ﷺ) اخْتِلَافُ مِيَانَ مُلْتَهَا وَ اَدِيَانَ را بَرَ مَيِّنَد وَ دِينَ، (واحد) می‌شود همان گونه که خدا فرموده است: دین (حقیقی) در نزد خدا، اسلام است».<sup>۴</sup>

۱. استاد یار علوم سیاسی دانشگاه باقر العلوم علیه السلام.

۲. «جن همپن» با تمرکز بر مسئله حق فرمانروایی، مشروعیت سیاسی را در ذیل حق فرمانروایی به شیوه‌ای مشابه تعریف کرده است. نک: جن همپن، فلسفه سیاسی، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، طرح نو، ۱۳۸۰.

۳. آیت الله جوادی آملی، توحید در قرآن، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۵.

۴. سوره قصص، آیه ۵.

۵. سوره نور، آیه ۵۵.

۶. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۶۸.

۷. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴.

به وجود حضرت مهدی ع را واکنشی در مقابل وضع آشفته مسلمانان در دوران سخت تاریخ اسلام معرفی کنند؛ در حالی که اعتقاد به ظهور مصلح و موعد جهانی و انتظار کشیدن برای او، ریشه در فطرت انسان دارد. هر انسانی در نهاد خویش «عشق به زیبایی»، «عشق به نیکی» و «عشق به آگاهی» دارد و به امید دستیابی به آنها برای آینده تلاش می‌کند. به عبارت دیگر، عشق به تکامل، شعله جاویدانی است که سراسر وجود آدمی را فرا گرفته است؛ او می‌خواهد بیشتر بداند؛ زیبائی‌ها را بیشتر ببیند و از نیکی‌ها بیشتر بهره ببرد. این میل، ممکن است گاه کمرنگ شود ولی از میان نمی‌رود. اگر عشق و علاقه اصلی در وجود ما ریشه دارد، دلیل بر این است که معشوق و هدف آن در جهان وجود دارد و قابل تحقق است. یعنی اگر تشنۀ می‌شویم و علاقه شدید به نوشیدن آب داریم، نشانه این است که آبی در جهان هستی وجود دارد و گرنه دستگاه آفرینش تشنگی آن را در وجود ما قرار نمی‌داد. در نتیجه اگر انسان‌ها در درونشان عشق به زیبایی و نیکی و دانش شعله می‌کشد و انتظار تحقق آن‌ها را در جهان آفرینش دارند، زمینه‌ای برای اراضی این نیازهای فطری باید باشد. از طرف دیگر همگانی بودن اعتقاد به مصلحی که می‌آید و جهان را سرشار از صلح، دوستی، عدالت و آبادانی می‌کند، نشانگر فطری بودن این باور است؛ زیرا چیزی که زائیده شرایط خاص و محدودی باشد، نمی‌تواند عمومی و فرآگیر شود.

پروردگار آدمیان و عده داده است با آمدن موعد جهانی، امام مهدی ع، آن آینده تابناک خواهد رسید. نور و روشنایی سراسر جهان را فرا خواهد گرفت و تاریکی و سیاهی از میان خواهد رفت و البته وعده خداوند تخلف بردار نیست.<sup>۳</sup>

انتظار ولی عصر ع یعنی انتظار معنویت، عدالت، برابری و برابری، عمران و آبادانی زمین، امنیت و آرامش، شکوفایی عقل و دانش، رفاه و آزادی بشر و هر آنچه پیامبران الهی و پیشوایان دین مژده تحقق آن را داده‌اند.<sup>۴</sup> «أَلِئْ الصُّبُّحُ بِقَرْبٍ».<sup>۵</sup>



● سید حسن زمانی

گل‌های باغ، چشم به راهند تا سایه با غبان مهریان را بر سر خود ببینند و از دستان پرمه را آب حیات بنوشتند و دل‌های مشتاق بی‌تابند تا عنایت شورآفرین با غبان هستی را لمس کنند. به راستی انتظار چه زیبا و شیرین است؛ اگر زیبایی آن در کام دل چشیده شود.

برخی شرق شناسان<sup>۱</sup> به دنبال زمینی معرفی کردن دین اسلام، اصرار دارند اعتقاد به مهدویت و ایمان

۱. مهدی ع از صدر اسلام تا قرن سیزدهم، نوشته دار مستتر، ص. ۵.
۲. موعودی که جهان در انتظار اوست، علی دوانی.
۳. سوره نور، آیه ۵۵. تذکر این که در بیش از بیست جای قرآن کریم، تخلف بردار نبودن وعده‌های الهی بیان شده است.
۴. برگرفته از کتاب حکومت جهانی مهدی ع، اثر آیت الله مکارم شیرازی.
۵. سوره هود، آیه ۸۱.

از در که وارد شدیم، سراغ حاج رضا شریفی را گرفتیم. او را نشان دادند. مردی میانسال، قدی متوسط، داشت نماز می خواند. منتظر ماندیم تا نمازش را تمام کند؛ بعد بدون مقدمه وارد صحبت شدیم؛ چون حاج رضا باید به آشپزها در تهیه غذا کمک می کرد و وقت کمی داشت.

**حاج رضا! چرا غذا؟ کارهای دیگری هم بود چرا این کار را انتخاب کردید؟ غذا دادن به زائران؟**

بالاترین عبادت برای من سیر کردن مسلمان است و این انگیزه من بود. اگر کسی سیر شد می توانم راحت به عبادت پردازم. دوست دارم خدا از من راضی باشد و امام زمان ع دستم را بگیرد.

**از سابقه کار آشپزخانه بگویید؟**

آشپزخانه مسجد جمکران خیلی وقت است که فعالیت دارد. ما ابتدا داخل خود مسجد بودیم اما به دلیل توسعه مسجد، مجبور شدیم به بیرون منتقل شویم. به همین خاطر به فکر خرید زمین و ساختن حسینیه افتادیم. جالب است بدانید یکی از دلایلی که من نسبت به خرید این زمین، راغبتر شدم، این بود که این زمین ۳۱۳ متر داشت؛ یعنی به تعداد یاران امام زمان ع و همین که صاحب زمین به من پیشنهاد داد آن را خریدم و شروع به کار کردیم؛ البته با مشکلات زیادی هم روبرو بودیم و اگر کمک و عنایت آقا نبود، شاید نمی توانستیم کار را تمام کنیم. ما مدیون این بزرگواران (ائمه اطهار) هستیم و اگر آنها نباشند ما هم وجود نخواهیم داشت. هر کاری که در راه امام زمان ع انجام دهیم، کم است. ان شاء الله خودشان این ناچیز را قبول کنند.

**برنامه اطعام زائران مسجد جمکران ویژه ایام خاصی است؟**

نه، ما هر هفته شب های سه شنبه، حدود ۱۵ تا ۱۸ هزار نفر را اطعام می کنیم. البته نیمة شعبان هر سال نیز نزدیک به ۵۰ هزار غذا تهیه و توزیع می شود. برای ماه رمضان هم سفره افطار داریم و زائران روزه دار در ماه مبارک، در حسینیه، افطار می کنند.  
از همکارانتان برای ما بگویید.

درواقع اینجا به همت خیرین صنف قماش بازار تهران می گردد. خادمین، اینجا در آشپزخانه نقش بسزایی دارند. همه آنها به عشق آقا هر سه شنبه می آیند و به مردم خدمت می کنند. در بین آنها افراد دیگری هم هستند؛ تاجر، فرمانده ارشد سپاه، استاد دانشگاه، و خیلی های دیگر.

**حاج آقای شریفی، اگر خاطره ای دارید برای ما نقل کنید.**

خاطره که زیاد است. یک بار یک بیمار سرطانی که دکترها جوابش کرده بودند به مسجد آمد و شفا گرفت من خود شاهد بودم. یک مریض دیگر هم بود که به برکت امام زمان ع شفا گرفت. خاطره از عنایت آقا خیلی زیاد است و این دو مورد را چون حاضرند و اینجا هستند ذکر کردم.  
در پایان اگر سخنی دارید بفرمایید.

امیدوارم که امام زمان ع این کارهای ناچیز را از ما قبول کنند و ما شرمنده شان نباشیم.  
(با تشکر از یاور افتخاری مجله امان؛ علی آقایی)



موسی الرضا جوانشیر

# اصطلاحات مهدوی

● توقیع

بعضی‌ها معتقدند که کاتب آن توقیعات خود حضرت بوده است و حتی خط مبارکش میان خواص اصحاب و علمای وقت معروف بوده و آن را به خوبی می‌شناختند.<sup>۱</sup> شیخ صدوق می‌گفت: «توقیعی که به خط امام زمان<sup>۲</sup> برای پدرم صادر شده بود، اکنون نزد من موجود است.»<sup>۳</sup> لکن در مقابل فرائی است که همه توقیعات به خط خود امام نبوده است. مثلاً ابو نصر هب الله روایت کرده که توقیعات صاحب الامر به همان خطی که در زمان امام حسن عسکری<sup>۴</sup> صادر می‌شد. به وسیله عثمان بن سعید و محمد بن عثمان برای شیعیان صادر می‌گشت.<sup>۵</sup> می‌توان گفت که برخی توقیعات با خط مبارک خود امام صادر شده باشد و برخی دیگر با املای امام و کتابت دیگری صادر شده باشد و این هیچ خللی به این که توقیعات از طرف، حضرت بقیه الله می‌باشد، وارد نمی‌سازد.<sup>۶</sup><sup>۷</sup>

«توقیع» در لغت به معنای امضا کردن نامه و فرمان و نشان کردن نامه و منشور و همچنین نوشتن عبارتی در ذیل نامه و کتاب است.

و اصطلاحاً به دستورها و نامه‌های خلفا، بزرگان و دولتمردان گفته می‌شود. همچنین به پاسخ‌هایی که پادشاهان و بزرگان، زیر سؤال‌ها و درخواست‌های کتبی که از ایشان می‌شود، «توقیع» اطلاق می‌گردد.<sup>۸</sup>

در کتاب‌های روایی، فقهی و تاریخی شیعه نیز، توقیع به قسمتی از نوشته‌های ائمه اطهار<sup>۹</sup> اطلاق شده است. البته عمدۀ آن توقیعات از سوی امام عصر<sup>۱۰</sup> صادر گردیده است.

امروزه نیز وقتی سخنی از «توقیع» به میان می‌آید، ذهن به توقیعات حضرت مهدی<sup>۱۱</sup> منصرف می‌گردد.

در کتاب کمال الدین شیخ صدوق و غیبت شیخ طوسی و احتجاج طبرسی و بحار الانوار مجلسی، حدود هشتاد توقیع از ناحیه مقدسه نقل شده است که محتوای آن‌ها، برخی خطاب به سفرا و نواب خاص است و برخی خطاب به علماء و فقهاءست. برخی در پاسخ به سؤالات است و برخی در تکذیب و لعن کسانی است که به دروغ ادعای نیابت از طرف آن حضرت را داشتند.

سؤالی که معمولاً درباره توقیعات، مطرح است، این است که آیا آن‌ها به خط مبارک خود حضرت بوده یا آن که به املای حضرت و خط دیگری است؟

۱. علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج ۵، ص ۷۱۴۵

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۴۹، کمال الدین، شیخ صدوق، ج

۳. ص ۱۶۰، حدیث ۳.

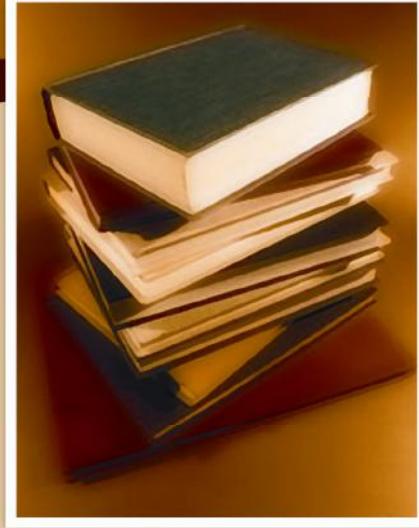
۴. انوار نعمانیه، ج ۳، ص ۲۴.

۵. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۴۶

۶. فرهنگ الفیاضی مهدویت موعودنامه، تونه‌ای مجتبی، ص

۷. ۲۳۴ - ۲۳۳

۸. فرهنگ‌نامه مهدویت، سلیمانیان خدامراد، ص ۹۹ - ۱۰۷.



# انتشارات مسجد مقدس جمکران

انتشارات مسجد مقدس جمکران، در سال ۸۵ تعداد ۱۱۵ عنوان کتاب جدید منتشر کرد

این کتاب‌ها که در تیرازهای زیاد و در زمینه‌های مختلف چاپ شد، در مقایسه با سال ۸۵

گذشته افزایش چشمگیر ۸۰ درصدی را نشان می‌دهد. شمار تمام تیرازهای سال ۸۵

انتشارات مسجد جمکران ۱۲۰۰۰۰۰ می‌باشد. از میان ۱۱۵ عنوان کتاب چاپ شده

توسط انتشارات جمکران، ۶۹ عنوان با موضوع مهدویت و امام زمان ع و بقیه در

موضوعات گوناگون دینی است. انتشارات جمکران همچنین در سه سال اخیر، نزدیک به دو و نیم میلیون جلد کتاب، با موضوعات مختلف، درباره زندگی اهل بیت، مباحث مهدویت و ... چاپ و توزیع کرده است. در این مجموعه، همچنین کارهای گسترده‌ای در زمینه

تحقيق و ترجمه به زبان‌های مختلف انجام گرفته و برای کودکان، یک دوره کتاب زندگی چهارده معصوم علیه السلام چاپ شده است. برای

روشن‌دان نیز کتابی درباره حضرت مهدی ع به خط بربل چاپ شده است. در سال ۸۶ کنون حدود ۸۰۰ هزار جلد چاپ و توزیع

شده. برخی کتابها، بعد از سالها، تحقیق، ویرایش و در چند جلد چاپ و منتشر گردید.

این انتشارات، همچنین یک سی دی با عنوان قرار سیز برای ناشنوایان آماده کرده است. کتاب نایدا ولی با ما به چندین زبان - از جمله

ترکی، انگلیسی، روسی و عربی و بنگال ترجمه و در اختیار مسلمانان قرار گرفته است. کتاب منجی موعود نیز برای استفاده مسلمانان

روسیه، به زبان روسی ترجمه شده است.

بخش نمایشگاه انتشارات جمکران نیز در مناسبت‌های مختلف همچون نیمه شعبان، دهه فجر، ... در سراسر کشور فعالانه دایر می‌باشد

و کتاب‌های آن انتشارات را با تخفیف ویژه در اختیار عموم هموطنان عزیز قرار می‌دهد. (با تشکر از حجت‌الاسلام والمسلمین حسین احمدی

قمی، مسئول انتشارات مسجد مقدس جمکران که ما را در تهیه این گزارش باری فرمود).

# رسانه اسرار

\*دکتر محمود رفیعی

در شماره پیشین، مرحله اول مجذوبیت را برای خوانندگان مجله امان بیان کردیم و در این شماره، مرحله دوم آن را بازگو می‌کنیم.

مرحله دوم مجذوبیت؛ بوی حضرت یار:

پس از آن که صیاد، رد پای صید خوش خرام خود را دنبال کرد و از طلب و مجاہدت دست نکشید و از خود استقامت نشان داد، بوی آهوی گریز پای آرام آرام مشام جان صیاد را می‌نوازد. شنیدن بوی یار، دومین مرحله از مراحل سه گانه مجذوبیت است. چه خوش است که ماجراهی اسرارآمیز مجذوبیت را از لسان جناب مولوی بشنویم:

مرحله اول مجذوبیت:

کام آهو دید و بر آثار شد

مرحله دوم مجذوبیت:

چند گاهش، گام، آهو در خور است

بعد از آن، خود ناف آهو رهبر است

مرحله سوم مجذوبیت:

چون که شکر کام کرد و ره بُرد لاجرم از آن کام در کام رسید

توضیح مرحله دوم مجذوبیت:

رفتن یک منزلی بر بوی ناف بهتر از صد منزل گام و طوفاً

بوی جانفرای حضرت محبوب پرده‌نشین به گردن جان

سالک بی قرار می‌بیچد و او را کشان کشان به سوی وصال،

راهبری و رهبری می‌کند:

چون شوم نومید از آن آهو که مشکش دم به دم

در طلب می‌دارم از بوی و از بویاییم\*

پس از استشمام بوی جناب معشوق، صیاد عاشق، علایم وصال را

آشکارتر در می‌یابد و با گام‌های بلند، سلوکش را ادامه می‌دهد.

بسیاری از عاشقان حضرت مهدی نیز پیش از آن که جمال دلربای

مولایشان را ببینند و از جام وصال او جرعه‌ها بنوشند از بوی

جانفرای حضرتش «ارواح العالمین لـ الفدا» مست و بی قرار

\*استاد دانشگاه علامه طباطبائی.

۱. مثنوی معنوی، دفتر دوم.

۲. دیوان کبیر شمس.

شده‌اند.

مولوی درباره بوی جناب معشوق و ویژگی‌های اسرارآمیز آن با ما سخن‌ها گفته است:

بو قلاووزست<sup>۳</sup> و رهبر مَر تورا من برد تا خُلد و کوثر مَر تورا

بو، دوای چشم باشد نور ساز شد زبوبی دیده یعقوب، باز

بوی بد مَر دیده را تاری کند بوی یوسف دیده را یاری کند<sup>۴</sup>

ماجرای حضرت یعقوب و جناب یوسف علیهم السلام بسیار شنیدنی است. ماجراهی این دو عاشق و معشوق، از اسرار ناگفته و ناشنیده پُر است. عارفان صاحب بصیرت، گوهرهای بسیاری از این ماجرا را به زبان نثر و شعر سُفته‌اند. ما در این بخش از سخنمنان فقط درباره مرحله دوم مجذوبیت ماجراهی حضرت یوسف و جناب یعقوب علیهم السلام سخن می‌گوییم.

جناب یعقوب علیهم السلام پس از آن که سال‌ها درد هجران و دوری جناب یوسف علیهم السلام را تحمل کرد و در راه عشق، بلایا را به جان خرید، بالاخره نالمه‌ها و گریمه‌ها در وصال را به روی آن جناب گشود.

بوی پیراهن یوسف:

جناب یوسف در مصر است؛ او حالا عزیز آن دیار است. پدر در فلسطین است و برای دیدن چهره فرزندش، جناب یوسف علیهم السلام هر روز به درگاه خداوند راز و نیاز می‌کند و از حضرت قاضی الحاجات می‌خواهد که فراق او را به وصال تبدیل کند.

وقعی که برادران یوسف، مدتی را در مصر استراحت کردند و از جانب حضرت یوسف علیهم السلام لطف و مهربانی بسیار دیدند، بازگشت به سوی کنعان را ساز کردند. جناب یوسف، آن پیراهن بهشتی را که پدرش به او داده بود به برادرانش داد و فرمود:

«این پیراهن را با خود ببرید و بر چهره پدر بیندازید تا چشمانش دوباره نور و روشنایی گیرد و به امر خدای حکیم بینا گردد. آن گاه پدر را با اکرام و احترام نزد من آرید». یوسف پیراهن را به دست یهودا داد. برادران از یوسف

۳. هادی و راهنمای.

۴. مثنوی معنوی، دفتر اول.

تائیتی بیوسف و بن یامین جمیعاً و ترد عینی؛ پروردگار! تو را به حق حضرت محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام سوگند می‌دهم، یوسفم را به همراه بینامین بازگردانی و «دیدگانی» را که در فراق یوسف و در اثر گریه از دست داده‌ام، دوباره به من عطا کنی.

هنوز دعای حضرت یعقوب به اتمام نرسیده بود که ناگهان بشیر و یهودا وارد شدند. آن‌ها زنده بودن یوسف و بینامین را به یعقوب بشارت دادند و پیراهن بهشتی یوسف - را که آن جناب برای پدر فرستاده بود - بر چهره و دیدگان حضرت یعقوب علیهم السلام افکنندند. در همان لحظه چشمان جناب یعقوب دوباره به گل و نور و روشنایی گشوده شد.<sup>۷</sup> «فلماً أَنْ جَاءَ الْبَشِيرَ الْقَاهَ عَلَى وَجْهِهِ فَأَرْتَاهُ بَصِيرًا»<sup>۸</sup>، پس هنگامی که بشارت دهنده آمد، آن را بر رخسارش افکند و ناگهان بینا شد.

آری به گفته مولوی، یعقوب، سمبل «مالک» و جناب یوسف سمبل «معشوق و محبوب نازنین» است. معشوقی که بوسی، عاشق را می‌نوازد و چشمان او را به آن سوی پرده می‌گشاید. تو که یوسف نیست، یعقوب باش هم چو او با گریه و آشوب باش چون تو شیرین نیست فرهاد باش چون نرای لیلی، تو مجnoon گرد فاش!

جناب سعدی نیز به همه سالکان کوی حضرت معشوق پرده‌نشین علیهم السلام می‌آموزد که: اگر چشمانان از گریه تلخ فراق، نایينا گردد، هم‌چنان به دیدار یار دلنواز خود، امیدوار باشید:

#### چون یعقوب از دیده گردد سپید

#### نیم ز دیدار یوسف امید

استقامت یاران و محبان امام زمان علیهم السلام در هر حال بر همه آن‌ها فرض است چرا که در پرتو پایداری و استقامت، بالآخره وصال یار دلنواز خواهد رسید.

در تیره شب هر تو جانم به لب آمد وقتست که هم چون مه تابان به درآیی

حافظ مکن اندیشه که آن یوسف مهو بازآید و از کلبة احران به درآیی<sup>۹</sup>

در شماره بعد، ادامه مراحل مجذوبیت را برای شما خوانندگان مجله امان خواهیم گفت.

۷. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۲۶۰.

۸. سوره یوسف، آیه ۹۶.

۹. متنی معنوی، دفتر اول.

۱۰. بوستان سعدی، ص ۲۸۱.

۱۱. دیوان غزلیات حافظ.

خداحافظی کردند و به همراه بشیر غلام جناب یوسف، رهسپار دیار غم‌زده کنعان شدند. در میان راه یهودا، پیراهن حضرت یوسف را گشود تا آن را ببیند. باد به امر خدای سبحان، بوی پیراهن یوسف را به طرف کنunan برد. یعقوب که در خانه و با چشمان بسته به انتظار آمدن فرزندانش بود، ناگهان خانه را از بوی روح پرور معشوق نازنینش آکنده دید. بوی پیراهن یوسف، یعقوب را پرطرب و مست گرداند، به گونه‌ای که با استشمام بوی خوش پیراهن جناب یوسف گفت: «اینک من بوی خوب یوسفم را از جانب مصر استشمام می‌کنم».

#### ای صبا! پیراهن یوسف مگر همراه توست

#### از کدامین باغ، این گل در گریبان گردیده‌ای؟

«أَنِّي لَاجِدٌ رِّيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تَفَدَّوْنَ»<sup>۱۰</sup> «همانا من بوی یوسفم را احساس می‌کنم؛ اگر مرا به نادانی و کم عقلی نسبت ندهید». اطرافیان حضرت یعقوب که حتی از دور، دستی در آتش عشق نداشتند و هرگز در عمرشان بوی عشق را استشمام نکرده بودند، گفتند: «به خدا سوگند که تو در همان گمراهی گذشته‌ات می‌باشی؛ چراکه سال‌ها از رفتن یوسف می‌گذرد و تو هنوز فکر می‌کنی که او زنده است؛ در حالی که این پندراری بیش نیست».

«قالوا تالهِ انکَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ»<sup>۱۱</sup>

مولایمان حضرت صادق علیهم السلام فرماید: «جناب جبرئیل امین بر حضرت یعقوب وارد شد و گفت: «آیا نمی‌خواهی دعا به تو بیاموزم که خدا دیدگانی را روشن کند و دو فرزندت (بینامین و یوسف) را به تو باز گرداند؟» جناب یعقوب علیهم السلام فرمود: «بگو که تاب و توانم ربوده شده است». جناب جبرئیل علیهم السلام عرضه داشت: «ای یعقوب! آن دعا همانست که پدرت آدم وقتی خدا را به آن سوگند داد، خداوند از سر تقصیرات او درگذشت. همانست که حضرت نوح در غرق شدن کشته، خدا را به آن سوگند داد و از غرق شدن نجات یافت. همانست که وقتی پدرت حضرت ابراهیم در دل آتش نمرود گرفتار آمد، خداوند به وسیله آن، آتش را بر او سرد و سلامت گرداند».

حضرت یعقوب فرمود: «ای جبرئیل! کاسه صبرم لبریز شد. بگو آن دعا چیست؟ جبرئیل گفت: «ای یعقوب! بگو: یا ربِ أَسْنَلَكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ علیهم السلام وَ عَلَى وَ فَاطِمَةِ وَ الْحَسَنِ وَ الْحَسِينِ علیهم السلام أَنْ

۵. سوره یوسف، آیه ۹۴.

۶. سوره یوسف، آیه ۹۵.

# دل نوشه

• کمی فکر!!

علیرضا مسعودیان

صبح جمعه هزاران عاشق در مهدیه، همنوا با هم دعای ندبه را می‌خوانند؛ همراه با آنها شدم تا به این قسمت دعا رسیدم «أين بقية الله؟» كجاست حجت خدا؟ با خواندن اين فراز کمي به فکر فرو رفتم.  
به راستي او كجاست و چرا از ديده‌ها پنهان گشته؟ چرا نمي‌آيد و درد دردمدان را شفا نمي‌دهد؟ چرا نمي‌آيد كه دل عاشقانش را شاد و چشم آنان را روشن گرداند؟ چرا نمي‌آيد تا كلبه احزان خلق را گلستان نماید و روزگار شوربده‌مان را به سامان برساند؟ چرا نمي‌آيد تا کشتی طوفان زده ما را به ساحل نجات برساند؟ آيا هنوز وقت ظهور نرسيد؟ آخر تا چه مدتی باید درد جدایی کشید؟ تا کي باید حسرت کشید و زهر فراق چشید؟...  
و اندیشیدم و اندیشیدم و...

آنگاه با خودم گفتمن: ببین برای آن روز چه کرده‌ای و برای يار چه آورده‌ای؟ آيا زمانی که خدمت حضرتش برسی، احساس سربلندی می‌کنی که با دست پر آمدۀ‌ای؛ يا خجالت می‌کشی از آن که حتی آقا نظری به تو بیفکند؛ چراکه با دست تهی آمدۀ‌ای و يا بدتر از آن، غرق گناه! آيا در زمان ظهور دعوتش را لیک می‌گویی و در رکاب ایشان آماده جان بازی خواهی برد يا این که خود و زندگی ات را بر قیام ایشان مقدم خواهی کرد؟ بنگر به حال خویش و دیگران، آيا «از تو به يك اشاره، از ما به سر دويدين» زبان حالتان هست يا فقط لقلة زبان است و بس؟ مطمئن باش که اگر امام رهنما به اندازه کافی يار بباید قیام می‌کند و چشم همه به جمالشان روشن می‌شود؛ پس دلیل عدم ظهور امام را باید در خود بجویی. ما باید از خودمان شروع کنیم و خویشتن را صالح گردانیم تا متظر واقعی باشیم و بتوانیم لائق دیدار گردیم.

چشمی که بود لائق دیدار ندارم

دارم گله از چشم خود، از يار ندارم

## وقتی بیانی

غروب جمعه که می‌یاد دلم می‌خواهد پر بز نم  
برم تو اوج آسمون به کهکشون سر بز نم  
تو این غروب بی صدا خیلی‌ها دردشون تویی  
ماه و ستاره شون تویی خیلی‌ها عشقشون تویی  
شنیده‌ام اگه بیای سختی‌های هامون تموم می‌شه  
مشکل درد آدما چشم زدنی تموم می‌شه  
یا تا مهربونی رنگ صداقت بگیره  
نزار غروب جمعه‌ها تو رو از ما بگیره  
بیا دستامو بگیر نزار که من رها بشم  
نزار تو این شهر غریب همنگ آدما بشم

فائزه‌سادات حسینی اصل خسروشاهی

(آذربایجان شرقی بخش خسرو شهر)

## انتظار

وسعتی بی‌انتها دارد غمت  
ای خوش آن دل که باشد محترم  
چشم ما در انتظار روی توست  
پرده بگشا جان فدای مقدمت  
دل ز هجران رخت افسرده شد  
زنده کن دل با مسیحایی دمت  
همچو بلبل در هوای وصل گل  
نعره خواهم زد بهار خرمت  
پادتو دارد دلم هر صبح و شام  
ای خوش آرزوی که باشم همدمت  
ایرج اسدی فر

# خودمانی

## نامه هایتان رسید

### نامه هایتان رسید:

کاوه داداشکی(شفت)، علیرضا احسانی فرد(قم)، الهام نیلی احمدآبادی (اصفهان)، محمود حیدری(قم) سرور صابری(اصفهان)، زهرا شعبانیان (قم، کهک)، محمد رضا باختر(قم)، محمد رضا مشتاقی( Zahedan)، سجاد کاوه (شهر کرد)، مقصومه داکر دشتی(گیلان)، لیلا طهماسبی(اصفهان)، لیلا وحدتی(قم)، امیر حسین حسینی(اصفهان)، نور... شمسایی(اردستان)، مریم فرخی(تهران)، رسول زارعی صدیق(کنگاور)، فرحناز صومعه(تهران)، علی حسینی پور(قم)، احترام هاشمی(اصفهان)، زینب صالحی (زرین شهر)، جلال حیدری(قم)، سیده فاطمه (میر عمامی)، هادی ملک زاده (زرین شهر)، زهرا خدابخشی(زرین شهر)، سکینه محمدی پاک خواه(قم)، سکینه خدابخشی(اصفهان)، خدیجه عبادی(قم)، سیمین افشار روغنی(تهران)، اشرف قاسمی(اصفهان)، حمیده دانشجو(مشهد)، مهدی باقر شاهی(تهران)، ولی ناصری (فسا)، سمیه همت پور(شфт)، طاهره فالحتی(اصفهان)، زهرا مومنی(زرین شهر)، رضا عباسیان(تهران)، زهرا ابراهیمی پور خلیلی(تبریز)، فاطمه نقی(اصفهان)، محمد داداشی(قم)، مختار امیری (فارس زرین دشت)، ریحانه حسینی(قم)، احمد مهدی زاده(اردکان)، مقصومه اسماعیلی خانی(رفسنجان) و ... .

### دوستانی که با محبت های سرشار خود سنگینی انجام وظیفه را بر ما شیرین نمودند:

شکر ا... امینی(اصفهان)، شمس السادات تاجدار حقیقی(شیراز)، رحمت ا... حمیدی (قم)، عبد القهار گنجی(قم)، حسن ذاکری(هرمزگان)، طاهره خنجری(تهران)، معین محمودی (شفت)، کبری مطهری(کاشان)، فاطمه احمدی فرد(قم)، ابراهیم گرانمایه(مرودشت)، عباسعلی علیمرادی(اصفهان) اعظم معتمدی سده(اصفهان)، فرشته حدیدی (اصفهان) ... .

## گلچینی از نامه‌ها

### ● معین محمودی (شفت)

با سلام خدمت دوستانی که تا کنون آنها را ندیده‌ام، این دومین شماره از مجله شماست که به دست من می‌رسد مجله زیبای دارید ، همه اش در مورد امام زمان ع هر چه هست زیباست امیدوارم که زیبا بماند .

### ● زهرا دهقانی (زرین شهر)

نشریه امان ، یک نشریه کامل است و با اینکه اولین بار بود که به دستم می‌رسید و آن را مطالعه کردم ، متظر هر مطلبی که بودم در آن یافتم .

### ● فاطمه نجفی (قم)

از وقتی با این مجله آشنا شدم لحظه شماری می‌کنم مجله را بگیرم و بخوانم .

### ● خوانندگان عزیزی که مارا کارشناسانه ، مورد نقد و سیل پیشنهاد قرار داده‌اند:

مسلم نظری قلعه روحانی (گیلان - فومن) ، علی رضایی (شاهین شهر) ، حسین رعد (ارومیه) ، خدیجه بیدق دار (بناب) ، فرحناز طوفانی (زرین شهر) ، مرضیه ارزانی (قم) ، رضا فرهادی شیرازی (تبریز) ، طیبه ارجمندی (سیرجان) و ... .  
منتظر انتقادات دیگر دوستان مجله امان هستیم ، همیشه مجله خودتان را ارزیابی کنید .

## گلچینی از پیشنهادات خوانندگان

حسین رعد (ارومیه) : خواستم بگوییم که جای مطالب و شعرهای خوانندگان مجله خالی است .  
خدیجه بیدق دار (بناب) : کاشکی صفحه آخر مجله یک کاغذ سفید بود مخصوصاً اونهای که دل تنگی هاشون رو می‌خواهند برای اولین بار روی کاغذ بیاورند این طوری شاید این کاغذها روی هم جمع شوند و امام عاشقان خواست اون برگه‌ها را ورق بزند .

### ● دوستانی که نوشته‌های ادبی و اشعار آنها به دست ما رسیده :

صدیقه سادات جمشیدی (زرین شهر) ، ربانی مختاریان کازرونی (کازرون) ، علی ناصر شوپای (جویبار) ، اکرم لرستانی (اصفهان) ، مصصومه نظری (کنگاور) ، الله حسنی (بزد) ، علی اکبر رضای راوردی (راورخ) ، بتول قربانی دری (رفسنجان) ، زهرا رحیمی (زرین شهر) پرسیا فرهادی (شاہرود) ، موسی ایقافی (اردبیل) ، سمیه همت پور (گیلان)  
، بهنام محمدی (زنگان) ، صدیقه مقدسی (دامغان) ، مهدیه سادات حسینی مقدم (کرمان) .

## گلچینی از نوشته‌های ادبی

### ● مهدیه سادات حسینی مقدم (کرمان)

آقا از وقتی فهمیدم تو در میان مایی به هر کس می‌رسم سلام می‌کنم .

امشب دلم از دوریت در پیچ و تاب است

فردا برایت چشم‌ها در انتظار است

تنهای نجات مردم آخر زمانی

تنهای پناه بی پناهان جهانی  
● مصصومه نظری (کنگاور)

# آخر مهدوست

◀ آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی: لازمه موفقیت خلوص نیت، پشتکار وجدیت برای فهم دقیق مطالب درسی است و بدون سعی وافر نمی‌توان به مقامات علمی دست یافت؛ بسیاری از بزرگان علمی در شرایط بسیار سخت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به سر می‌برده‌اند، اما هیچگاه از تلاش علمی دست برنداشته‌اند.  
(در دیدار طلاب مدرسه علمیه امام حسن مجتبی علیه السلام)



◀ آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی: ایمان، بالاترین سلاح و معیار برتری در میادین نبرد است؛ سلاح برتر را که ایمان است، دشمن ندارد در حالی که روحیه بالا و فداکاری حرف اول را در میادین جنگ می‌زند. کسانی که به ظاهر دم از دموکراسی و حقوق بشر می‌زنند، منطقشان این است که هر کس قوی‌تر است به خواسته‌هایش خواهد رسید.  
(در دیدار با جمعی از سرداران سپاه)



◀ آیت‌الله العظمی نوری همدانی: نظام اسلامی ایران با جهاد و شهادت به دست آمده، لذا خدمت کردن در هر عرصه‌ای به این نظام اسلامی عبادت است.



◀ رئیس جمهور دکتر محمود احمدی نژاد: توسعه روابط منطقه‌ای بر مبنای عدالت و برادری، تنها راه شکستن حاکمیت نظام‌های استعماری در جهان است.

◀ چهارمین همایش دانشجویی مهدویت با موضوع «نقش من در ظهرور» و «نقش امام علی علیه السلام در زندگی من» به همت جهاد دانشگاهی واحد علوم پزشکی تهران برگزار شد. این همایش با هدف ترویج فرهنگ مهدویت در جامعه و ایجاد پیوند معنوی میان دانشجویان و دانشگاهیان با امام عصر علیه السلام برگزار شود.

◀ جورج دبلیو بوش، رئیس جمهور آمریکا، چندی پیش دستور تشکیل تیمی مطالعاتی درباره امام زمان علیه السلام را داد. او، در همین راستا، جلسه‌های با عده‌ای از روحانیون و نخبگان مسلمان آمریکا داشته است که در آن جلسه با فلسفه امام زمان علیه السلام آشنا شد.

وظیفه این تیم مطالعاتی، (که متشکل از کارشناسان مسائل خاورمیانه و اسلام در وزارت امور خارجه، و چند نفر از وزارت اطلاعات آمریکا (CIA) و نخبگان مسلمان مقیم آمریکا است) دادن اطلاعات در مورد امام زمان علیه السلام به بوش می‌باشد. شایان ذکر است، بوش در آن جلسه ذکر کرده بود که: «این امام باید چیز خاصی داشته باشد که مسلمانان برای او خود را می‌کشند».

◀ برگزاری کارگاه آموزشی مهدویت و جهان معاصر به همت دبیرخانه نخستین جشنواره بین المللی آخرين منجي؛ اين کارگاه آموزشی مهدوی از ۱۴ تا ۱۸ آبان با هدف تئوري پردازي در زمينه مهدویت و آشنايي عموم با اين مبحث، ايجاد الگوي عملی در ميان دانشجويان و ساير اقشار مردم، بهره برداری از آموزههای ديني و عمومي افراد و همچنین مقابله با تهاجم و تبلیغات نابرابر و دروغين دشمنان ايران و اسلام و در نهايتي ايجاد بصيرت مهدوی در ميان مردم و به خصوص دانشجويان برگزار شد.

◀ **مرکز تخصصي مهدویت:** برگزاری دوره آموزشی مهدویت برای دانشجويان منتخب دانشگاهاه تهران؛ اين دوره در موضوعات مختلف مهدویت مانند: منجي در اديان، غرب و مهدویت، جهاني سازی و جهاني شدن،... با حضور استاد مرکز تخصصي مهدویت به مدت دو روز در مجتمع فرهنگي مهدی ياوران بنیاد فرهنگي حضرت مهدی موعود ﷺ برگزار گردید همچنین دورههای متفاوت آموزشی در اين مجتمع برای دانشجويان سراسر کشور برقرار می باشد.

#### ◀ **بنیاد فرهنگي حضرت مهدی موعود ﷺ شعبه لرستان:**

بنیاد فرهنگي حضرت مهدی موعود ﷺ شعبه استان لرستان در راستاي ترويج فرهنگ غني مهدویت دورههای ویژهای برای خواهان و برادران در موضوعات و مباحث مختلف مهدویت برگزار كرد.

❶ **برگزاری دوره آموزشی:** اين بنیاد دورههای آموزشی مختلف برگزار كرده است؛ كه از جمله آنها؛ دوره مهدویت برای کارمندان مخبرات استان لرستان، کارمندان علوم پزشکی و همچنین طلبههای حوزه علمیه فاطمیه و دانشجويان دانشگاه علوم پزشکی می باشد. و در پایان به نفرات برتر دورهها گواهی پایان دوره مقدماتی مهدویت داده شد.

❷ **برگزاری جلسات مذهبی و سخنرانی همراه با پرسش و پاسخ در موضوعات مختلف مهدویت با حضور استاد مرکز تخصصي مهدویت در مساجد اصلی شهر خرمآباد.** تلفن: ۰۶۱۳۲۳۹۸۹۳

#### ◀ **بنیاد فرهنگي حضرت مهدی موعود ﷺ شعبه فارس:**

❶ **برگزاری دورههای آموزشی:** اين دوره آموزشی تحت عنوان «بهشت حضور» برای فرهنگيان آن استان برگزار گردید؛ در اين دوره معلمان ديني، قرآن، عربی و پرورشي ناحيه دو شيراز شركت داشته‌اند.

❷ **چاپ اولين شماره از نشرие ديواري روح بهار:** اين نشرие جهت توزيع در مدارس آن استان تهيه گردید كه مورد استقبال دانش آموزان قرار گرفت. تلفن: ۰۷۱۱۲۳۴۹۷۰۷

#### ◀ **بنیاد فرهنگي حضرت مهدی موعود ﷺ شعبه آبادان و خرمشهر:**

❶ **برگزاری همايش جوانان و نهضت انتظار.**

❷ **برگزاری مسابقه نقاشي با نام امام مهربانی ها (به مناسب روز جهانی کودک) با حضور خردسالان شهر آبادان - خرمشهر و ارونديکنار.**

❸ **فعال کردن ستادهای مهدوی مساجد و مدارس شهر آبادان.**

❹ **برگزاری مسابقه كتاب خوانی با حضور ۵۰۰۰ نفر از جوانان شهر آبادان و خرمشهر.** تلفن: ۰۶۳۱۲۲۳۰۱۱۱

#### ◀ **بنیاد فرهنگي حضرت مهدی موعود ﷺ شعبه کرمان:**

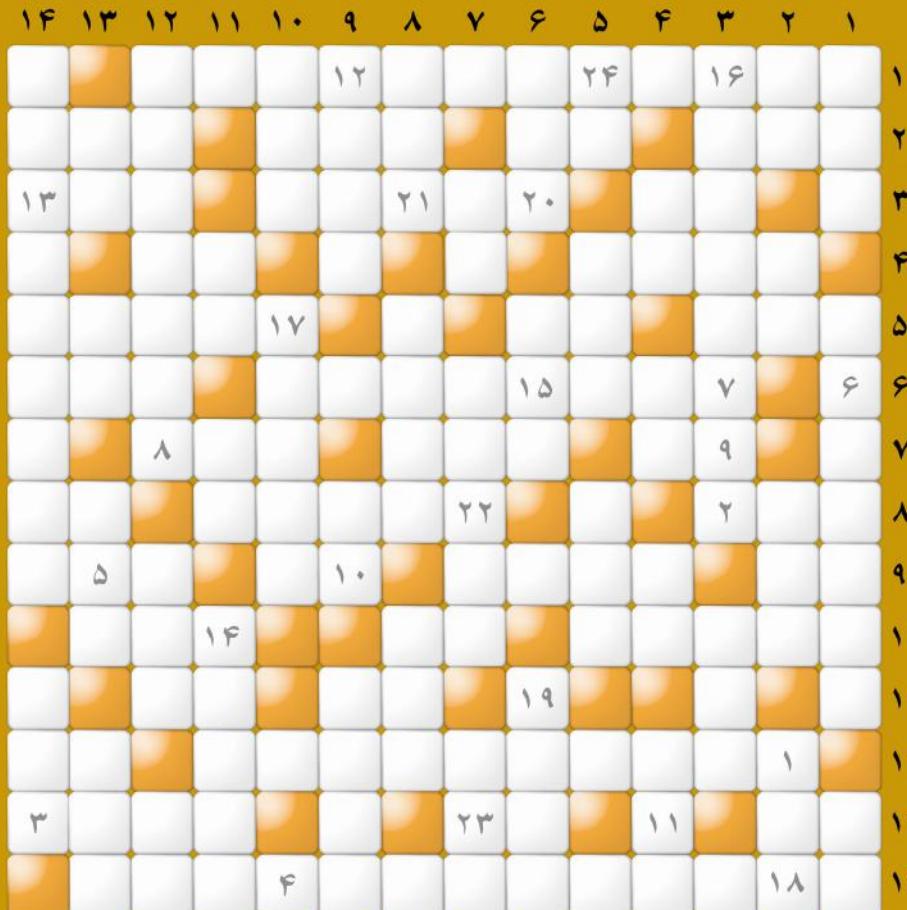
برگزاری دورههای آموزشی ویژه دانش آموزان:

يکي از فعالیت‌های انجام شده در بنیاد فرهنگي حضرت مهدی موعود ﷺ كرمان برگزاری دوره آموزشی و فرهنگي ویژه دانش آموزان آن استان تحت عنوان مهدیون ویژه دانش آموزان پسر و فاطمیات برای دانش آموزان دختر بود. تلفن: ۰۳۴۱۲۲۲۳۳۷

# جدول

محمدجواد کمار

## افقی



۱. روز بیانیه - ذیقنده سالروز آن است.
۲. چندر پخته - رها - ارزش - امر از فعل رفتن.
۳. از طوایف ایرانی - زمان پس از حال - پول بیگانه که در داخل کشور خرید و فروش می شود.
۴. خوشمزه - جمع آن نصوص است.
۵. نظر و عقیده - بی پرده و صریح - ناظر و نگهبان.
۶. شخصیتی در تاریخ که در بدله و بخشش و سخاوت ضربه المثل شده است - پرچم و علم.
۷. جام آن معروف است - نام دیگر سوره انسان - سود و بهره.
۸. خواهر پدر را گویند - شهرت - قلب.
۹. علامت معمولی بی واسطه - سوره‌ای در فضیلت فاطمه زهرا<sup>علیها السلام</sup>.
۱۰. آناده و همیا - نوعی بیماری است - دام.
۱۱. علامت افسوس - ویتمین انعقاد خون.
۱۲. کتابی از آیت الله صافی گلایگانی درباره امام عصر<sup>علیهم السلام</sup>.
۱۳. بدی و زشتی - خاک کوزه گزی - بایستی همه جهانیان به آمدن حضرت ولی عصر<sup>علیهم السلام</sup> داشته باشند.
۱۴. پرترگرین عید شیعیان که عید امامت و ولایت است.

## عمودی

۸. فرزند پسر - برای خوب شدن مریض استفاده می شود - با کثار هم قرار دادن حروف خانه هایی که شماره دارند.
۹. از القاب امام زمان<sup>علیهم السلام</sup> - ضمیر غایب - تباہ و ضایع.
۱۰. مسیر عبور - از القاب فجری.
۱۱. جنس مذکور - از میوه هاست - به انجام دادن مجدد هر کاری می گویند.
۱۲. از القاب موعد الهی<sup>علیهم السلام</sup> - مصیت و گرفتاری - مغز انسان.
۱۳. تکرار یک حرف - از برندگان زیبا - شکاف کوه را گویند - نصف چیزی است.
۱۴. روزی که مسیحیان نجوان به قصد مبارزه و نفرین کردن با پیامبر اکرم<sup>علیهم السلام</sup> به صحرا رفتند و سرانجام شکست خوردنده - عدل.

۱. اولیاء جمع آن است - روز نهم ذیحجه است - شمع اما بدون حرف وسط.
۲. عضوی در صورت انسان - حرف نفی در عربی - حیوانی خزندگ - مجرای عبور غذا.
۳. سالروز ازدواج حضرت علی<sup>علیهم السلام</sup> و حضرت فاطمه<sup>علیهم السلام</sup> - آسایش و آرامش.
۴. شهری مذهبی - مادر عرب - از حروف ربط - وحشت و اضطراب.
۵. داخل و درون - از خلاط است - از سوره های قرآن که بعد از سوره عنکبوت واقع شده است.
۶. از ادات استثناء - مکان گذاشتن لباس ها - از فروع دین است و بمعنای دوری جستن از دشمنان دین.
۷. از عناصر مورد نیاز بدن - پاکیزگی و حالتی است که هنگام نماز لازم است - شیر عرب.

# مسابقه

تحصیلات:	نام خانوادگی:	نام:
کد شهرستان:	تلفن:	سن:
شغل:	پست الکترونیک:	نشانی دقیق پستی:
کد پستی:		

خواننده گرامی!  
شما می توانید با استفاده از این برگه:  
● نشریه خودتان را ارزیابی کنید.  
● مطالب زیباییان را برای ما بفرستید.  
● پاسخ جدول را برایمان ارسال کنید.

با مطالعه دقیق مهلة، به سوالات ذیل پاسخ داده و در مسابقه شرکت کنید.  
مهلت ارسال تا تاریخ ۱۵/۰۱/۸۶

۱. در خطبه غدیر، چند بار به حضرت مهدی علیه السلام اشاره شده است؟  
الف) ۲۰ بار  ب) ۲۵ بار  ج) هیچ‌کدام

۲. کدام گزینه صحیح است؟  
الف) مجموعه شرایط ظهور علت تامه ظهور نیستند.   
ب) تحقق ظهور بدون زمینه‌ها و شرایط آن غیر ممکن است   
ج) شرایط ظهور در امر ظهور نقشی اساسی ندارد

۳. این حدیث را کامل کنید: ..... در طرف راست او و ..... در طرف چپ او  
قرار دارد.

الف) جبرئیل - میکائیل  ب) میکائیل - جبرئیل   
ج) جبرئیل - اسرافیل

۴. این حدیث از کدام معصوم است؟  
خداآوند او را به سه شکل باری می کند. فرشتگان، مؤمنین و ترس  
الف) امام باقر علیه السلام  ب) امام کاظم علیه السلام   
ج) امام صادق علیه السلام

۵. علامه طباطبایی از آیه «فَيُمْسِكُ الَّتِي قُضِيَ» چه استفاده می کند؟  
الف) نفس آدمی غیر از بدن اوست   
ب) مردن و خوابیدن هر دو توفی و قبض روح است   
ج) هر دو گزینه

۶. مولوی در اشعار خود حضرت یعقوب علیه السلام و یوسف علیه السلام را سمبول چه  
چیزی می داند؟

الف) حضرت یعقوب سمبول معشوق - حضرت یوسف سمبول سالک   
ب) حضرت یعقوب سمبول سالک - حضرت یوسف سمبول معشوق   
ج) حضرت یعقوب سمبول سالک - حضرت یوسف سمبول عاشق

۷. کدام پیامبر خانه کعبه را بنا کرد؟  
الف) حضرت آدم علیه السلام  ب) حضرت ابراهیم علیه السلام   
ج) حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام

۸. به فرموده امام صادق علیه السلام در چه مکانی هر بنده‌ای که به گناهانش  
اعتراف کند و طلب استغفار نماید خداوند او را می بخشد؟  
الف) ملتزم  ب) مقام ابراهیم  ج) حلیم

۹. درباره امام زمان علیه السلام غیبت به چه صورتی تحقق دارد؟  
الف) غیبت جسم  ب) غیبت عنوان   
ج) غیبت جسم و عنوان

۱۰. کدام گزینه از وظایف مهم و اصلی جوان منتظر نیست?  
الف) معرفت  ب) اطاعت  ج) دیدار



ویژه امام زمان

نشریه امان (ویژه امام زمان)

قم / صندوق پستی: ۳۷۱۸۵-۲۹۷۵

# پیش‌تجویاب قبول

هزینه اشتراک  
نوع درخواست  
نگاره شماره  
۵ شماره  
۱۰ شماره

هزینه اشتراک با پست مسافر اشی	با پست عادی با پست + ۰۵۰۰۰ ریال
هزینه اشتراک نگاره شماره ۵ شماره ۱۰ شماره	نگاره شماره ۵ شماره ۱۰ شماره
هزینه اشتراک نگاره شماره ۱۰ شماره	نگاره شماره ۱۰ شماره
هزینه اشتراک نگاره شماره ۱۰ شماره	نگاره شماره ۱۰ شماره
هزینه اشتراک نگاره شماره ۱۰ شماره	نگاره شماره ۱۰ شماره

وجه اشتراک را به حساب سپیا (۰۳۰۵۰۷۴۷۸۷۱۱۰) باکی ملی شعبه حجتیه قم کد ۲۲۱ به نام بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (ع) وارزی نموده و اصل فیش بانکی راهراه با این فرم به وسیله پست جواب قبول می‌باشد - شناسی - قم، خیابان شهداء (صفایی)، کوچه شماره ۲۲ (آمار)، بن پست شهید علیان - مرکز تخصصی مهدویت (صندوق پستی ۵۷۶۴-۵۷۷۴) بن پست شهید علیان - مرکز تخصصی مهدویت

بادآوری:

- از ارسال وجه نقد به نشانی مرکز خودداری فرماید.
- در صورت تغییر نشانی خود، مرتب را به این مرکز اطلاع دهید.
- تمداد و نوع سفارش خود را دقیقاً مشخص کنید.
- تمداد و نوع سفارش خود را دقیقاً مشخص کنید.

تلفن: ۰۵۷۴۳۷-۱۵۰

نوع درخواست:

 پست عادی
  پست مسافر اشی
 
 محل امضاء
  پست مسافر اشی
 

نام: ..... نام خانوادگی: ..... میزان تحصیلات: .....  
شغل: ..... نشانی دقیق: .....  
کد پستی: ..... تعداد درخواستی: ..... شروع اشتراک از شماره: .....  
ملبغ پرداختی: ..... تک شماره‌های: .....  
شماره حواله: ..... کد اشتراک: .....  
نوع درخواست: .....  
تلفن: .....  
.....



هزینه پستی براساس فرآورده شماره ۴۲-۸۷۳۷۳۰۰ برداشت شده است و نیاز به الصاق تمیز نمی‌باشد.